

گنج شایگان

عبدالحمید اشراق خاوری

نسخه اصل فارسی



کتاب

شایگان
خاوری
امری
بدیع

اشراق
مطبوعات
۱۲۴

گنج
عبدالحمید
ملی
نشر:

موسسه

اسم:
مؤلف:
ناشر:
تاریخ

! آغاز کتاب

ص ۱

گنج شایگان

تألیف

عبدالحمید اشراق خاوری

ص ۲

مؤسسه ملی مطبوعات امری



ORIGINAL

مقدمه

منظور اصلی از این مقاله ذکر الواح مهمه جمال قدم و شرح نزول و سال نزول هریک و خلاصه ای از مندرجات آنهاست گرچه آثار حق متیع مانند ذات بیمالش محدود و متناهی نیست و احصاً آثار نازله از قلم ابی از حدود امکان خارج است لکن مقصود نگارنده الواح مهمه الهیه است که حضرت ولی امرالله در ترجمه بعضی از آنها از اصل به انگلیسی اهتمام فرموده اند و یا در توقعیات انگلیسی نام آن را ذکر فرموده اند. قبل از شروع به نگارش اصل موضوع بعنوان مقدمه به عرض میرساند که سرعت نزول آیات الهیه از لسان اطهر و کثرت آیات منزله در نفس الواح الهیه مذکور و تصور آن از حد امکان بیرون است. حضرت ولی امرالله در گاد پاسربای در فصل وقایع ادرنه در این خصوص بیانی باین مضمون میفرمایند:

"یکی از طائفین حول و اصحاب که خودش حاضر و ناظر بوده نوشته است که آیات الهیه مانند باران شدیدی نازل میشد بطوری که نگارش آن در حین نزول ممکن نبود

در هنگام نزول آیات میرزا آقاجان آیات را مینوشت و حضرت غصن اعظم مرتباً به استنساخ و تسوید آیات مشغول بودند نبیل در تاریخ خویش نوشته است که : با آنکه عده کثیری شب و روز مشغول تحریر و تسوید آیات بودند ولی چنانچه باید و شاید از عهده بر نمیآمدند میرزا باقر شیرازی هر روز معادل دو هزار بیت مینوشت و شش هفت ماه باین کار مشغول بود هر چند مجلد از آثار مبارکه که نوشته بود به ایران میفرستادند و قریب

بیست جلد از الواح و آثار که با خط خوبی نوشته بود
 برای میرزا آقا جان بیادگار گذاشت.
 جمالقدم در این خصوص در لوحی میفرماید:
 قوله تعالی . "بشاءنی از غمام فضل امریه و سبحاب فیض
 احدیه هاطل که در یک ساعت معادل الف بیت نازل ."
 و نیز میفرماید:
 "الیوم فضلی ظاهر شده که در یک یوم و لیل اگر کتب از
 عهده برآید معادل بیان فارسی از سماء قدس ربانی
 نازل میشود... این ایام... معادل جمیع کتب قبل
 و بعد از قلم اعلی امام و جوه نازل ."
 و در لوح دیگری راجع به کثرت نزول آیات در ادرنه
 میفرماید:

ص ۵

"آنچه در این ارض موجود کتاب از تحریرش عاجز
 مانده اند چنانچه اکثری بی سواد مانده ."
 و در گاد پاسزبای در فصل وقایع عکا بیانی مضمون
 میفرماید:
 "الواح و آثار منیعه حضرت بهاءالله که عددش به صد
 مجلد بالغ..."
 و در گاد پاسزبای در فصل وقایع بغداد میفرماید:
 "نبیل زندی که در آن ایام بنفسه ناصر وقایع بوده مینویسد
 که وقتی مراجعت فرمودند در دو سال اول در هر شبانه
 روز معادل تمام قرآن از قلم مبارک آیات نازل میشد که اکثر
 سوادی از آن نمیگرفتند و آنچه که به خط هیکل مبارک بود
 یا در هنگام نزول امر به کتابت آن میفرمودند از جهت
 عظمت و قدرت و جامعیت خارج از حد تصور بود و قسمت
 اعظم آن آثار مقدسه از بین رفت."
 و نیز نبیل از میرزا آقاجان کاتب وحی نقل میکند که

میگفت :

"صدها هزار بیت از آیات مبارکه که اغلب آنها بخط خود هیکل مبارک بود حسب الامر مبارک همه را در شط بغداد ریختیم و محو نمودیم میرزا آقاخان گفته که پس از صدور امر مبارک بریختن آثار در شط من اندکی تامل داشتم

ص ۶

هیکل مبارک فرمودند همه اینها را بریز در شط زیرا کسی دارای سمعی که قابل اصغاء این الحان الهیه باشد موجود نیست ریختن کتب و آثار مبارکه در شط منحصر بیک دفعه نبود بلکه بامر مبارک چند دفعه تکرار شده." آقا محمد کریم شیرازی نیز که در حین نزول آیات مشرف بود اظهار کرده است که نزول آیات از لحاظ سرعت و فصاحت و انسجام کلام بی نظیر و شبیه بود و به مراتب از آثار مبارکه حضرت رب اعلیٰ اجل و اعلیٰ بود من خودم در هنگام نزول آیات مشرف بودم همین سرعت نزول آیات منفسه در اثبات عظمت و حقانیت هیکل مبارک برای اهل عالم کافی است و احتیاجی به برهان دیگر نخواهد بود. (ص ۱۳۸ انگلیسی)

باری نصوص مبارکه در این خصوص بسیار است. پس از این مقدمه به اصل موضوع میپردازیم و الواح و آثاری را که از طهران تا عکا از لسان و قلم مبارک جاری و نازل گردیده مورد بحث قرار میدهم. بحول الله و قوته. طهران - اشراق خاوری

۱۲۴ بدیع

ص ۷

آثار نازله در طهران
حضرت ولی امرالله در کتاب گادپاسزبای

در ضمن وقایع بغداد بیانی باین مضمون میفرمایند:
"...قصیده رشح عما که در طهران از لسان مبارک
جاری شده نخستین اثر کلک اطهر الهی است..."
(ص ۱۲۱ انگلیسی)

این قصیده در بین احباب معروف و مشهور است و نزول
آن به سال ۱۲۶۹ ه.ق در سیاه چال طهران بوده
است.

الواح نازله در بغداد ((مدینه الله))
قبل از هجرت بسلیمانیه
جمالقدم جل جلاله پس از ورود به بغداد و قبل
از عزیمت به سلیمانیه آثار مبارکه ای از قلم اطهرشان
تراوش کرده است که از آن جمله لوح مبارک کل الطعام
است که در سال ۱۲۷۰ ه.ق در بغداد نازل شده

ص ۸

است. بشرح ذیل:
لوح کل الطعام
این لوح مبارک در تفسیر آیه قرآن "کل الطعام
کان حلالاً لبی اسرائیل" در بغداد قبل از ایام رضوان
و اظهار امر از قلم جمالقدم نازل شده. حضرت ولی
امرالله در گاد پاسربای (ص ۱۱۶) بیانی باین مضمون
میفرمایند:

"لوح کل الطعام بدرخواست حاجی میرزا کمال الدین
نراقی که از بایان اصیل و شریف و از خانواده نجیب بود
در آن اوقات از قلم مبارک نازل شده. مشار الیه اول از
میرزا یحیی ازل معنی آیه کل الطعام را سؤال کرد یحیی
تفسیری بان آیه نوشت و مطالبی بهم بافت و برای حاجی
کمال فرستاد چون حاجی کمال نوشتجات ازل را مطالعه
کرد انرا بی اندازه سست و بی مغز مشاهده نمود بطوری

که اعتماد و توجهش به کلی از ازل سلب شد آنگاه به حضور به‌الله شتافت و تقاضای خود را از آن بزرگوار تجدید کرد. لوح کل الطهام در جواب او نازل شده. نزول این لوح قبل از هجرت هیکل مبارک به سلیمانیه در سال ۱۲۷۰ ه. ق مطابق ۱۸۵۴ میلادی

ص ۹

در بغداد بوده است. این لوح عبری نازل شده و بسیار مفصل است و در آن شرحی مبسوط از مصائب و بلاهای وارده بر هیکل مبارک و عناد و فساد معاندین و مفسدین مذکور گردیده و در همین لوح است که حضرت قدوس را بلقب نقطه‌الآخری ذکر فرموده‌اند و آیه قرآن را به چندین وجه تفسیر فرموده‌اند. از جمله اسرائیل را به نقطه اولی و طعام را به علم الهی تأویل نموده‌اند و معانی دیگر نیز برای آن در همین لوح مبارک بیان شده است. حاجی کمال نواده ملا مهدی نراقی از علمای دوره فتحعلی شاه قاجار است و نگاشته‌ای در شهادت شهدای کربلا دارد بنام "محرق القلوب" که در قلعه ماکو سید حسین کاتب به امر حضرت اعلی برای آن حضرت به صدائی بلند میخواند و شرح آن در تاریخ نبیل مسطور است. حاجی کمال الواح بسیار به اعزازش نازل شده و در سال ۱۲۹۸ ه. ق در نراقی وفات یافت و قبرش در آنجا است. در روز خروج جمالقدم از بیت مبارک و عزیمت به باغ رضوان که همه اهل حرم و اصحاب گریان بودند حاجی کمال طفل کوچک خود را در جلو درب بیت به اقدام مبارک انداخت و طفل با دست کوچک خود

دامان مبارک را گرفت به این امید که از عزیمت صرفنظر
فرمایند نام این طفل علی بود و در لوح رضوان این
مطلب از لسان رحمن نازل شده. قوله تعالی:
"...الی ان بلغ قرب سر الحجاب اذا شهد قدام
رجله طفلاً رضیعا انقطع عن ثدی امه اخذ ذیل الله
بانامل الرجا ودعاً بدأً ضعیف ... الخ"
پسر خواجه کمال (حاجی کمال) در سن قریب
شصت سالگی در سینقان کاشان در سال ۱۳۳۷ ه .
ق به شهادت رسید و در بین مردم به معاون التّجار
معروف بود.
آثار و الواح نازله در سلیمانیه
یکی از آسار مهمه نازله در سلیمانیه قصیده معروف
به عزّ ورقائیه است.
قصیده عزّ ورقائیه

این قصیده در سلیمانیه از لسان مبارک نازل شده.
حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای در فصل وقایع

سلیمانیه بیانی به این مضمون در باره این قصیده فرموده‌اند
(ص ۱۲۳ انگلیسی)
"چون علمای کردستان بعظمت مقام علمی و احاطه
معنویه جمال قدم پی بردند در صدد برآمدند که از آن
منبع فیوضات الهیه استفاده کنند وبه حضور مبارک عرض
کردند که تا کنون هیچ کس نتوانسته بر منوال قصیده
تائیه کبری ابن فارض منظومه‌ای انشأ نماید از محضر
مبارک رجا داریم که همان وزن و قافیه تائیه کبری قصیده‌ای
در حقایق روحانیه انشأ فرمایند جمالقدم قبول فرمودند

و منظومه‌ای بالغ بر دو هزار بیت انشأ نمودند و از آن میان یک صد و بیست و هفت بیت را انتخاب نمودند و بعلاً عنایت فرمودند و بقیه ابیات را که مفادش از - استعداد و حیطة فهم و ادراک آنان بیرون بود بآنان مرحمت نکردند و همین ۱۲۷ بیت است که قصیده عزّ ورقائیه را تشکیل میدهد و در بین احباً معروفست علمای کردستان پس از تلاوت آن قصیده معروف ابن فارض ترجیح و تفضیل دارد و معانی آن در قلوب و ارواح اثری شدید ایجاد میکند...

نزول قصیده عز ورقائیه در جریان دو سال هجرت مبارک

ص ۱۲

از بغداد به سلیمانیه (۱۲۷۱ - ۱۲۷۰ ه . ق مطابق ۱۸۵۳ میلادی) بوده است. و از جمله آثار نازله در سلیمانیه قصیده معروفه‌ای است که مطلعش اینست: ساقی از غیب بقا برقع برافکن از عذار تا بنوشم نمر باقی از جمال ذوالجلال آنچه در خم خانه داری نشکند صفرای عشق زان شراب معنوی ساقی همی بحری بیار الی قوله تعالی: گر خیال جان همی هستت بدل اینجا میا و نثار جان و سر داری بیاو هم بیار رسم ره اینست گر وصل بهأ داری طلب و نباشی مرد این ره دور شو زحمت میار نزول این اثر مبارک بسال ۱۲۷۱ - ۱۲۷۰ ه . ق بوده است. آثار صادره در سایمانیه از قبیل اوراد و اذکار و ادعیه بسیار بوده و متأسفانه از بین رفته است. حضرت ولی امرالله در ص ۱۲۱ گاد پاسز بای بیانی باین

مضمون فرموده‌اند مه آثار مبارکه و اوراد و اذکار که
مع الاسف بر اثر حوادث و وقایع بیشتر آنها از دست رفته
در ایام هجرت و عزلت جمالقدم صادر شده بضمیمه لوح

ص ۱۳

کل الطعام و قصیده رشح عمأ که در طهران نازل شده
از نخستین آثار باهره صادره از لسان اطهر است..."
الواح نازله در بغداد
بعد از مراجعت از سلیمانیه
حضرت ولی امرالله در ص ۱۴۱ - ۱۳۸ گاد پاسز بای
انگلیسی اسامی الواح مهمه جمالقدم را که در بغداد بعد
از مراجعت از سلیمانیه نازل شده ذکر فرموده‌اند و اینک
به ترتیب یکایک آن الواح مبارکه را ذکر میکنیم:
۱- کتاب ایقان

حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بای ص ۱۳۸ انگلیسی
در باره نزول کتاب ایقان بیانی مفصل فرموده‌اند که
خلاصه و مجمل مضمون آن بفارسی چنین است.
"از جمله آثار مهمه حضرت به‌الله کتاب ایقان
است که در بغداد بسال ۱۲۷۸ هجری قمری برابر با
۱۸۶۲ میلادی در جواب سوالات میرسید محمد خال

نازل شده و وعده‌ای را که حضرت اعلی در باره تکمیل

ص ۱۴

بیان در ظهور موعود فرموده بودند با نزول ایقان محقق
یافت و در طی دو شبانه روز از قلم مبارک صادر گردید
میرسید محمد خال در آن وقت هنوز به امر مبارک مؤمن
نبود و با برادر خود میرزا حسنعلی و فرزندان برای
زیارت عتبات وارد بغداد شد کتاب ایقان از حیث حسن

انشأ و روش بدیع و قدرت استدلال بی نظیر است و در امر بهائی بعد از کتاب اقدس از بزرگترین آثار صادره قلم اعلی است اسرار و رموز نگهبای آسمانی قبل در ایقان مکشوف و تشریح سده با نزول ایقان که بفاصله قلیلی از اظهار امر مبارک در باغ رضوان صادر شده بشارت دانیال در باره برداشته شدن ختم از کتاب آشکار گردید. در کتاب ایقان در ضمن دوپست صفحه وحدانیت الهیه و وحدت مظاهر مقدسه و شرایع الهیه و عدم انقطاع فیض الهی و حقانیت کتب آسمانی را تشریح و تبیین فرموده‌اند و نیز درباره علمای ادیان که سبب گمراهی مردم در هر زمان بوده‌اند شرحی مفصل بیان کرده‌اند اثرار و معانی خفیه بیانات وارده در انجیل و قرآن مجید و علامات ظهور و قیامت و حقایق احادیث اسلامی را مشروحاً بیان فرموده‌اند شرایط سلوک و حقانیت امر حضرت اعلی و انقطاع و جانفشانی پیروان امرالله

ص ۱۵

و غلبه و نصرت کلمه الله را از قلم مبارک تشریح نموده‌اند در باره مقام حضرت مریم و بزرگواری ائمه اطهار و عظمت مقام حضرت سیدالشهدا و شهادت آن حضرت شرحی مفصل ذکر کرده‌اند مسائل مهمه رجعت و قیامت و خاتمیت و روز جزا و دینونت را بیان فرموده‌اند و خلاصه مطلب آنکه باید گفت کتاب ایقان از حیث حل مشکلات و کشف رموز و اسرار کتب آسمانی و تشریح حقایق عالیه مستوره از افهام عموم و سایر جهات در بین سایر آثار مبارکه مقامی بسیار شاخ و عظیم را داراست..."

کتاب ایقان در آغاز برساله خال معروف بود بعداً هیکل مبارک در آثار مبارکه آنرا به کتاب ایقان تسمیه فرمودند سئوالات خال از محضر مبارک عبارت بود از علائم

ظهور و خاتمیت حضرت رسول و قیامت و مسئله سلطنت موعوده در باره حضرت موعود و احیاً اموات در یوم ظهور موعود و بعث و حشر در قیامت و رجعت ائمه اطهار در یوم ظهور قائم و ابدیت شریعت اسلام و اعراض علماء و پیشوایان دین و بالاخره دلائل و براهینی که مثبت حقیقت ظهور جدید است و در کتاب ایقان همه این مسائل و مطالب مهمه دیگر نیز تشریح و تبیین شده است کتاب ایقان را هیکل مبارک حضرت ولی امرالله به

ص ۱۶

| | | |
|---------|----------------|-------------|
| انگلیسی | ترجمه | فرموده‌اند. |
| کلمات | (فارسی و عربی) | مکنونه |
| ۲- | | |

حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بای ص ۱۴۰ انگلیسی ذر باره کلمات مکنونه بیانی باین مضمون میفرمایند: "۰۰۰پس از کتاب ایقان که گنجینه حقایق و اسرار است کلمات مبارکه مکنونه مانند جواهر تابناک را باید اسم برد این گوهرهای شاداب که در علم الهی مخزون بود در سال ۱۲۷۴ ه . ق در بغداد از لسان اطهر نازل شد حضرت به‌الله در کنار دجله مشی میفرمودند و جواهر زواهر از لسان مبارک به فارسی و عربی نازل میشد این رساله مقدسه در ابتدا به صحیفه فاطمیه معروف بود صحیفه فاطمیه را بر حسب احادیث اسلامی جبرئیل از طرف خدا برای فاطمه زهرا آورد و حضرت علی ع آنرا نوشتند فاطمه زهرا پس از رحلت پدر بزرگوارش برای رفع غم و اندوه آن صحیفه مبارکه را تلاوت میفرمودند. مقام عظیم کلمات مبارکه مکنونه که از قلم حضرت به‌الله جاری شده از نخستین آیه نازله آن رساله

مقدسه بخوبی آشکار میشود که فرموده:
"هذا منزل من جبروتالعزة بلسان القدرة و القوة على"

ص ۱۷

التبيين من قبيل وأنا اخذنا جواهره و اقصناه قيص
الاختصار فضلا على الاحبار ليوفوا بعهدالله ويؤدوااماناته
في انفسهم و ليكونن بجوهر التقى في ارض الروح من
الفائزين."

این دو مجموعه گرانها مه ناسخ آثار گذشتگان
است و در بین آثار متعالیه شارع مقدس این دور عظیم
مجموعه نخستین از نظر بیان حقایق الهیه و مجموعه ثانی
از نظر دستورات اخلاقی دارای مقامی عظیم و بلند است.

۳- هفت وادی

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای بیانی باین مضمون
میفرمایند (ص ۱۴۰):

"رساله هفت وادی که شارع مراتب سلوک سالکین و از آثار
مهمه حاوی اسرار الهیه است در همان اوقات (اوقات
توقف مبارک در بغداد) در جواب سؤال شیخ محی
الدین قاضی خانقین از قلم جمال قدم نازل گردید در این
رساله مراتب هفتگانه‌ای را که باید سالک سبیل عرفان
طی نماید تا بسر منزل مقصود برسد تشریح و بیان شده
است."

اسامی هفت وادی یا مراتب سبعة سلوک که در رساله

ص ۱۸

مبارکه ذکر شده بقرار ذیل است:
اول - وادی طلب دوم - وادی عشق سوم - وادی
معرفت چهارم - وادی توحید پنجم - وادی استغنا

ششم - وادی حیرت هفتم - وادی فقر و فنا.
در این لوح مبارک شرح این مراتب سبعه را به تفصیل
بیان فرموده‌اند.

۴- چهار وادی

حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای فرموده‌اند بیانی باین
مضمون (ص ۱۴۰):

"مجموعه دیگر رساله چهار وادی است که به اعزاز دانشمند
و عالم معروف شیخ عبدالرحمن کرکوکی نازل شده است."
نزول این لوح مبارک در بغداد بوده است و اسامی چهار
وادی یا مراتب اربعه مندرجه در این رساله بقرار ذیل
است:

اول - مقام نفس، دوم - مقام عقل، سوم - مقام عشق،
چهارم - عرش فوآد، و شرح هر مقام به تفصیل در نفس
لوح مذکور است.

ص ۱۹

۵- ملاح لوح القدس

این لوح که از اهم آثار مبارکه است و شامل اندازات شدید
و اخبار از وقوعات عظیمه میباشد در روز پنجم نوروز سال
۱۸۶۳ م برابر ۱۲۷۹ ه . ق در مزرعه وشاش نازل
شده حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریک به
تفصیل آن واقعه را ذکر فرموده‌اند و خلاصه مضمون بیان
مبارک بفارسی اینست:

"...ازح ملاح القدس در روز پنجم عید نوروز سال
۱۸۶۳ م - ۱۲۷۹ ه . ق در مزرعه وشاش از قلم
مبارک نازل شده و امر فرمودند برای اصحاب تلاوت شود
احباب از استماع مندرجات آن لوح که اخبار از مصائب

و بلیات جدیده بود بسیار مضطرب شدند و در وشاش
 نماینده نامق پاشا حکم بغداد بحضور مبارک رسید و نامه
 حاکم را تقدیم کرد مضمون نامه درخواست ملاقات جمالقدم
 با حاکم بغداد بود... نبیل میگوید چون لوح ملاح
 القدس برای احباب بصدای بلند تلاوت شد همه در
 دریای غم و اندوه غرق شدند و دانستند که عنقریب بلایای
 تازه ظاهر خواهد شد... انتهی

نبیل زرنندی در ضمن وقایع سفر هیکل مبارک به

ص ۲۰

اسلامبول به فرمان عبدالعزیز شرحی درباره این لوح
 نوشته و این جمله عین عبارت اوست قوله:
 "... در یوم پنجم فروردین که مطابق پنجم شوال بود
 (نامق پاشا والی بغداد) مأموری فرستاده حضورشان
 (جمالبارک) را در سرایه حکومتی طلبید و در آنروز
 هنوز جمال ابهی در مزرعه وشاش خیمه نروزی افراشته
 داشته با منتسبین و مقربین ایام بسر میبردند و لوح
 ملاح القدس با اشارات لطیفه به قرب زمان انطوای
 بساط بغداد و هجرت عراق صدور یافته و موجب تأثر
 شدید سامعین گردید و امر به جمع خیام عز و عوات به
 شهر گردید و سوار مأمور در آن حین به محضر ابهی
 رسید ابلاغ پیام والی کرد... انتهی
 حوریه -۶- لوح

در صفحه ۱۴۰ گادپاسزبای حضرت ولی امرالله نام این
 لوح را ذکر فرموده اند و میفرمایند که در این لوح بوقایع
 مهمه ای که در مستقبل ایام باید واقع شود اشاره فرموده اند
 آغاز این لوح مبارک اینست. قوله تعالی :

" بسم الله الاقدس الاعلی سبحانک اللهم یا الهی اذکرک

حینذ حین الذی استشرق شمس الوهیتک عن افق سمأ
 سینا لاهوت احدیتک... لوح بسیار مفصل است و اشاره
 به وقایع مهمه‌ای است که میبایست در امرالله تحقق یابد.
 ۷- تفسیر حروف مقطعه

حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای به این لوح
 اشاره فرموده‌اند که: (ص ۱۴۰)
 "تفسیر حروف مقطعه فرقان و تشریح حرف واو که شیخ
 احمد احسائی به آن اشاره کرده و تبیین برخی از آثار
 سید کاظم رشتی " اثر دیگری از آثار مبارکه جمالقدم است
 این اوح خیلی مفصل است و در جواب سؤالات میرزا آقای
 رکاب ساز شیرازی نازل شده و در همین لوح معانی مستوره
 الم قرآن و نیز تفسیر آیه نور نازل در قرآن مشروحاً نازل
 گردیده است و نیز در همین لوح اساره به اکسیر و حجر
 معروف فرموده‌اند و بسیاری از اسرار و رموز الهیه در این
 لوح مبارک مندرج است. میرزا آقا رکاب ساز شیرازی با
 چند نفر دیگر از احبای شیراز به فتوای علمای شیعه شیراز
 بشهادت رسیدند حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای
 در ضمن اشاره به شهادت امر نام میرزا آقا را هم ذکر

فرموده‌اند:
 "... در شیراز میرزا آقا رکاب ساز و میرزا رفیع و
 مشهدی نبی را شبانه به امر و فتوای مجتهد محل خفه
 کردند و عامه مردم بر قبر آنان هجوم کرده آنها را با زباله
 و کثافات آغشته ساختند." انتهی
 مجتهد شیراز که به فتوای او شهادت مزبور
 به قتل رسیدند موسوم به شیخ حسین ناظم بود که بعداً

معروف به شیخ حسین ظالم گردید و به همین نام در تاریخ ذکر شده است. ۸ - لوح مدینة التوحید

قوله تعالى: "هذه مدينة التوحید فادخلوا فيها يا مملأ الموحدين اتكونوا بیدارات الله لمن المستبشرين هو العزيز الوحید العالی العلی الفرید تلك آیات الكتاب فصلت آیاته بدعیا غیر ذی عوج..." این لوح مبارک خطاب به شیخ سلمان هندیجانی حامل الواح مبارکه و مدفون در شیراز نازل شده و شرح حالش در کتاب محاضرات به تفصیل با الواحش نوشته شده

ص ۲۳

است. در این اوح معنی حقیقی توحید و عرفان را که جز بوسیله عرفان مظاهر الهیه ممکن نشود به تفصیل ذکر فرموده اند و میفرمایند: "... وانک انت یا سلمان فاشهد فی نفسک و روحک و لسانک..." این چون سلمان از توحید سؤال کرده بود این لوح مبارک نازل شده و میفرمایند: "و اما ما سئلت فی آیه التوحید و کلمة التجرید فاعلم .." و شرحی مفصل در باره توحید ذات و صفات و افعال میفرمایند. این لوح در بغداد نازل شده زیرا بعد از ذکر سنه ستین و ظهور حضرت اعلی جل ذکره میفرمایند: "فاستمع یوم ینادی المتاد فی قطب البقاء و تغن حمامة الحجاز فی شطرا العراق و یدعوا الکل الی الوثاق و فیه یفتح ابواب الفردوس علی وجه الخلاق اجمعین و هذا

يوم لن يعقبه ظلمة الليل و كانت الشمس يستضي منه
 لانه استنار من انوار وجه منير فوالله حينئذ نبسط بساط
 قدس بديع من لدى الله المقتدر العزيز المنيع "...
 و بر همین قیاس تا آخر لوح مبارک در وصف ظهور مبارک
 است و این لوح را در مائده آسمانی نگاشته و نقل

ص ۲۴

فرمایند. مراجعه کرده ام
 شطیه صحیفه - ۹

حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای در ضمن شرح
 الواح نازله در بغداد فقط اسم صحیفه شطیه را ذکر
 فرموده اند و شرحی در باره آن فرموده اند (ص ۱۴۱ انگلیسی)
 این صحیفه بسیار مفصل است و در آن عظمت امرالله و
 جریان سریع شریعت الله و رفع هر گونه مانع و رادعی که
 مانع پیشرفت امر بخواد بشود به شط جاری در بغداد
 تشبیه شده. میفرمایند همانطور که هیچ مانعی هر چه
 بزرگ هم باشد نمیتواند سرعت جریان شط را مانع شود
 امر الهی هم همین طور است که بر هر مانعی غالب خواهد
 شد و...

از جمله بیان مبارک در این لوح اینست قوله تعالی :
 "...نظر نما به جریان این شط که مشهود است در حین
 طغیان و ازدیاد حرکت میکند و جاری است آنچه میکند
 در اقتدار خود ثابت است آنچه از اطراف از نفوس
 ضعیفه فریاد کنند کد سد معظم خرق شد و یا سد فلان
 محل باطل گشت یا فلان بیت خراب شد و فلان قصر

ص ۲۵

منهدم گشت هیچ اعتنا ندارد و در کمال قهر و غلبه و

قدرت و سلطنت سایر وساری است... الخ
 ۱۰ مصیبت حروفات عالین

حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریکا نام
 این لوح را ذکر فرموده‌اند. این لوح در بغداد نازل
 شده در آغاز این لوح میفرمایند قوله تعالی:
 " این جزوه در مصیبت حروفات عالین نوشیه شده ولکن
 این ایام به نفسی تخصیص یافت بعد جمعی طالب
 شرح و تفسیر شدند که به لسان فارسی نوشته شود لهذا
 مرقوم گشت و از جواهر کلمات ظاهر و هویدا گشت ولکن
 چون ترجمه کلمه بکلمه مطابق فطرت اصلیه ملاحظتی
 نداشت آنچه به قلم جاری شد مسطور آمد... " انتهی
 این لوح بسیار مفصل است و حاوی نکات دقیقه
 لطیفه است و اینکه فرموده‌اند " ... این ایام بنفس
 تخصیص یافت. " مقصود میرزا محمد وزیر پسر عمه
 جمالقدم است که در مازندران صعود کرد و جمالقدم
 این لوح را به عنوان تسلیت برای همشیره و زوجه میرزا
 محمد وزیر ارسال فرمودند و در نفس لوح هم تصریح

ص ۲۶

فرموده‌اند بقوله تعالی :
 " ولکن اختصاصها فی هذه الازمان للطلعتین و سمیت
 اولاً هما باسم التی اختصاصها وجعلتها ام الخلائق
 اجمعین (حوأ) والآخری باسم التی اصطفیتها علی
 انتهی نسأ العالمین (مریم)... "
 این لوح چنانچه ذکر شد پس از صعود میرزا محمد
 وزیر برای تسلیت مریم و حوا به طهران ارسال گردید
 و در نفس لوح نیز تصریح فرموده‌اند میرزا محمد وزیر
 پدرش میرزا کریم نمند ساب و مادرش ملک نساء خانم

نام داشت میرزا محمد وزیر پسر عمه جمالقدم است و با حرم ثانی جمالقدم فاطمه خانم (مهد علیا) که دختر عمه جمالقدم بوده است برادر است قبر میرزا محمد وزیر در قریه فیول در ایوان امامزاده آنجاست اما مریم که در لوح مبارک اسمش را ذکر فرموده‌اند خواهر میرزا محمد وزیر و دختر عمه جمالقدم و همشیره حرم ثانی جمالقدم فاطمه خانم است. مشارالیه بسیار مؤمن و مورد عنایت بوده و الواح بسیار از جمله لوح معروف به لوح مریم که حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای از آن نقل فرموده‌اند به اعزاز مشارالیهست جمالقدم به او لقب ورقةالحمراء داده‌اند و پیش از صعودش

ص ۲۷

زیارتنامه مفصلی در باره‌اش نازل شد مریم زوجه برادر جمالقدم حاجی میرزا رضا قلی حکیم بود و مقامات معنویه او بسیار است زهرا ملقبه به ثمره دختر همین مرم است قبر مریم در حضرت عبدالعظیم در مقبره ناصرالدین شاه است اشعاری نیز از او در دست است که در فراق جمال مبارک سروده است اما حوا که در لوح حروفات عالین مذکور شده بنت اخت جمالبارک است پدر حوا میرزا محمد و مادرش طلان خانم همشیره امی جمالقدم است حوا زوجه میرزا محمد وزیر بوده نام شوهرش میرزا محمد و نام پدرش هم میرزا محمد بوده جمالبارک به حوا خانم عنایت بسیار داشتند و او را شاه باجی خطاب میفرمودند قبر حوا در جوار مرقد پدر و مادرش در تکیه تاکر نور واقع است. (آنچه در قسمت میرزا محمد و مریم و حوا ذکر شد از کتاب اقلیم نور تألیف جناب ملک خسروس استفاده است.)
گردیده

حضرت ولی امرالله در گادپاسزیبای صفحه ۱۴۱

ص ۲۸

فقط نام این لوح را ذکر فرموده‌اند این لوح مبارک در بغداد قبل از اظهار امر در باغ رضوان و بعد از مراجعت از سلیمانیه کردستان در جواب سئوالات حاجی سید محمد مجتهد اصفهانی ساکن نجف از قلم جمالقدم نازل شده است نزول این لوح مبارک قبل از نزول کتاب مبارک ایقان بوده است در ایقان شریف میفرمایند قوله تعالی :

"... در اسفار ثلاثه دیگر که منسوب بلوقا و مرقس و یوحنا است همین عبارات مذکور است و چون در الواح عربیه به تفصیل مذکور شد دیگر در این اوراق متعرض ذکر آنها نشدیم..." انتهى مقصود از الواح عربیه که فرموده‌اند همین لوح مبارک جواهر الاسرار است که عبارات اناجیل اربعه را در آن ذکر فرموده‌اند و چون نزول ایقان مبارک در سال ۱۲۷۸ ه . ق بوده جواهرالاسرار قبل از آن سال نازل شده است.

حاجی سید محمد اصفهانی از شاگردان طراز اول مرحوم شیخ مرتضی انصاری مجتهد وحید عالم تشیع بود که در سامرا سکونت داشت و در محضر درس او هزاران طلاب علوم دینی حاضر میشدند و جمالقدم نام او را

ص ۲۹

در لوح سلطان ایران ناصرالدین شاه قاجار ذکر فرموده‌اند حاجی سید محمد پس از اخذ اجازه اجتهاد

از استاد از سامرا به بغداد آمد و در منزل دو برادر تاجر اصفهانی بنام حاجی جعفر و حاجی خلیل منزل نمود و مردم ددسته دسته به دیدن او میرفتند مشارالیا قصد آن داشت که به ایران و اصفهان برود و بساط ریاست شرعیه بگستراند در بغداد شنید که بانی ها عده زیادی هستند برای کسب شهرت بیشتر خواست با آنان مذاکره کند و بر آنان غالب گردد شبی را به محض جمال قدم در بیت مبارک مشرف شد و پس از مذاکرات لازمه امرالله را تصدیق نمود و شب از نیمه گذشته بود که به منزل دو برادر تاجر برگشت آنان علت تأخیر را جویا شدند سید محمد با کمال شجاعت حقیقت مطلب را با آنان در میان نهاد آن دو برادر متعصب خشمناک شدند و سید مجتهد را شبانه از منزل خود گرسنه بیرون کردند سید محمد پیاده به سامرا مراجعت کرد و امر مبارک را در محضر عموم طلاب به استاد خود شیخ مرتضی انصاری ابلاغ نمود و اتمام حجت کرد طلاب قصد آزارش کردند شیخ انصاری مانع شد و به او وعده داد که قریبا در باره این موضوع تحقیق خواهد کرد

ص ۳۰

سخنان تبایعی سید محمد در آن مجمع عظیم فقط بیک نفر از شاگردان شیخ اثر کرد و او ملا علی نقی سمنانی بود که به بغداد رفت و حضور جمالقدم رسید و مؤمن شد و به سامرا برگشت و حقیقت حال را به استاد خود گفت و سپس راه عتبات در پیش گرفت و عاقبش مجهول است سید محمد هم ترک ریاست و مسند اجتهاد کرد و به نجف رفت و به تبلیغ مشغول شد و وسیاه قاصدی امین سوالات خود را از محضر جمالقدم پرسید و لوح مبارک جواهر الاسرار در جواب او نازل شد مطالب

مهمه مندرجه در این لوح شریف به نحو اختصار بقرار
ذیل است:

شرح بلایا و مصائب مبارک تفکر در احتجاب امم قبل
علامات ظهور وارده در اناجیل و معانی آن مقصود از
ابدیت شرایع و معنی آسمان و زمین ممکن است زائل
شود ولی کلام پسر انسان زائل نخواهد شد قیامت و
علاماتش مقصود از صراط و میزان و شرایط سلوک
سالکین امتحانات الهیه وحدت حقیقه مظاهر مقدسه
جابلقا و جابلسا و محمدبن الحسن العسکری علت
اعراض نفوس لقاءالله قیام اموات معنی موت و حیات
اسرار بیان انبیاء علامات اهل حق وادی حیرت مقام

ص ۳۱

فناً علامت واصلین آخرین مقام سالک که به وصف
نیاید و خاتمه لوح مبارک.
۱۲ - لوح شکرشکن

این لوح در بغداد نازل شده و مخاطب آن میرزا سعید
خان گرمردی وزیر امور خارجه ایران در آن ایام بوده
است که نامه‌ای به ظاهر دوستانه به حضور جمالقدم
تقدیم میکند و هیکل مبارک را به خیال خود از عناد
معاندین مطلع میسازد و بر حذر میدارد و تقاضا میکند
که برای حفظ خود و اصحاب از بغداد به نقطه دیگر
تشریف برند و منظورش این بود که باین وسیله هیکل
مبارک را از بغداد که همسایه ایران بود دور نماید و در
عین حال از راههای دیگر هم برای انتقال هیکل مبارک
اقدام میکرده که شرح اقدامات او را در گادپاسزبای
حضرت ولی امرالله در فصل وقایع بغداد بیان فرموده‌اند
در جواب نامه او لوح مبارک که به شکرشکن معروف است

نازل و برای او ارسال فرمودند از جمله بیانات مبارکه
در آن لوح اینست قوله تعالی :
"دست قاتل را باید بوسید و رقص کنان آهنگ کوی"

ص ۳۲

دوست نمود... گردن بر افراختیم و تیغ بی دریغ
یار را به تمام اشتیاق مشتاقیم سینه را سپر نمودیم و تیر
قضا را به جان محتاجیم از نام بیزاریم و از هر چه غیر
اوست بر کنار فرار اختیار نکنیم و بدفع اغیار نپردازیم
بدعا بلا را طالبیم تا در هوای قدس روح پرواز کنیم
و در سایه‌های شجر انس آشیان گیریم و به منتهی
مقامات حب منتهی گردیم این اصحاب را بلا فنا کند
و این سفر را قدم طی ننماید و این وجه را پرده حجاب
نشود... بر مسند سکون ساکنیم و بر بساط صبر جالس
ماهی معنوی از خرابی کشتی چه پروا دارد؟ و روح قدسی
از تباهی تن ظاهری چه اندیشه نماید؟... الخ
نزول این لوح مبارک در اواخر ایام بغداد بوده
است.

غلام الخلد

لوح

-

۱۳

از الواح مبارکه نازله در بغداد ایت که در ایام رضوان
از فم مشیت حضرت رحمن نازل شده است و در این لوح
در باره ظهور مبارک حضرت نقطه اولی آیات بدیعه
از فم اطهر صادر و عنوانش اینست: " هذا ذکر ما

ص ۳۳

ظهر فی سنة الستین... و در قسمت فارسی آن ذکر
ظهور موعود و بیان و تجلی حضرت رحمن نازل گردیده
است و در ایام تسعه آنرا نقل کرده‌ام.

هوالمحبوب

حور بقا از فردوس علا آمد
 هله هله هله هله هله هله
 با چنگ و نوا هم با کاسه حمرا آمد
 هله هله هله هله هله هله
 با غمزه جانی با مزه فانی با رقص و نوا آمد
 هله هله هله هله هله هله
 با گیسوی مشکین با لعل نمکین از نزد خدا آمد
 هله هله هله هله هله هله
 دو طیف ز ابرویش صد تیر ز مرگانش بهر دل ما آمد
 هله هله هله هله هله هله
 جانها برهش دلها بیرش جمله فنا آمد
 هله هله هله هله هله هله
 با کفه بیضاً با گیسوی سودا چون ازدر موسی آمد
 هله هله هله یا بشارت

ص ۳۴

این نغمه داودی از سدره لاهوتی باروح مسیحا آمد
 هله هله هله هله هله هله
 با جذب وفا با صون بهأ از مشرق ها آمد
 هله هله هله هله هله هله
 با نور هدائی از صبح لقا با طور سنا آمد
 هله هله هله هله هله هله
 این نغمه جان در نزد جانان از بلبل لا آمد
 هله هله هله هله هله هله
 با مرده وصلی این حور الهی از شاخه طوبی آمد
 هله هله هله هله هله هله

این عاشق فانی این طیر ترابی در ره معشوق فدا آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 بر گردن عاشق سیف جفا از عرش وفا آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 این نامه قدسی با هد هد تازی از شهر سبا آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 این وجهه باقی از امر الهی باید بیضاً آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 این باز حجازی با لحن عراقی از ساعد شاه آمد
 هله هله هله یا بشارت

ص ۳۵

این طلعت غفاری با جذبه بهاجی از ساحت ادنا آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 این بلبل مغنی از گلبن قدسی با کف وصل آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 این ورقه نوراً از مدین روحا با نور و ضیاً آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 این شاهد یزدان این مست می جانان با جام تولا آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 آن صرف جمال حق آن جوهر اجلال حق باآیت کبری آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 آن طلعت مقصود آن وجهه معبود با رحمت عظمی آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 جانها به وصالش دلها به نثارش کان ربّ علا آمد
 هله هله هله هله هله هله هله هله
 ابن ذکر بدیع از گلشن باقی آمد تا عاشقان جمال جانان
 آتش حب از دل و جان در کمال اطمینان به بدایع لحنهای
 خوش به آن مشغول شوند که شاید از جذبه آن عاکفان

کعبه عرفان بشور آید و وطن قدس الهی را فراموش نفرماید.

ص ۳۶

مدینه‌الرضاء

۱۵

این لوح نیز در بغداد نازل شده و ذکر معنی رضا و مراتب آن را کشورحاً بیان فرموده‌اند. مخاطب این لوح دقیقاً معلوم نیست و باز میفرماید که به احباب ارض خود تکبیر برساند و اسامی آنان را رمز ذکر فرموده‌اند از قبیل حرف الکاف و حرف القاف الذی هاجر الی الله فی ایامه و کان المتقین و حرف‌ها الذی هاجر ثم رجع باذن من لدنا و حرف‌الرأ الذی سمع نعلمات‌الورقأ و غیره را ذکر فرموده‌اند و دلیل اینکه از الواح بغداد است این بیان مبارک در این لوح مبارک است. قوله تعالی :

" فارتقب یوم ینفخ فی الصور و تغن فیہ الورقأ و یفتح ابواب الرضوان و یأتی الله بامر بدیع اذن فاسرعوا الیه یا ملأالبیان ولا توقفوا اقل من آن و هذا من اصل الرضأ لا تختلفوا فیہ یا ملأالمقرین." فتنه لوح

۱۶

از الواح نازله در بغداد است به اعزاز شمس جهان مشهور

ص ۳۷

به فتنه که در ان الواح درباره امتحانات الهیه بیانات مفصله فرموده‌اند و صورت آن در مائده آسمانی مندرج است.

حق

لوح

۱۷

از الواح بغداد است. قوله تعالى :

الهي الابهي

هذا لوح الحق قد نزل من جبروت الامر و من يقرئه و
يتفكر فيه يبعثه الله في قطب الرضوان بطراز الذي يستشرق
منه انوار الرحمن و يستضيئ منها اهل ملاء العالين هو
الحق قد كان عن افق الحق على الحق بالحق مشهودا
ان يا ملاء الحق قد ظهر الحق عن افق الحق في هذا
الحق الذي طلع عن مطلع الحق و ينطق بالحق و يذكر كم
على الحق اياكم ان لا تنسوا الحق حين الذي اخذ عنكم
عهد نفسه الحق و لا تكون من الذينهم اعرضوا عن الحق
و كانوا من المعرضين قل تالله ان الحق حينئذ ينادى
في امامه و يجزموجودات بان هذا هو الحق قد ظهر
على الحق و انه هو الحق الذي به حقق الحق من قبل
و يحقق الحق من بعد و اتم يا ملاء الحق فانظروا الحق

ص ٣٨

بما اشرفت من شمس جماله ثم اسمعوا نغمات الحق عما
يخرج عن شفتائه ثم استشربوا من تسنيم الحق عما
يعطيكم من كأس عنايته و كلوا من نعمه الحق عما نزلت
من سماء عرّ سلطانه و غمام قدس افضاله ثم استظلوا
في ظل شجرة الحق هذا العاتم الذي لو يحرک في
نفسه ليتحرک به ظهورات الحقية و شموسات الا حديه
و اذا يسكن في نفسه ليستقر جمال الحق ثم هيكله
على عرش قدس منيع و اتم يا ملاء الحق لو تصفون
ابصاركم عن غبار الممكات و ما يحدث منها مما لا يليق
بسultan الاسماء و الصفات لتشهدوا بان مظاهر الحق
و مطالعه و مشارفه و مكانه ليطوفن فيحول هذا الحق
الذي ظهر بالحق ثم استوى بالحق على العرش الذي

يسجد عند طله كل من عى السموات و من عى الارض
و لو انهم لن يعرفون ذلك ولا يستشعرون عى انفسهم
و يكون من الغافلين عن هذا الحق الذى لويشق
برقع الجلال عن وجه الجمال لينطقن كل الاشياء ويؤيدهم
روح القدس بما ايده نفس البهأ عى عالم البقأ بانى
انا الحق لا اله الا هو و انا كل عند ظهور هذا الحق
لتكون من الساجدين و ان هذا هو الذى يمشى عن
امامه مظاهر الحق و عن ورائه مطالع الارياب و عن يمينه
جواهر السبحان و عن يساره هياكل الرحمن و كلهم
ينطقن و يصيحن و ينادين ان يا ملاء البيان تالله قد
كذبكم السن الرحمن بما تدعون فى انفسكم الايمان بالله
المهيمن العزيز القدير لانكم اتم ادعيتم فى انفسكم بانكم
آمنتم بالله و مظهر نفسه الذى سمى بعلى قبل نبيل فلما
جأ مرسله بسطان من الامر على غمام القدس فى فردوس
الاعلى اذا انكرتموه و كذبتوه الى ان افيتم على قتله
كما افتوا علماء الفرقان على على من قبل مظهر نفسه
العلى المتعالى المقتدر المهيمن القدير اذا ما تمرون
على شئى الا و قد يكذبكم ويبرء منكم و يستعيد بالله
من لقاءكم فوالله لو تصصفون فى انفسكم تشهدون بان
نفس الذى يخرج منكم ليكذبكم و سمأالتى رفعت فوق
رؤسكم ليبرء منكم و كلما يطر من السحاب ينكر ما يخرج
من السنكم لو اتم السامعين و بكم منعت غمام الرحمة
و الفضل و بدلت عيش اهل ملاء الاعلى ثم اصفر وجه
الكبريا لانكم فعلتم مالا فعل احد من قبل و انا سترناه
بفضل من لدنا و انا الفضال المقتدر الحكيم و ما اظهرنا
بين العباد هذا رشح من ترشحات بحور اعمالكم و الا لو
انطق على الحق فيما فعلتم ليرجع امر ما يكون الى ما كان

ويرجع الوجود الى عدم البحث البات و يبدل كما يشهد

فی الملک الی التراب و كذلك نزل الامر من لدن عزیز
 وهاب ان اتم تکون من المتنبهین.
 ۱۸ - لوح البهأ

در بغداد در حین طغیان پیروان یحیی و فساد و فتنه
 و اذست و آزار آنان نسبت به جمال رحمن خطاب به اما
 الرحمن و احبای الهی از فم اقدس نازل شده در قسمت
 اول به لحن حجازی و در قسمت ثانی مفاد آن را به لحن
 عراقی بیان فرموده و نازل نموده اند این لوح مبارک
 بسیار مؤثر و حزن انگیز است و در ایام قریب به خروج
 جمال قدم از بغداد مخاطبالمؤمنین و المؤمنات
 نازل گردیده در آغاز آن میفرمایند قوله تعالی :
 "هذا لوح البهأ قد نزل من جبرزت البقاء ان
 اقرئوا یا ملاالعمأ لعل الی سماء الامر فی هدا الهوأ
 ترتقون و علی امر ربکم الرحمن تستقیمون. هوالباقی
 ان یا امةالله اتصبرین علی مقعدک بعد الذی کان
 قیص الغلام محمراً بدم البغضأ بین الارض والسمأ
 و ینادی فیکل حین بندأ حزن و کلها استغیث من
 احبائه یتقربون الیه بسیف الحسد و كذلك کان الامر

ان كنت من العارفين اذا وقع جمال البهأ فی غیابة
 الجب و انک ان وجدت سیاه العمأ فارسلیه لعل
 یدلی دلوالوفا فی هذا البئر الظلمأ ویرفع به الغلام
 و یتضئ بلحظه کل العالمین ان یا امتی اتصبرین
 علی محلك بعد الذی ابتلی الخلیل بید النمرود ولن
 یجد لنفسه ناصر الا الله العزیز الجمیل ... الی
 قوله تعالی اراد الغلام ان ینخرج من بین هولأ بما

ورد علیه مالا یحصیه احد من العالمین ..."
 و بعد از ذکر متمرّدین ظهورات قبل از قبیل
 بلعام دوره حضرت موسی و غیره میفرماید قوله تعالی :
 "و انتم یا اهل البأ ان وجدتم احد ان یحل
 الالماس و یجریه علی الالواح فاکتبوا به ما نزل فی
 هذا اللوح ثم انشروه فیکل البلاد لیظهر اثار الله بین
 عباده الموقنین و ان لن تجدوا فاکتبوه بالذهب الخالص
 ایاکم ان تجاوزا عما امرتم به و لا تكونوا من الصابین ..."
 و در قسمت لحن عراقی در همین موضوع
 میفرماید قوله تعالی :
 "ای بندگان من و مرایای جمال من اگر یافتید
 نفسی اینکه قادر باشد که الماس را حل نماید و جریان
 دهد پس بنویسید آنچه از سما عز تقدیس نازل شده

ص ۴۲

بمداد الماسیه و نشر دهید او را در هر بلاد تا آنکه
 آثار الهی در بین عباد او انتشار یابد و اگر نیافتید
 و قادر بر اونگشتید پس بنویسید این کلمات بدیع منبع
 را بمداد ذهب خالص و بفرستید بمدینه ها و دیارهای
 من که شاید اهل دیار بجمال مختار راه یابند و هدایت
 شوند... الخ

الفراق بلبل لوح - ۱۹

از الواح نازله در بغداد است و در آن ذکر احزان
 و مصائب جمال قدم و اسم اعظم نازل سده و میفرماید
 که عنقریب طیر الهی از عراق بآفاق دیگر پرواز خواهد
 نمود این لوح هم نسبة مفصل است و چون نسخه اش به
 ندرت به دست میآید لهذا قسمتی از آنرا در این مقام
 مینگارم. قوله تعالی :

بلبل الفراق علی غصن اللآفاق ینادی بهذا الفراق یا
 ملأ الاشتیاق و طیر الوفا یتغنی علی دوحه البقا بان
 هذا الفراق یا ملأ الاشتیاق و ورقاً المهجر یرن علی
 افنان سدره الفراق بان جا الفراق یا ملأ الاشتیاق

ص ۴۳

قل قد ثمّ زمان الوصل وجأ الفصل عن خلف الفضأ و هذا
 الفراق یا ملأ الاشتیاق قد جرت الدموع عن عیون اهل
 البقا فی المملأ الاعلی بهذا الفراق یا ملأ الاشتیاق
 و قد انقطعت نسائم السرور عن رضوان السنأ بهذا
 الفراق یا ملأ الاشتیاق تالله قد اصفرت وجوه اهل
 الغرفات بهذا الفراق یا ملأ الاشتیاق و تبدلت عیش کل
 شیئ بین الارض والسما بهذا الفراق یا ملأ الاشتیاق
 و یکحلن الحوریات من دم الحمرأ بما سمعن نداء الفراق
 یا ملأ الاشتیاق و لن یزینن هیا کلهن من حور البقا
 بما سمعن نداء الفراق یا ملأ الاشتیاق و هذا الحزن
 لن یقاس بحزن فی جبروت العمأ بما هبت نسیم الفراق
 یا الألاشتیاق در این وقت که طیر بقا از ارض عراق
 پرواز نمود و اهل شوق و اشتیاق بنار فراق در احتراق
 این نامه از این نمله فانیه بسوی احبای خدا ارسال میشود
 که ای دوستان تا چشم باقی بگریید و تا نفس موجود بنالید
 زیرا که بساط وصل و اتصال و قرب و لقا درهم پیچیده
 شد و انفصال و هجر و فراق گسترده و اریاح هجر و فراق
 چنان وزیده که جمیع شاخسار وجود از غیب و شهود همه
 قیص فنا پوشیده و بخزان بقا پیوستند پس ای چشم

گریه کن و ای گوش ناله بشنو و ای لسان ندبه ونوحه
کن و ای جسد در تراب وطن گیر و مع کل ذلک نحمدالله
علی ما اختصنا بهذه البلیا المتواتره و هذه الرزایا
المتوالیه و نشکره فی کل حین علی کل الا حوال و انه
کان بنفسه الحق علی ما نقول شهید در جمیع الواح
قبل ذکر یافت که وقتی آید و هنگامی شود که طیر عراقی
آهنگ حجاز نماید پس بشتاید بسوی او ای عاشقان
جمال سبحانی و ای والهان حرم ربانی حال آنوقت
رسید و آن نسیم وزید و این طیر پرید و شما ندیدید
وفائز نشدید و بمقصود نرسیدید باری آنچه مرقوم شد
وهرچه مذکور آمد اقبال نمودید و گوش ندادید حال
آنوقت گذشت و آن یوم از دست رفت دیگر آن نسیم
در این ارض نوزد و آن گل رخ نگشاید و آن باب مفتوح
نشود هرگز شنیدید که بلبل باغ الهی جز بگلزار روحانی
راحت جوید و یا مقرر گزیند و یا آنکه هد هد سبای عشق
جز در سینای روح وطن گیرد و یا قلوب عاشقان جز
جمال معشوق منظوری طلبد و شما ای عاشقان بخيال
خود مشغول شدید و هرگز عزم دیار معشوق نمودید
زهی غفلت که امکان را فرو گرفته واکوان را احاطه نموده
که شمس در وسط زوال منیر و دری و روشن و جمیع

بطیور لیل همراز و هم آواز گشتید و اختم القول بما
عند لیب الفراق فی ارض العراق و ینادی کل من سکن
فی شطر الآفاق بان طیر البقاء قد طارت الی مدینه
العطاء وحمامة الروح قد صعدت من غصن و ارادت غصناً
اخری اذا فایکون یا ملاً العاشقین و یا اهل ملاً
العالین و کذلک نقلی علیکم آیات الفراق لعل تقومون

عن مراقد الغفلة و تكونن من الذين هم كانوا من المتذكرين
 بگو ای اهل نفاق این ببل و ثاق از گل وصال پرید و عزم
 گلزار فراق نمود و عشاق آفاق را در شطر عراق بسوخت
 پس ای دوستان بهجران مبتلی وصل جانان را فراموش
 ننمائید از فراق ننالید و تخم صبر در ارض طیبه قلب
 بکارید و بآب چشم آبخ دهید تا ثمر شیرین دهد
 اینست وصیت ببل گلزار الهی پس بشنوید. " انتهی
 (تمام) لوح نقل (نشده)
 ۲۰ - لوح آیه نور

مخاطب این لوح مبارک جناب میرزا آقای رکاب ساز
 شیرازی است که از محضر مبارک جمالقدم جل جلاله
 از دو مطلب سؤال کرد یکی درباره حروف اقطعه قرآنی

ص ۴۶

و دیگری در تفسیر آیه نور قرآن مجید و لوح مزبور در جواب
 این دو سؤال او نازل شده است. حضرت ولی امرالله
 جل سلطانه در رساله آئین بهائی (که از طرف محفل
 مقدس ملی مکرر طبع و نشر شده) این لوح را در ذیل
 دو اسم ثبت فرموده‌اند یکی به اسم لوح تفسیر حروف مقطعه
 و دیگری در ذیل نام لوح آیه نور که عنوان این صفحه
 است. قسمتی از این لوح مبارک اینست قوله تعالی :
 "الحمد لله الذى خلق الحروفات فى عوالم
 العما خلف سراق القدس فى رفارف الاسنى ثم اقصهن قیص الودا
 من كاوس البقا فیما قدر فى مكن القدر على قباب الحمرا
 افتده المقربین فى جبروت الامضا ثم اقصهن قیص النورا
 لما قدر بتقدیره الازلیة فى مكن القدر على قباب الحمرا
 و فیما سبق العلم بان یستر ما الحیوان فى ظلمات عوالم
 الاسما عند سدره المنتهى ثم انزلهن الى ملكوت الانشا

في هو القضاء اذا طهرت الصوت من يمكن الاعلى
مخاطبا للقلم الاولى بان يا قلم فاكتب من اسرارالقدم
على اللوح المنير البيضا اذا صمق القلم شوقا لهذا
الندأ سبعين الف سنة عما تحصوه اولوالا حصاً فلها آفاق
فيما رجع عليه حكم القضاء مرة اخرى اذا بكى سبعين الف
سنة من مدامع الحمراً ثم وقف بين يدي الله في زمان

ص ٤٧

ما سبقه حكم الاوليه في الابتداء ولا يسبقه حكم الاخرية
في الانتها فلها احرق بنار الفراق لما انقطع عنه ندأ
الاحلى ظهر في دموعه لون السوادا في جبروت الوفاً
ورشح قطرة من هذا الدموع السوداء على اللوح اذاظهرت
النقطة في عالم البدأ و تجلت هذه النقطة بطرائز
الاوليه على مرأياالحروفات في كينونات الاسماً هذا
استقبلها الالف قبل كل الحروفات في ذرّالاشياء
و فصل هذه النقطةالاهيه في طراز هذه الالف الازلية
فيما هبت عليه نسمات الرحمانية عن مصدر الاحديه اذا
كشف وجه الواحد به عن خلف حجاب الخضرأ وظهرت
هيكل النقطيه على هيئةالالف و قام في اللوح لقيامه
على امرالله العلى الاعلى في عالم الصفات و الاسماً
و هذه مقام الذى تقمصت كينونةالمشية قيص الاسميه
وتخلعت بخلع الصفتيه في مدينةالكبريا فلها استقرت
هذاالالف القائمه على اللوح النورأ تجلى بتجلى بدع
اخرى اذا لاحت حروفات المقطعات في اول الظهورات
ليستدلن على عوالم التفريد والامر في قصبات الانشأ ثم
ظهرت من هذه الحروفات الى لاحت و اشرفت من الف
الاوليه في اول الظهورات عوالم التحديد و الكثرات
فلها فصلت و تفرقت و تقطعت ثم اجتمعت و ائتلفت و

تمزجت و تزوجت اذا ظهرت كلمات الجامعات والحروفات
 المركبات في عوالم الخلق في هياكل الاسماء و الصفات
 اذا تم خلق عوالم الملكيه و طراز القدره في مظاهر
 الموجودات ليستد لن الكل يلسان الكينونات بانه هو
 الباقي الدائم الخلق المقدر العزيز السلطان وان عليا
 قبل محمد مظهر الذات و مظهر الصفات الذي منه
 بدء الممكنات و اليه ترجع الكائنات و هو الذي ظهر
 من نفسه المنان نفس الرحمن و بها خلق حقايق الجوهريات
 و القابليات في عالم الامكان و ظهورات الموجودات في
 عوالم الامكان و مرأياً المستحكية عنه و الحروفات الناطقه
 منه اول خلق الله و مبدأ الظهورات و مرجع العباد في
 يوم التناد و هذا ما فضلهم الله على ساير الخلق في
 عوالم القدم و بهم اشرفت الانوار و الاحت الاقمار واضائت
 الشمس و اباحت النجوم و كلهم يحكين عنه و يدلن
 عليه بحيث لا فرق بينه و بينهم الا بانهم خلقوا بامر
 و بعثوا بارادته و حشروا بقدرته هم الذين بهم تدور
 الادوار و تكور الاكوار و تغرس اشجار التوحيد و تظهر
 اثمار التفريد و تنزل امطار التجريد الى ان ترجع
 النقطة الى مقامها الاولى بعد دورها في حول نفسها
 و بلوغها الى محلها اذا يرجع الانتها الى الابتداء

و حينئذ يظهرنداً الاولى عن شجرة القصى عند اشراق
 الشمس مرة اخرى و هذا ما غنت الورقاً في قطب البقأ
 في هذه الليلة الا حديه التي توقد فيها نار الاحدية
 من سدره السينأ في ظل اسم الاقدمية و السر الازلية
 الذي سمى بالحق القديم في قيوم الاسماء ليشهدن كل
 الظهورات في سرائر القاب بالخفيات بانه هو المقدر

المهيمن المنان ... (تمام) اين لوح منتشر شده است
 و در مائده آسمانی مندرج است (۰)
 ۲۱ - سورة القميص

از الواح صادره در بقداد است و در اين لوح شكايه
 بسيار از معرضين بيان مذکور است و در اواسط لوح
 خطاب به جناب رضی الروح شده و جمعی از احباً را
 با اسم ذکر فرموده مانند حسين و محمد علي
 و عبدالعلي و زمان و رحيم و غيرهم و در سه موضع از اين
 لوح به قميص تعبير فرموده اند از اين قرار:
 خطاب به رضی الروح ميفرمايند:
 "انا ارسلنا اليك هذا القميص الذي كان

مرشوشا بدم صادق لعل تطالع بما هو المستور عن انظر

ص ۵۰

الغافلين . و در آخر لوح ميفرمايند:
 "... ان يا حرف الجيم اذهب بقميصي هذا ثم الق
 على وجه الممكات لعل مطالع الصفات يخرجن عن خلف
 الحيات و يطلعن عن ورأالحساب و يعرفني الذي
 جاءهم عن سطر البقاء بسطان مبين ..."
 و در آخر لوح ميفرمايند:

"... والحمد لمن يعرف مولاه في هذا القميص
 الدرّى المبين .."

آغاز اين لوح مبارك چنين شروع ميشود:
 هذه سورة القميص قد نزلناها بالحق و جعلناها مظهر
 هيكل بين العلمين بسم الله الاقدس الاقدس و باسمه
 البى الابى ان يا اهل البقاء فى الملاء الاعلى
 اسمعوا ندأالله عين هذا النسيم المتحرك ... الخ
 و در همين لوح است كه ميفرمايند:

"تالله الحق تلك ايام فيها امتحن الله كل النبيين
و المرسلين ثم الذين هم كانوا خلف سراق العصمة
و فسطاط العظمة و خبأ العزة و كيف هولاً المشركين
الذيت اتخذوا الههم انفسهم و اذا يظهر عليهم سلطنه
الله و اقتداره ثم عظمته واجلاله يجعلون كف الاعراض
على ابصارهم ثم يسرعون في المكر ليشتبهن على العباد

ص ۵۱

كذلك نقلی علیک ما یحفظک عن رمی هولاً الشیاطین ..."
سورة القدر ۲۲ -

از الواح مبارکه صادره از قلم جمال قدم است که در بغداد
نازل شده و شامل اقدامات مخالفت آمیز میرزا یحیی
و سایر مطالب است. صورت قسمتی از آن لوح مبارک از
روی نسخه خط زین المقربین که در سال ۱۲۸۸ ه . ق
در موصل (حدباً) آنرا نوشته است در اینجا نقل
میشود قوله تعالی :

هذه سورة القدر قد قدرناها في جبروت البقاء وانزلناها
على العباد ليكون لهم سراجاً مضئاً
هو الحق البهي الا بهي فسبحان الذي قدر مقادير
كل شئ في الواح عز محفوظ و خلق كل شئ على
شان لو يضعن انفسهم عن غيره الوهم و الهوى ليصعدن
الى مقاعد القصوى و ينطقن بما نطق روح القدس عند
صدر المنتهى بانه لا اله الا هو و ان ذات كلمتين
في هذين الا سمين لقيوم الا سماً في جبروت البقاء
و كذلك احاطت رحمة الا يام كل الا نام ولكن الناس هم
لا يشعرون ولقد تجلى الله في هذا اللوح باسمه

القدير على كل الممكنات ليستقدرن به كل الموجودات عما خلق بين الا رضين و السموات لثلا يحرم احد عن سلطان قدرته و هذا ما نزل حينئذ من لدن مهيمن قيوم ان يا شمس اسمى القدير فاستشرق على الكائنات ببدايع قدره ربك ليشهدن كل الا شيئاً انفسهم قدرة الله المقتدر العزيز المحبوب و من يجعل محروماً ان تجلى هذا الاسم لن يوفق على الاقرار بقدرة ربه العزيز اختار ولويترف لم يكن على التحقيق لان ما فقد عنه كيف يدركه فسبحانه عما يعرضون اذا ياقوم فاجعلو قلوبكم مراتاً لهذا الشمس لينتبع فيها انوارها و تجليها و كذلك ياء مر كم ربكم ان اتم تعرفون ومن انطبع فيه تجلى هذا الاسم ليجعله الله قادراً" على كل شيئى بحيث لو يقول لكل شيئى فانقلب كلهم ينقلبون ولويريد ان يغلب على الممكنات بارادة من عنده ليقدر من قدرة ربه وان هذا الفضل مشهود ومن هذا اللوح هبت روائح القدرة على كل ذى قدرة ويهب كيف يشاء بامر من عنده ان اتم تعقلون وان مثل هذا الاسم فى هذا اللوح كمثل معين الماء يجرى فى انهار شتى كذلك من هذا الاسم يجرى مياه القدرة فى انهار الموجودات و يأخذ من يشاء على قدر مقدور ان يا ذلك الاسم انا خلقناك بامر من عندنا و ارفعنا ذكرك فى

ملكوت الاسماوزيناك بقميص البقالتشكر ربك وتكون من الذين يشكرون اياك ان لا يغرنك شيئى ولا تحتجب عن ذكر اسم ربك ولا تكن من الذين اذا شهدوا انفسهم فى علو و ارتفاع غفلوا عن ذكر ربهم ثم استكبروا على الله الذى خلقهم بارادة من عنده و كذلك كانوا ان يفعلون ان يامسميات هذا الاسم و مظاهره ان استمعوا نداً

ربكم الرحمن في هذا الرضوان ولا تلتفتوا الى ما قدر
 في الاكوان ولا تكون من الذينهم لا يفقهون اياكم
 عن لا يغرنكم الاسماء عن ذكر بارئكم و اذا استشرق عليكم
 شمس ربكم خروا بوجوهكم سجد الله المقتدر المهيمن
 القيوم اياكم ان لا يمنعكم شيئاً عن الخضوع بين يدالله
 ولا تكونوا بمثل الذى ارفعنا امره بين العباد ثم
 اشهرنا ذكره في البلاد فلها شهد نفسه على عزو
 ارتفاع اذا استكبر على الذى خلقه وسواه وبلغ الى
 مقام الذى اعترض تلقاً الوجه وفرط في جنب الله وكان
 من الذين اذا استشرقت عليهم شمس الجمال عن افق
 استجلال استكبروا وكانوا من الذينهم يستكبرون ان يا
 اسمى انا جعلناك مظهر هذا الاسم لتدع كل الممكنات
 عن ورائك وتكسراصنام الوهم من كل شيئاً وتدخل
 الكل في ظل ربك العزيز المحبوب وتنصر ربك في كل

ص ٤٥

شأن بما استطعت لير تفع اعلام النصر على مقاعد قدس
 مرفوع قل ياملاً البيان انكم ان لن تنصروا الغلام فسوف
 ينصره الله كما نصره بالحق اذا كان في السجن ونصره
 بجنود لن تروها وانزل معه ما يحفظه عن اعادى نفسه
 انه مامن الله الاهوله الخلق والامر وكل عنده في
 لوح محفوظان يا اسمى ان استقم على الامر ثم ذكر
 الناس بما لهمك الروح وان وجدت مقبلاً فاقبل اليه وان
 وجدت معرضاً فاعرض عنه ولا تخف فتوكل على الله ربك

انفسهم يلعبون قدس نفسك عن كل ما يمنعك عن صراط
 الله الذى له مافى السموات ومافى الارض وان هذا خير
 لك عما كنزنى ملكوت الامر والخلق ولكن الناس اكثرهم
 لا يفقهون ان ارتقب يوم الذى يأتى الله بسطان من

الامرؤى حوله ملئكة الروح اذا تجدد الناس صرعى
 ويأخذ اضطراب سكان السماوات والارض وينقلبن كل
 الاسماء يخزن على التراب محدود الا من ينقطع
 الى الله ويدخل فى ظل ربه العلى المتعالى العزيز
 المحمود كذلك الهمناك من بدايع وحى ربك لتستقر فى
 نفسك وتكون من الذينهم مستقرون والبهاعلىك وعلى

ص ٥٥

من اتخدى ظل ربه مقاماً محمود والحمد لله العزيز
 المقتدر المتعالى المحبوب

٢٣ - سورة الصبر

از الواح مبارکه نازله در بغداد و در باغ رضوان است
 اين لوح مبارک به مدينة الصبر و سورة الصبر و سوره ايوب
 معروف است و به اعزاز حاجى محمدتقى ملقب به ايوب
 نازل شده است، در لوح قرن احبای آمريک ذکر اين
 لوح شده و نزول آن را در روز اول رضوان سال ١٢٧٩
 ه. ق. ذک فرموده اند در اين لوح شرح شهادت و
 مقامات عاليه جناب وحيد اکبر و فداکارى هاى اصحاب
 على الخصوص جناب حاج محمدتقى ايوب بيان شده
 است . مشاراليه از اصحاب جناب وحيد دارابى
 بود چون خبر عزيمت جناب وحيد را از يزد به جانب
 نيريز شنيد از نيريز که محل سکونتش بود تا
 اصطهبانات باستقبال حضرت وحيد شتافت و با آن جناب
 وارد نيريز شد ابتدا در مسجد جامع و سپس در قلعه
 خواجه به نصرت اصحاب توفيق يافت و چون مردى
 ثروتمند بود مدت چهار ماه محاصره قلعه خارج اصحاب

وحید را تحمل کرد و بعد از واقعه قلعه با سایر اصحاب گرفتار گردید و بچنگال ظلم حاکم دچار شد حاکم موسوم به زین العابدین خان او را به انواع عذاب معذب ساخت و در فصل زمستان هر روز وی را در حوضی که آبش یخ بسته بود می‌افکند و بدنش را به ضرب چوب می‌آزرد بطوری که آب حوض از خون او رنگین میشد جناب حاجی گاهی در عوض بعضی از اصحاب که پیر و ناتوان بودند نیز صدمه و آزار را قبول میکرد حاجی مزبور بالمال از کثرت ضرب و آزار بدنش متورم شد و چشمانش از حال طبیعی خارج گردید عوانان هر روز او را در بازارها میگردانیدند و از مردم پول میگرفتند حاجی یکسال گرفتار این عذاب بود تا آخر کار مستخلص شد و به یزد رو نهاده در آنشهر متوطن گردید بهر حال بواسطه استقامتش در بلاای لاتیخی در لوح مبارک از لسان عظمت به ایوب ملقب شده ایوب کلمه‌ای است که معنای آن (بطرف خدا برگشته) است در عهد عتیق رساله‌ای است که به کتاب ایوب موسوم است. در کتاب دیانت اسرائیل (تألیف جناب محمدعلی فیضی) صفحه ۷۵ مسطور است :

ایوب نام شخصی بوده است که در سرزمین عوص در طرف

شرقی فلسطین نزدیک صحرای لم یزرع زیست مینمود و دارای اموال و گوسفندان و خدمه بود و مردی بوده است خداترس و دارای مقامات روحانی که مورد امتحان و آزمایش سخت خداوند قرار گرفته است ابتدا اموال و احشامش را کلدانیان بغارت برده و بستگانش را از دم شمشیر گذراندند و سپس خود او مبتلی به مرض سخت

گردید که همه از او دوری میجستند و حتی مورد ملامت و سرزنش عیالش نیز قرار گرفت و با اینهمه احوال تن به رضای الهی داده در هر حال شاکر و صابر بود از این جهت صبر ایوب ضرب المثل گردید کتاب ایوب دارای ۴۳ باب و شرح حال او را بیان مینماید که ابتدا خداوند چگونه ثروت او را اخذ و به مرض سختی مبتلایش نمود و بعد مکالماتی را که سه نفر از دوستانش بنام الیفار بلد و شوحی و سوفر نعمانی با او در کیفیت عذاب الهی و مکافات و مجازات نموده‌اند شرح داده است و مراتب ثبات و استقامت و پایداری او را در تحمل بلاها و مصائب میرساند که بالنتیجه خداوند او را نجات داد و تمام اموالش را به او بازگردانید... انتهی در قرآن مجید در سوره مبارکه (ص) و سایر سور ذکر ایوب نازل شده و خداوند او را ستوده است و به استقامت

ص ۵۸

او در بلاها و صبر او در مصائب اشاره فرموده و حتی داستان زوجه او را هم ذکر فرموده که چگونه ایوب قسم خورد که اگر زوجه‌اش برگردد او را کتک بزند و پس از آنکه بیگاهی زوجه‌اش بر او ثابت شد خداوند چگونه به او یاد داد و تعلیم فرمود که قسم خود را درباره زنش بچه نحو انجام دهد تاخلاف قسم نکرده باشد و بزوجه بیگاهش هم آسیبی نرسد مفسرین اسلامی از سنی و شیعه داستان ایوب را با آب و تاب فراوان ذکر کرده‌اند. برای اطلاع به تفسیر کشف زمخشری و تفسیر علامه بیضاوی و از کتب شیعه به تفسیر مجمع البیان طبرسی و تفسیر صافی ملاحسن فیض کاشانی و کتب مرحوم مجلسی و غیره مراجعه شود. در قرآن مجید سوره (ص) میفرمایند که خداوند به ایوب فرمود

در چشمه آب غسل کند تا زخمهای بدن و امراضش خوب شود و برطرف گردد او هم این حکم را انجام داد و از امراض شفایافت حضرت عبدالبهائم جل ثنائه در لوحی در این خصوص میفرماید قوله الاهلی :

...آن چشمه چشمه نبوت بود و آن امراض امراض روحانی چون ایوب در چشمه نبوت الهی و محبت الهی داخل شد جمیع عوارض جسمانی و تقیدات نفسانی از

ص ۵۹

او دور شد ملهم به الهامات ربانی گشت . . . انتهی باری جمال مبارک جل جلاله درسورة الصبر شرح حال این ایوب را مطابق نصوص اسلامی بیان میفرماید و سپس درباره حاجی محمدتقی ایوب و واقعه نی ریز و شهادت جناب وحید و گرفتاری اصحاب آن حضرت و سایر امور آیات مبارکات از قلم مبارک جاری شده است.

سورة الذکر - ۲۴

قوله تعالی :

هذه سورة الذکر قد نزلت بالفضل لعل ملاً البيان ينقطعن عما عندهم و يتوجهن الى يمين العدل ويقومن عن رقد الهوى و يتخذن الى ربهم العلی الابهی علی الحق سببلا بسم الله الاقدس العلی الاعلی هذا کتاب نقطة الاولى الى الذين هم آمنوا بالله الواحد الفرد العزیز العظیم

قسمت اعظم این لوح نقل اقوال حضرت اعلی جل ذکرة است که خطاب به اهل بیان میفرماید که چرا بظهورالله بی وفائی کردند و جمال قدم جل جلاله را قبول نکرده اند

از قرائن در بغداد نازل شده و مخاطبش معلوم نشد فقط به او میفرمایند که توسط محمد ما برای تو لوحی فرستادیم و به احمد برادر محمد نیز خطاب فرموده‌اند و به احمد دیگری هم خطاب شده است .

سورة الله - ۲۵

قوله

تعالی :
 هذه سورة الله قد نزلت بالحق من جبروته
 المقدس العزيز المنير هو العزيز ان يا على بعد نبيل
 اسمع نداء ربك حين الذي يريد ان يخرج عن بينكم
 بما اکتسبت ایدی الظالمین ... انخ
 این لوح در اواخر ایام توقف در بغداد نازل
 شده هنگامی که اراده الهیه به عزیمت به اسلامبول قرار
 گرفته بود و از آیات این لوح لحن حزن و اندوه آشکار
 میفرمایند: است.

قل يا قوم تالله الحق قد اخذتكم الغشوات على مقام
 الذى تخرجون الله عن بيته و تذكرون اسمائه فى كل
 بكور و اصیل ... الى تعالی :

وانتم لما عرضتم عن جماله الاولى فى هيكله الاخرى

و انكرتم آياته و كفرتم بنعمته اذا يخرج من بينكم وحده
 حين الذى يكون منقطعاً عن كل من فى السموات والارض ...
 و كذلك كنت معذباً بين هولاً و عن ورائهم كان غضف (۱)
 (تاریکی وابر) الغل عن ورائی و دیاجن (ابرهای
 تیره) البغض عن یمینی و كان الله على ما قول شهید
 الى ان بلغ الامر الى ان يفده الايام التى فيها يريد ان

يستر جمال القدس من سندس الانس و ينقطع عن كل
 اناث و ذكور و عن كل صغير و كبير الا اللواتي جعلني
 الله كفيلهن في الحيا الدنيا انه ما من اله الا هوله
 الخلق والامر و كل عنده في لوح حفيظ ... الخ
 يشتر شكايه حق از معرضين بيان و مخالفت يحيي است
 و مخاطب اين لوح مبارك محمد علي است كه علي بعد
 باشد.

٢٦- لوح سبحان ربي الاعلى - حرف البقاء

اين لوح به اعزاز حاجي ميرزا موسى جواهرى در بغداد
 نازل شده است :
 يا حرف البقاء فالبس يغلين الانقطاع ثم امش
 على رفرق الاعلى فسبحان ربي الاعلى هذه ارض البقا موقوع

ص ٦٢

عليها رجل احد من الاوليا فسبحان من خلق فسوى
 ان لا تحزن عن موارد الدنيا ثم اصعد الى جبروت
 الوفا فسبحان ربي الاعلى وان لك مقام معي في
 سرادق الابي فسبحان خلق فسوى تسمع فيه نعمات
 الفردوس فوق سدرة المنتهى فسبحان ربي الاعلى وتشرب
 فيه نمر الحمرا عن جمال الله الاسنى فسبحان من
 خلق فسوى و فيه تجد من فواكه القدس لا يحصى فسبحان
 ربي الاعلى وتطير فيه في كل طرف باجنحة الياقوت
 في ممالك الروحا فسبحان من خلق فسوى و تنطق فيه
 على كل لحن بلحنت البقاء فسبحان ربي الاعلى و
 تجذب من لحظات الجمال في غرفات الا جلي فسبحان
 من خلق فسوى اذا تجد في نفسك انوار الهدى و تستغرق
 في بحر اللبي العظمى فسبحان ربي الاعلى و ترزق
 من ثمرات الروح من شجره القصوى فسبحان من خلق فسوى

وتسمع ندأ الله على لحن الجهر من الخفى فسبحان
 ربي الاعلى قل نزلت حورالبقائزلة اخرى لتقبل هذا
 القمرالدرى الاحلى فسبحان من خلق فسوى واخذت
 كئوب الحمرابيده اليمنى فسبحان ربي الاعلى لتسقى
 من رضى بهذاالرضوان فى جنةالرضوى فسبحان من
 خلق فسوى رفعت يدها اليمنى واتكات على رجلها

ص ٦٣

اليسرى فسبحان ربي الاعلى ثم ظهرت حاجب القوسا
 كالسيف الحدا و قطعت به الابداد و الا حشاً فسبحان
 من خلق فسوى و حركت كتفها ظهرت ثعبان السوداً فيما
 كشفت سود الشعر من تحت نقابها البيضا فسبحان ربي
 الاعلى اذا بلغت كل فى السماالى تحت الثرى فسبحان
 من خلق فسوى و ارجعت الوجود الى الفناء فسبحان ربي
 الاعلى مره كشفت وجهها ثم مرة غطا فسبحان من خلق
 فسوى و اذا كشفت خلقت الارواح و ارجعت القضاءالى
 الامضاًفسبحان ربي الاعلى ثم بعد ذلك غطت الوجوه
 مرة اخرى لثلا تفنى البقأمن هذا المنظر الحمراً فسبحان
 من خلق فسوى ثم ارفعت طرف برقع السودا عن غرتها الغراً
 على تجلى بدعا فسبحان ربي الاعلى وقالت الست جمال
 المحبوب فى وسط الضحى اذا صاحت طلعةالكبريا بلسان
 الجمال الوجود بان بلى ثم بلى فسبحان من خلق فسوى
 و اذا ترقص جواهر الروح فى هياكل البقأما ظهورا خفى
 فسبحان ربي الاعلى تجذب افئدةالمخلصين من انوارها
 النورا فسبحان من خلق فسوى وتولفت عقول المقدسين
 عما تنزل وتعلى فسبحان ربي الاعلى اذا ناد المناد فى
 وسط الاجواً على مركز البدأ فسبحان من خلق فسوى
 فقالت و رب السماً نظرةاليها خير عن ملك الاخرة و الاولى

در بغداد از قلم جمال قدم و اسم اعظم نازل شده است
و به ترتیب حروف تهجی در آن رعایت فرموده‌اند.
پس از نشر این زیارت نامه یحیی هم به تقلید
زیارت نامه‌ی اولیاً بهم بافت و در آن لغات عجیبه
و مطالب غریبه مندرج ساخته است البته احباً اشتباه
نخواهند فرمود و کلام الهی را از کلام بشری تشخیص
خواهند داد.

۲۹ - بازآوده جامی

یکی از قصائد جمال قدم واسم اعظم است که در بغداد
نازل شده و در مائده آسمانی مسطور و مندرج است.

ص ۶۶

۳۰ - لوح مبارک از باغ الهی

این لوح مبارک در بغداد در اواخر ایام اقامت نازل
شده است نبیل در تاریخ خود شرحی در خصوص شأن
نزول این لوح بیان فرموده که من در کتاب ایام تسعه
در فصل متعلق به ایام رضوان عین عبارات نبیل را
نوشته‌ام و در این مقام احتیاجی به تکرار ذکر آن نیست
آغاز این لوح مبارک اینست قوله تعالی :
از باغ الهی با سدره ناری آن تازه غلام آمد
های های هذا جذب اللهی هذا خلع یزدانی
ربانی هذا قیص
با البحر حیوانی با کوثر روحانی آن رب انام آمد
های های هذا عذب سبحانی هذا لطف رحمانی
عذبانی هذا طرز
این لوح بسیار مفصل است و خاتمه آن چنین است قوله

تعالی
: ...باید اطیاء عرشی که قصد معارج قدسی نمایند
بوله و آهنگی تلاوت نمایند که جمیع من فی الملک را روح
قدمی و حیات ابدی و زندگی دائمی بخشند لعل
رشحات النار علی صدور الابرار قد کان باذن اللہ مرشوشا.

ص ٦٧

آیاتی کہ دربین راه از بغداد
تا اسلامبول نازل شده است
لوح هودج

قوله تعالى :

تلک آیات ظهرت فی خدر البقا و هودج القدس حین
ورود الاسم الاعظم عن شطر السبحن فی ارض
السامسون

یم (١) بحر عظیم اذا نزلت جنود وحی الله بطراز
الذی

انصعقت عنها کل من فی السموات والارضین
واشرقت

قدّامهم شمس الجمال فی هیکل قدس لطیف و خاطب

الفلک بما جرى من قلم الله من قبل في لوح الذي خاطبناه

فيه ملاح القدس بدأ حزن خفي ...

این لوح مبارک به لوح سامسون هم معروف است
چون جمال مبارک در آخرین روز سفر خشکی از
بغداد

به اسلامبول به سامسون نزدیک شدند و در میان

هودج

(۱) - یم در اینجا لغت دارجه عرب است بمعنی نزدیک
و مجاور است میگویند یم البیت یعنی نزدیک خانه ...

ص ۶۸

که جالس بودند دریا را مشاهده فرمودند این لوح
در میان هودج نازل شد تاریخ نزول آن جمادی الثانی
سال ۱۲۸۰ ق.ه مطابق با آگست ۱۸۶۸ میلادی
است مندرجات این لوح مبارک از اول تا آخر همه در
باره عظمت امراهی و قدرت و جلالت مظهر امرالله و
اظهار شوکت و جلال است. حضرت ولی امرالله در گاد
پاسربای بیانی به این مضمون میفرمایند:
چون هیکل مبارک به بندر سامسون نزدیک شدند و از
میان هودج بحر اسود را مشاهده فرمودند بخواش

میرزا آقا جان خادم لوحی موسوم به هودج از لسان
اطهر جاری شد در این لوح منیع مبارک بظهور امتحانات
و فتن عظیمه اشاره فرموده اند و حوادث مندرجه در
لوح ملاح القدس تأکید نموده و از وقوع بلیات و امتحانات
شدیده خبر داده‌اند. (ص ۱۵۷ انگلیسی)

ص ۶۹

الواح نازله در اسلامبول

۱ - لوح عبدالعزیز و کلاً

اصل این لوح و صورت آن در دست نیست. حضرت ولی
امرالله در لوح قرن احبای امریک در فصل وقایع اسلامبول
بیانی به این مضمون میفرمایند:
...توقیعی از قلم مبارک جمال قدم خطاب به سلطان
عبدالعزیز که خویش را فرمانفرمای مستبد و خلیفه اسلام
و سلطان مقتدر آل عثمان میشمرد صادر شده (اصل و متن
این توقیع و لوح مبارک در دست نیست. (ص ۱۵۸)
و نیز در گادپاسزبای در همان فصل میفرمایند:
...بعد از صدور حکم نفی در همان روز لوحی منیع
از قلم مبارک شامل انذارات شدیدة عزّ نزول یافت و
جمال قدم آن لوح را در روز بعد توسط شمسی بیگ در
پاکتی سر بسته برای عالی پاشا فرستادند بشمسی بیگ
فرمودند به عالی پاشا بگو که این خطاب از طرف خدا است

ص ۷۰

شمسی بیگ ماموریت را انجام داد و بعداً به جناب کلیم
گفته بود من نمیدانم چه مطلبی در آن نامه بود که عالی
پاشا پس از مطالعه آن رنگش تغییر کرد و گفت مثل

اینست که سلطان مقتدری به بنده زبردست خود خطاب کرده حال عالی پاشا بقدری متغییر شد که من نتوانستم نزد او بمانم و فوراً بیرون رفتم. پس از ارسال لوح مزبور فرمودند عبدالعزیز و وزراً او بعد از اطلاع به مضمون لوح تصمیمی را که درباره ما گرفتند میتوان گفت تا اندازه حق داشتند ولی آنچه را قبل از صدور این لوح در حق ما مجری داشتند رفتاری ظالمانه بود بلا بینته و لا کتاب منیر بر حسب آنچه از گفتار نبیل زرندی بدست میاید لوح مبارک مزبور مفصل بوده و آغازش خطاب بسطان عبدالعزیز بوده و اعمال او و وزراً او را بشدت نکوهش فرموده اند و عدم لیاقت آنان را برای تصدی آن امر خطیر تصریح کرده اند در آن لوح هیئت وزیران را مخاطب ساخته و آنان را پند و اندرز داده و متذکر داشته اند که به ریاست دنیا و شون فانیه آن مغرور نگردند و بجلال و عزت ظاهره که دستخوش فنا و زوال است مسرور نشوند و اعتماد ننمایند...آنتهی

(ص ۱۶۰ گادپاسربای انگلیسی)

ص ۷۱

یا هو سبحانک لوح - ۲

این لوح مبارک معروف به لوح ناقوس است. حضرت ولی امرالله جل سلطانه در لوح مورخ پنجم شهرالجلال سنه ۹۸ در جواب بدیع الله آگاه آباده ای میفرمایند قوله الاهی :

راجع به لوح ناقوس و شرح نزول آن فرمودند این لوح در اسلامبول نازل شده بر حسب خواهش آقا محمد علی اصفهانی بواسطه حضرت عبدالبهاء و این لوح شب پنجم جمادی الاولی لیل مبعث حضرت اعلی به خط

مبارک جمالقدم مرقوم و مسطور گردیده تلاوت این لوح
در همان ليله مبارکه محبوب و مقبول. انتهی
نزول این لوح در اسلامبول در سال ۱۲۸۰ هـ.ق مطابق
۱۸۶۳ میلادی بوده است .
۳ - مشوی

از آثار مشهوره نازله از لسان اطهر منظر اکبر است که
در مدینه کبیره اسلامبول نازل شده و در آخر آن بیانی
موجود است که حاکی از سوز فراق عراق و بیت مبارک و شدت

ص ۷۲

اشتیاق به منزل رب میثاق است در کتاب بدیع که از
الواح نازله در ادرنه است به نزول مشوی در مدینه
کبیره تصریح شده میفرمایند. قوله تعالی :
وقتی که جمال ابی در مدینه کبیره وارد شدند چند
فردی فرموده اند بعضی از آن در این مقام ذکر میشود
و آن اینست :

ای صبا از پیش جانان یک زمان
خوش بران تا کوی آن زورائیان
پس بگوش کای مدینه کردگار
چون بماندی چون که رفت از یرت یار
یار تو در حبس و زندان مبتلا
چون حسین اندر زمین کربلا
یک حسین و صد هزارانش یزید
یک حبیب و این همه دیو عنید

(کتاب بدیع خط زین المقربین طبع طهران ص ۳۰۳)

ص ۷۳

الواح ادرنه

حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریک در

فصل وقایع

ادرنه الواحی را که از قلم جمال مبارک در این نقطه

نازل شده به دو قسم منقسم فرموده‌اند:

قسمت اول الواحی که در ادرنه قبل از حصول

فصل اکبر

از قلم الهی نازل شده است (یعنی در سال ۱۲۸۱ -

۱۲۸۰ ه.ق مطابق ۶۴-۱۸۶۳ میلادی)

قسمت دوم الواحی که بعد از فصل رهیب اکبر

نازل شده

است (یعنی از سال ۱۲۸۱ ه.ق تا ۱۲۸۵ ه.ق)

(مطابق ۱۸۶۸ - ۱۸۶۴ میلادی)

در این مقاله ضمن دو قسمت درباره بعضی الواح

نازله در ادرنه گفتگو میکنیم.

قسمت اول بعضی الواحی که قبل از فصل اکبر از

قلم

الهی نازل شده (۱۲۸۱ - ۰۵۱۲۸۰ ق مطابق ۶۴

-

(۱۸۶۳ میلادی)

سورة الامر ۱ -

از الواح مبارکه نازله در ادرنه است و نام آنرا حضرت

ص ۷۴

ولی امرالله در کتاب قرن بدیع در فصل وقایع ادرنه
ذکر فرموده انداین لوح در اظهار امر و عظمت ظهورالله
در سال ۱۲۸۱ ه . ق - ۱۸۶۴ میلادی نازل شده
و یک نسخه آن را برای یحیی ازل ارسال فرمودند و حجت
الهیہ بر او بالغ گردید ولی او به ظاهر سکوت کرد و چیزی
نگفت و در باطن به مخالفت قیام کرد و جمال مبارک را دعوت
نمود و جای مسموم به هیکل مبارک نوشانید و از همین
وقت مقدمات فصل رهیب اکبر فراهم شد و جمال مبارک
مریض شدند و مدتی در بستر بودند و ابتدا دکتر
شیشمان و بعد دکتر چوپان به معالجه قیام کردند و شرح

آن در لوح قرن احبای امریک در ضمن وقایع ادرنه
 ذکر شده است
 ۲ - لوح احمد عربی

این لوح مبارک بر حسب تصریح حضرت ولی امرالله
 در کتاب قرن بدیع در فصل وقایع ادرنه قبل از فصل اکبر
 از قلم مبارک خطاب به احمد نازل شده است هیکل
 مبارک حضرت ولی امرالله این لوح را به انگلیسی ترجمه
 فرموده اند. شرح حال احمد در کتاب محاضرات جلد

ص ۷۵

دوم به تفصیل نوشته شده است
 ۳ - لوح حبیب

از الواح مبارکه جمال قدم است که به افتخار میرزا حبیب الله
 نازل شده مشارالیه به میرزای مراغه ای شهرت دارد واصلا
 هم جناب میزاحیب الله مراغه ای است از شرح حالش
 چندان چیزی بدست نیامد ولی در سال ۱۳۱۴ ه . ش
 در طهران از متصاعدالی الله جناب میرزاتقی خان
 بهین آئین قاجار متوفی بسال ۱۳۱۴ ه . ش که
 از مبلغین امرالله وازنفوس مخلصین بودند شنیدم که
 میفرمود آن بزرگوار در دوره حضرت اعلی جل ذکره به امر
 مبارک مؤمن شد و در خفا میزیست و مخصوصا از زوجه
 خود که مسلمانان متعصب بودایمان خود را پنهان میساخت
 حکمت میکرد قضارا روزی زوجه اش در زیر بالش او
 ورقی چند میبند و میخواند و چون به علوم ادبیه آشنا
 بوده متوجه میشود که از آثار ظهور بدیع است و پنهان
 از شوهر خود به تحقیق میپردازد و تصدیق میکند ولی

به شوهر خود چیزی نمیگوید و مدتی همینطور بوده تا عاقبت پرده از کار برمیدارد و هردو نسبت بهم آگاه

ص ۷۶

میشوند میرزا بیب الله از علما بوده و در بغداد به حضور مبارک جمال قدم رسیده و به حقیقت امر آشنا بوده و قبل از اظهار علنی امر مبارک به حق عارف بوده و لوح مفصلی دارد که از جمال مبارک جل جلاله که به عنوان ح ب میباشد و نسبت به او اظهار عنایت میفرماید و به او امر میشود که بعضی از نفوس غیر غافل را که در قزوین بوده اند و به ازل توجه داشته اند به آنان ابلاغ کلمه الله نماید و در همین لوح اسامی آن نفوس را ذکر فرموده اند از قبیل جواد و رحیم و زمان که مقصود جواد قزوینی ناقص معروف و آقا میرزا رحیم عموی جناب سمندر قزوینی و کربلائی زمان قزوینی است که بعداً امر مبارک توجه کرد والواح بسیار دارد و مانند ابن نبیل و حاجی ابراهیم ملقب به خلیل و همه این نفوس متوجه به حق شدند و از مرآت ظلمانی اعراض کردند و به شمس حقیقت جمال قدم جل جلاله توجه نمودند در این مقام بعضی از آیات لوح مبارک ح . ب را مینگارم .
قوله تعالی : بسم البهی البهی الابهی
ح ب اسمع ندالله من جهت
العرش آیات میمن مقدم العظیم لعل تقلب بکلک الی
مولیک و تصیح بسطان الامرین السموات والارضین ...

ص ۷۷

وانک انت تعلم ماورد علینا بما طلعت فی سفرک بمالا
اطلع احد من العالمین لان لم یکن عندنا حین الذی
هاجرنا الی الله المهیمن العزیز القدیر من ذی بصر الا

انت لذا التفتت و عرفت مالا عرفه احد من هولاء المدعين
 (اشاره به زمان هجرت جمال قدم است از بغداد که در
 آن اوان زمزمه یحیی واتباعش بتدریج بظهور میرسیده وملا
 حبیب الله بان راز مطلع شده و به عرفان حق فائز گردیده)
 و هذا من نحرالذی اختصک الله بها فاشرب ونفسک
 سرا لثلا یطلع بها احد من هولاء الغافلین ثم اشکرالله
 بما عرفک مالا عرفه احد من الخلائق اجمعین واخذیدک
 بایدی القدرة و نجاک من بئر الغفلة وانه مامن الله
 الا هو وانه لولی المقربین ...
 این لوح بسیار مفصل و مهیمن است و جمیع آن در
 باره عظمت ظهور وایرادات معرضین و مخالفین و یحیی
 و پیروان وخطاب به غافلین و تحذیر آنان از احتجابست
 و از جمله میفرمایند قوله تعالی :
 قل یاقوم ان هذا الخیر الذی وعدتم به فی التسع
 و به اخذ الله العهد عن کل الذرات فطوبی لمن وفی
 به میثاقها قل قد ارتفعت خیام القدم وانتم یا اهل البیان
 لا تحرموا انفسکم عنها ثم اسکنوا فی فنائها تالله قد اثمرت

ص ۷۸

سدرۃ البهائی هذا الرضوان الذی ظهر علی هیکل
 التریب (حسین) فی هیئۃ التثلیث (علی) وانتم یا اهل
 سفن البهائتقربوا بها ثم تنعموا من اثمارها قل یاقوم
 اتکفرون بایات الله و تقرئون ما نزل من قبلها... ثم
 اعلم بان الذین هم كانوا فی هناك منهم من اعرض عن
 الله و کفربایات الله ومنهم من آمن بربه وکان ممن نجی
 و آمن انالذین كانوا ان یستروا وجوههم فی جلابیب
 الستار خوفا من انفسهم (یحیی ازل) اذن خرجوا من
 خلف الدنان ثم اعترضوا علی هذا الجمال الا طهر الا کمن ..
 تلك سورة الاصحاب قد نزلناه بالحق و ارسلناها الیک

اتقرئها على الذين تجل من وجوههم نصره الرحمن (۰۰۰)
 پس از این در لوح مبارک اسم چند نفر از مخلصین
 و مومنین را ذکر میفرماید و بانها اظهار عنایت میفرماید
 و در همین لوح مبارک است که راجع به معرضین واعدالله
 فرموده اند . قوله . تعالی :

تالله الحق من ینکر هذا الفضل الظاهر الباهر
 المتعالی المنیر ینبغی له بان یسئل عن امه حاله فسوف
 یرجع الی اسفل الجحیم . انتہی .
 مطابق همین مضمون در لوح کربلائی محمد رمان قزوینی
 هم میفرماید . قوله تعالی :

ص ۷۹

قل من کان فی قلبه بغض هذا الغلام فقد دخل
 الشیطان علی فراش امه كذلك نلتی علیکم القول من
 هذه السدرة المرتفعة المتعالی المحمود . انتہی
 (مجموعه الواح قزوین خطی متعلق به محفل روحانی
 قزوین . ن .)
 ۴ - لوح سیاح

مقصود از سیاح میرزا علی مراغهء معروف به آدی گوزل
 است که به معنی نیگام است مشارالیه عالمی متبحر
 بود و در آغاز امر حضرت رب اعلی موفق به تصدیق
 گردید و واسطه ایصال مراسلات و عرایض مؤمنین به
 ساحت اقدس و ابلاغ توفیعات و اوامر مبارکه به مؤمنین
 بود در قلعه طبرسی خدمت جناب قدوس مشرف بود
 و پس از خاتمه قلعه به امر مبارک حضرت اعلی برای
 زیارت شهدای طبرسی به قلعه رفت و دستور مبارک را
 انجام داد و مراجعت کرد بعد از شهادت حضرت اعلی
 به کربلا رفت و دختر شیخ حسن زنوزی را گرفت و به

محضر جمال ابهی مشرف ومومن شد و مصائب بسیار دید ومورد عنایات الهیه بود لوح مبارک سیاح درسال

ص ۸۰

۱۲۸۱ هـ ق مساوی با ۱۸۶۴ میلادی به اعزاز او نازل شده این لوح بسیار مفصل و بسیار مهم است و در لوح قرن احبای امریک هیکل مبارک قسمتی از آن را نقل فرموده اند در هنگام نفی جمالقدم واصحاب به عکا مأمورین حکومتی میرزا علی سیاح را با سه نفر دیگر مؤمنین جمالقدم همراه یحیی ازل به قبرس فرستادند سیاح از معاریف اصحاب دوراهی است و نام او در الواح مبارکه مکرر نازل شده آغاز لوح سیاح این طور است قوله تعالی :

بسمی البهی الابهی ان یاعلی فاشهد بانی ظهور الله فی جبروت البقا و بطونه فی غیب العما و جمال القدم فی ملکوت البها و سادج الروح فی قیص الاعلی و کل خلقو بامری و یطوفن فی حولی و کل بامری لمن العاملین ..

حضرت ولی امر الله در صفحه ۱۸۴ گاد پاسزبای به این مضمون بیانی میفرمایند که بر حسب اظهار نبیل در تاریخ خود جمالقدم در سالهای اول ورود به ادرنه در لوح سیاح اشاره به سجن عکافر موده آن را وادی النبیل لقب دادند عدد کله عکا و نبیل با هم برابر است (۹۲) و در همین لوح سیاح درباره عظمت امر الله و سرعت نفوذ آن میفرمایند. قوله تعالی :

و وجدنا قوما استقبلونا بوجه عز دریا و هیا کل قدس

ص ۸۱

احدیا و کان بایدیهم اعلام النصر و کان مکتوبا علیها من قلم یاقوتی حمیرت الله هذه لاعلام نصر الله التي کانت بدوام الله فی ظلل هذا الاسم مرفوعا... اذن نادى

المناد فسوف يبعث الله من يدخل الناس في ضل هذه
الاعلام. أنتهى

سورة الدم

-

ه

هذه سورة الدم قد رثناها من بحر الغيب ليكون آية
ظهورى بين الخلائق اجمعين هو الباقي فى العرش
باسمى البهى الابهى ان يا محمد اسمع نداً ريك عن
هذا المقام الذى لن يصل اليه ايدى الممكنات ولا افئدة
الموجودات... الخ

مخاطب اين لوح جناب نبيل زرندي است و پس از
آياتى مفصل ونصائح بسيار او را امر به تبليغ مي فرمايد
قوله تعالى :

وانك يا هدهد السبأ اذهب بكتابي الى مدائن
الله وان يستلك الطيور عن طير القدس قل انى تركتها
حين التى كانت تحت مخالب الانكار و منسر الاشرار و ما
كان عنده من ناصر الا الله الذى خلقه و سواه وجعله

ص ٨٢

سراج جماله بين السموات والارض ان اتم توقنون وان
وجدت احدا من احبابي يسئل منى قل تالله انى
خرجت عن مدينة السجن وحين الذى كان الحسين
مطروحا على الارض وكان ركبة الشين شمر على صدره
و يريدان يقطع راسه و كان السنان (سنان ابن انس)
واقفاً تلقا الراس وينتظران يرفعه على السنان كذلك
كان الامر فى السرالسران اتم تشعرون... الخ
اين لوح مبارك در ادرنه مدينة السجن نازل
شده و حضرت ولى امر الله در گاد پاسر باى در فصل
وقايع ادرنه تصریح فرموده اند عمده بيانات مباركه در
اين لوح تذكره نفوس و تنبه آنان به توجه الى الله

وایمان به مظهر امرالله است .
 ۶ - سورة الحج

قوله تعالى :
 هذه سورة الحج قد نزلناها بالفضل ليستقرب
 الى الله ربهم ورب البيت العظيم هو
 المهاجر العزيز البديع تلك آيات الله قد نزلت حينئذ
 عن قطب البقاء... این لوح مبارک حاوی اعمال

ص ۸۳

حج بیت مکرم شیراز است و مخاطب آن جناب نبیل زرندی
 است که به او امر میفرماید به شیراز برود و جمیع اعمال
 نازله دراین لوح مبارک رامفصل و جمیع انجم دهد
 و از هیچکس ترس و بی نباشته باشد و او هم میورد
 امر مبارک را طاعت میکند و جمیع اعمال را بجا میاورد
 مرحوم افغان حاجی میرزا حبیب اعلائی علیه الرحمة
 میفرمود نبیل به شیراز آمد و اعمال حج را بجا آورد و مردم
 که میدیدند میگفتند این مرد دیوانه شده است. ولی
 او به این حرف اهمیت نداد و مأموریت خود را انجام داد
 و شرح این داستان را خود نبیل زرندی در مشنوی وصل
 و هجران خود ذکر کرده است. قوله :
 که ناگه به من سوره حج رسید
 که بر شطر شیراز باید
 پی طوف بیت خدا یکدله
 زشوق وشعف پوی باهروله
 باداب منزلت یار
 شدم طائف بیت پروردگار
 بشرحی که دراین مشنوی و در سایر مواضع صریح است

لوح حج درادرنه صادر شده است ولوح حج ثانی هم
که درباره مراسم حج بیت اعظم بغداد است درادرنه

ص ۸۴

نازل شده ودرضمن لوح اعظم نبیل زرنندی راپس ازخاتمه
دوران ماموریت حج بیت شیراز امر فرمودند که به بغداد
برود و مراسم حج بیت مبارک را انجام دهد و درهمان
لوح است که سعی کند ندای الهی را بشنود. حضرت
ولی امرالله درگاد پاسزبای صفحه ۱۷۷- ۱۷۶ درباره
این ماموریت نبیل زرنندی فرموده اند و میفرمایند که نبیل
امر مبارک را انجام داد و... خود نبیل زرنندی درمثنوی
هجر و وصال خود میگوید که چون لوح مبارک اعظم که حاوی
مراسم بیت و حج است رسید رفتم واعمال را بجا آوردم و
ندای الهی را استماع نمودم قوله ره :
از آنجا چوراجع شدم باسرور
شدازلوح اعظم دلم پر ز نور
که باید سوی بیت اعظم روی
به بغدادش از شوق طائف شوی
چو واردشوی بر سرای حرم
نیوشی ز هر نغمه ام لاجرم
اگر نشنوی نیست بهرت گزیر
عمل رابه اخلاص از سر بگیر
بحول الله از سدره ارتفاع
بظاهر شد آواز شه استماع

ص ۸۵

بشکرانه ساجد شدم بهر دوست
که این فضل هم از عنایات بهر اوست
بهر جا بچسم و جسد حاضر است

| | | | |
|----------|----------|-------|-------------|
| ناظر است | هر عاملی | اعمال | به |
| سر | ارض | عازم | وز آنجا شدم |
| بر ۰۰۰ | کل | بر | زود |
| عندلیب | مرحوم | خط | به |
| زیارت | در حین | که | موجود است |
| عجالة | بغداد هم | مبارک | میشود. بیت |
| ۰ | نیست | امر | تصرف |
| الروح | لوح | - | ۷ |

قوله
 هذا الروح
 روحا حيا
 حیوانا لیحی
 قد نزل
 بالحق
 وجعله
 الله
 هو الباقي
 ببقائنی
 المهیمن
 القیوم
 لان
 نفسی
 نفسه
 لوانتم
 تشعرون
 فسبحان
 الذی
 فی
 قبضة ملكوت
 ملك
 الايات
 ...
 در اول
 ذکر علی
 را فرموده
 اند
 و او
 را از فریب
 شیاطین
 و مخالفین بیان بر حذر داشته اند آن یا قلم القدم

ص ۸۶

ذکر الی
 بما
 القی
 الشیطان
 فی
 صدور الذین
 رابه
 خطابات
 هم
 اعترضوا
 علی
 الله
 ... ومغرضین
 بیان
 رابه
 خطابات
 شدیده
 مخاطب
 فرموده
 اند
 ومکرر
 علی
 را مخاطب
 داشته
 اند
 این
 لوح
 درادرنه
 نازل
 شده
 زیرادران
 به
 صراحت
 ذکر فرموده اند
 که
 مخالفین
 یعنی
 یحیی
 واتباعش
 فتوی
 قتل
 جمال
 قدم
 داده
 اند
 و
 اقدام
 کردند
 و
 چون
 موفق
 نشدند
 شهرت
 دادند
 که
 جمال
 قدم
 میخواستند
 یحیی
 رامسموم
 کنند
 وعمل
 خود
 را
 به
 حق
 نسبت
 دادند
 واین
 امور
 کلا
 درادرنه
 بوقوع
 پیوسته
 است
 قوله
 تعالی
 :
 ان
 یا علی
 انک
 اطلعت
 فی
 سفرک
 هذا
 بما
 ورد
 علی
 وسمعت
 مقالات
 المشرکین
 فی
 حقی
 وکنت
 من
 الشاهدین

الى ان قاموا على وافتوا على قتلى بعدالذى بقيامى
 بين السموات والعرض ظهر امرالله و ارتفع ذكره بين
 العالمين وبذكرى رفع ذكر هولأوعلت اسمائهم واشتهرت
 آثارهم بين الخائفين انا كنا نحفظهم من ضرالذين
 ارادوا قفلهم من ملل العرض وجعلنا اهلى خدماً لانفسهم
 فى كل ساعة وفى كل حين وهم اشتغلوا فى سرالسر
 على المكر فى امرى وكانوا ان يوسوسوا فى صدورالذين
 مرت على قلوبهم نسائم الرحمن من هذاالرضوان الذى
 خلقت فى ظل ورقة منها جنات عزمنيع الى ان قاموا على

ص ٨٧

قتلى وانا عفونا عنهم بعد قدرتى وسترت عنهم بعد
 سلطانى وتجاوزت بحلمى وانا المقتدرعلى ما اشأ
 واناالعزیزالكریم المتعالى الغفورالرحیم ومع ما
 اطلعت بكل ذلك سوف تشهد بانهم ينسبون كل ذلك
 وما فعل بى بنفسه بحيث ينسب الظالم... (يحيى)
 نفسه الى المظلومية الصرفة اذن انت تطلع يكذبهم و
 تعرف ابتلاى فى عشرين من السنين .
 اين وقايع درادرنه بوده وسال بيست هم همان ايام
 توقف هيكل مبارك در ادرنه بوده است و نيز مسئله اى
 كه شاهد نزول اين لوح درادرنه است اين است كه ميفرمايند
 من در خانه اى تنها و غريب هستم و كسى بامن نيست
 حتى يك روزيكي از معاريف بديدن من آمد خودم دررا
 بروى او باز كردم زيرا كسى نبود كدمت كندوازاو
 پذيرائى نمايد و اين مسئله بعد از قضيه اقدام به قتل
 جمال قدم جل جلاله از طرف يحيى بوقوع پيوست وهيكل
 مبارك از بيت خارج شدند و در بيتى وحده ساكن شدند
 و در را بروى خود بستند اينك عين بيانات الهيه در اين
 لوح مبارك قوله تعالى :

ان يا على قد اشتد على الامر على شان ضيعت
 حرمتي بين الناس لعل يرفع بذلك ايادي البغضاعن

ص ٨٨

رأسى ولوانهم ما يرضون بشيئى الابان يسفكوادمى على
 الارض ويحمره غذائر الحوريات (گيسوان حور) على
 غرفات قدس منيع وبلغت فى الذلة الى مقام الذى جلست
 فى البيت وحيدا فريدا و ترا بحيث اراد رئيس المدينة
 ان يحضرين يدى الغلام وجد الباب مغلوقة و اذا فتحنا
 الباب على وجهه ما كان عندنا من احد ليخدمه وبذلك
 بكت الاشياء كلها و تقطعت اكباد المقربين ...
 و نیز از ادرنه كه اين لوح در اينجا نازل شده
 چنين تعبير فرموده اند:

الذى قاموا على قتلى فى هذا الايام التى قامت
 على كل الملل وحبسونى فى هذا الارض العظم البعيد
 وبعدا زكرمصائب وليات خود بيانى موثر
 و حزن انگيز شروع به مناجات فرموده و مناجات مفصلى
 در اين لوح نازل فرموده اند و شرح مصائب وارده خود
 را در آن يكايك بلحن مناجات ذكر فرموده اند... و بعد
 از مناجات خطاب به احبائيات مفصله نازل شده تا
 ميرسد به اينجا كه ميفرمايند قوله تعالى :
 ثم اعلم يا على بان حضرين يدى الله كتاب من
 احد من اهل القاف (قزوين) الذى توقف في هذا الامر
 من قبل و سئل فيه عن شأنى وانا جنبناه فى هذا اللوح

ص ٨٩

بكمات التى تستجذب منها فائدة المقربين ... الخ
 مقصود از اين شخص قزوينى حاجى ابراهيم قزوينى است
 كه در باره مقام جمال قدم جل جلاله و ابنا و در باره

فطرت سؤال کرد ولوح معروف به لوح ابنا در جوابش
 صادر شد و قسمتی از آن را حضرت ولی امر الله جل
 سلطانه در گلی نینگر به انگلیسی ترجمه فرموده اند و
 بعدا حاجی ابراهیم مومن شد و مخلص و ملقب به خلیل
 گردید و مشرف شد و مورد عنایت بود و در دوره میثاق
 هم ثابت بود والواح بسیار از حق منیع و مرکز میثاق جل
 ثنائته دارد که الان در مقابل این عبد موجود است و
 اخلافتش امروز در طهران در ظل امر الله هستند...
 بعد در این لوح الروح جواب سؤال علی مخاطب لوح
 را داده اند که از مقام صاحب امر سؤال کرده است
 بعد اشاره به اعراض مردم از مظاهر امر الله از آدم تا
 خاتم فرموده و تا دوره حضرت اعلی و حضرت به الله را
 ذکر میفرمایند و عظمت مقام صاحب امر را مفصلا بیان
 میفرمایند و پس از بیان طولانی لوح مبارک به پایان
 میرسد این لوح مبارک شامل رموز و اسرار و حقایقی است
 که شرح آن به لسان و قلم بشر ضعیف ممکن نیست باید
 احباً خودشان لوح مبارک را بخوانند و بفهمند و شکر

ص ۹۰

جمال قدم جل جلاله را در مقابل این همه نعم و آلاء
 روحانی و موائد سماویه که به خلق خود عنایت فرموده
 است بجای آوردند .
 قسمت دوم

الواحی که پس از حصول از حصول فصل اکبر
 در آورده نازل شده (۱۲۸۵-۱۲۸۲)
 ه ق مطابق ۱۸۶۴ میلادی (

بعضی از آن الواح ذکر میشود

حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای میفرماید (صفحه ۱۷۱-۱۷۲) بیانی به این مضمون :
 مهمترین آثار عظیمه صادره از قلم اکبرنازل شده مبارک که در ادراکه بعد از حصول فصل اکبرنازل شده سوره ملوک است هیکل مبارک در این لوح عظیم برای اولین بار روسا و بزرگان و سلاطین روی زمین را در شرق و غرب مخاطب قرارداده اند بطور عموم و علاوه بر این پادشاه عثمانی و وزرای آن مملکت و سلاطین مسیحی

ص ۹۱

و نمایندگان سیاسی فرانسه و ایران را که در اسلامبول پایتخت عثمانیان مقیم بوده اند و پس از آن مشایخ و حکام ایرانیان و مردم ساکن مدینه اسلامبول و فلاسفه جهان را هر یک بخطابی خاص مخاطب داشته اند و نیز در گاد پاسزبای بیانی به این مضمون میفرماید: (ص ۱۷۲) جمال قدم در سوره ملوک امرالله را به سلاطین و بزرگان عالم ابلاغ فرمودند و آنان را به اطاعت از دین الله دعوت نمودند حقانیت دعوت و امر مقدس حضرت باب را اثبات فرمودند و بزرگان و امرای عالم را از عدم اقبال به امر عظیم الهی سرزنش کرده و به آنها نصیحت فرموده اند که راه عدالت در پیش گیرند و به اصلاح امور همت گارند و از اختلاف ممانعت نمایند مصارف جنگ و ستیز را تقلیل دهند و از تجهیزات عسکریه بکاهند سپس شرحی از مصائب خود را بیان میفرماید و زمامداران را به رعایت حال فقرا متوجه میسازند و میفرماید اگر به نصیحت و پند و اندرز خالصانه الهی اهمیت ندهند و غفلت کنند عذاب

خداوند از جمیع جهات آنان را احاطه خواهد کرد قوله
تعالی :

ان لن تستنصحو بما انصحناكم في هذا الكتاب بلسان
بدیع مبین یاخذكم العذاب من كل الجهات ...

ص ۹۲

درباره ارتفاع امرالله و نزول نصرت الهی میفرماید قوله
تعالی :

انا كتبنا على نفسنا نرك في الملك وارتفاع امرنا
ولولن يتوجه اليك احد من السلاطين .
پادشاهان مسیحی رانیز در این لوح مبارک بواسطه
عدم توجه و اقبال به امرالله مورد سرزنش و ملامت قرار
داده میفرماید: قوله تعالی :

فاذا جاروح الحق ... ما توجهتم اليه وانتم
بلعب انفسكم لمن اللاعبين ... وكنتم في وادی الشهوات
لمن المتحيرين فوالله انتم وما عندكم ستفنى وترجعون
الى الله وتسلون عما اكتسبتم في ايامكم في مقرالذی
تحشرفيه الخلائق اجمعين .

همچنین در این لوح خطاب به سلطان عبدالعزیز میفرماید:
اسمع قول من .. كان على قسطاس حق مستقيم ...
وبه او نصيحت میفرماید که در امور بشخصه اقدام نماید
وبه وزیران بی لیاقت اعتماد نکند و به ثروت و شکوه
و شوکت دنیا مغرور نشود در هر کاری طریق اعتدال را در
پیش گیرد و در مناهج عدل قویم قدم بردارد و همچنین
در این لوح شرح مصائب و بلایا و سرگونی خود را از مدینه
کبیره به ادرنه و تسلیم و رضای خویش را در قبال اراده

ص ۹۳

خدا و اطاعت و انقیاد خود را از او امر سلطان و وزرا تشریح

فرموده و بیان کرده اند و در آخر مقال درباره او دعا فرموده اند که به عرفان حق و اجرای اوامر و احکام الهیه موفق شود.

و نیز در گادپاسزبای میفرمایند (ص ۱۷۵-۱۷۴) بیانی به این مضمون «قلم اعلی در سوره ملوک رفتار و کردار وزرای سلطان را مورد ملامت قرار داده و آنان را به ترک پیروی نفس وهوی و اطاعت از اوامر خدا نصیحت میکنند و آنان را انداز میفرمایند که بزودی جزای اعمال خود را خواهند دید و آنان را از ظلم و جور تحذیر و به عدل و انصاف ترغیب مینمایند و در پایان گفتار حقانیت امرالله و مظلومیت مظهر امر الهی را ثابت و مدلل میسازند در همین لوح منیع سفیر پاریس را که مقیم اسلامبول بود مخاطب ساخته اند میفرمایند که تو با سفیر ایران در مخالفت امر حضرت رحمن همداستان شدی فرمایش حضرت مسیح را که در انجیل وارد شده به او متذکر میشوند و میفرمایند که در نزد خدا و در پیشگاه عدالت الهی از اعمالی که مرتکب شده بازخواست خواهی شد و مسئول و مواخذ خواهی بود و میفرمایند مبدا رفتاری را که نسبت به من کردید با دیگری بنمائید. قوله تعالی :

ص ۹۴

ایاکم ان تفعلوا باحدکما فعلتم بنا و نیز در همین لوح منیع سفیر ایران را مخاطب قرار داده اند و خبث طینت و افکار نالایقه او را آشکار فرموده اند و بالاینهمه سوگند یاد فرموده اند که از او به هیچوجه بغض و کینه نی در دل ندارند بقوله تعالی :

فوالله لم یکن فی قلبی بغضک ولا بغض احد من الناس . و پس از آن خطاب به او میفرمایند لو تطلع بمفاعلت لتبکی علی نفسک و بعد میفرمایند که این

غفلت و بی خبری تو تا آخر عمر باقی خواهد ماند و بعد
 شرحی درباره گرفتاری های در طهران و عراق و بد
 جنسی و خبث نیت قونسول ایران در بغداد (میرزا بزرگ
 خان قزوینی) و همدستی و کمک سفیر با کنسول مزبور
 بیاناتی فرموده اند.

و در همین لوح جمالبارک مشایخ و روسای اهل سنت را
 در اسلامبول مخاطب قرار داده اند میفرمایند شما به
 واسطه اعراض از حق از حیات معنویه محروم هستید و
 غرور و نخوت شمارا از عرفان الهی بی نصیب کرده و آنان
 را به عظمت امرالله متذکر میدارند و میفرمایند که اگر
 پیشوایان وائمه شما در این روز خاضع بودند لایطوفن

حولی ولن یفارقنی فی کل عشی ویکور. "به مشایخ مدینه

ص ۹۵

کبیره میفرمایند که شما از عابدین اسمأهستید و طالب
 دنیا و ریاست میباشید و باین حال هیچ عملی از شما
 در پیشگاه قدس خداوندی مقبول نخواهد بود والا بان
 تجدد واعند هذاالعبدان انتم تشعرون ."
 حکمای مدینه کبیره وفلاسفه ارض در این لوح مبارک
 در آخر مخاطب قرار گرفته اند به آنها نصیحت میفرمایند
 که از علوم ظاهره دچار غرور نشوید و از بحر علم لایزالی
 خود را محروم مسازید. جمالقدم در این مقام حقیقت
 حکمت را تشریح میفرمایند و مراتب ایمان و اعمال حسنه
 و کردار پسندیده و اخلاق مرضیه رایان میکنند و به
 واسطه آنکه این نفوس از عرفان اصل و منبع حکمت و علم
 محروم مانده اند و او را نشناخته اند آنان را ملامت
 میفرمایند و به آنان خطاب میفرمایند که "اوصیکم فی آخر
 القول بان لا یتجاوزوا عن حدودالله ولاتتفتواالی قواعد
 الناس وعاداتهم "و همچنین در این لوح مبارک به ملا

مدینه خطاب فرموده اند بقوله تعالی :
 "انا ما نخاف منا حد الا الله وحده ... ولا نقول
 الا ما امرت وما نتبع الا الحق بحول الله وقوته."
 درباره غفلت و انهماک پیشوایان و روسا در شئون
 نفسانیه میفرمایند " فلما وردنا المدينة (اسلامبول) "

ص ۹۶

وجدنا رؤسائها كالاطفال الذين يجتمعون على الطين
 ليلعبوا به و ما وجدنا منهم من بالغ لنعلمه ما علمني الله "
 به مردم نصیحت میفرمایند که او امر الهی را اطاعت کنند
 و از عناد باحق و دوستان حق پرهیز نمایند سپس
 درباره حضرت سید الشهدا و مصائب و مظلومیت آن بزرگوار
 آیاتی میفرمایند و مقامات عالیه آن حضرت راستایش
 مینمایند و از درگاه خداوند فوز به چنین مقام شهادت
 و فداکاری را در سبیل الهی مسئلت مینمایند و میفرمایند
 بزودی نفوس مخلصه فداکار مبعوث خواهند شد که
 بیاد بلا یا و مصائب حق در این ایام بیفتند و برای
 احقاق حق مظلومان قیام نمایند و سپس بنفوس غافل
 تأکید میفرمایند که آیات الهیه را با گوش جان بشنوند
 و بسوی خدا توبه و انابه نمایند ملائعجام رانیز در
 این لوح مخاطب فرموده و نصیحت مینمایند بقوله تعالی :
 "اعلموا یا ملاء الاعجام بانکم لو تقتلوننی یقوم الله احدا
 مقامی ... اتریدون ان تطفئوا نوراله فی ارضه ابی الله
 الا ان یتم نوره ولو اتم تکروهه فی انفسکم ..."
 (ص ۱۷۴-۱۷۵)

ص ۹۷

بديع کتاب - ۹

این لوح در سال ۱۲۸۳ ق.ه در ادرنه بعد از فصل رهیب اکبر در جواب شبهات یکی از معرضین بیان که مقیم اسلا مبول بود از لسان اطهر بنام آقا محمد علی تنباکو فروش اصفهانی نازل شده . حضرت ولی امر الله در فصل ادرنه و وقایع آن در کتاب قرن بدیع ص ۱۷۲ بیانی به این مضمون میفرماید:

"از جمله آثار مهمه صادره از قلم جمال مبارک کتاب بدیع است که در رد مفتریات و اعتراضات میرزا مهدی رشتی و جواب اعتراضات اهل بیان نازل شده و مانند کتاب ایقان که در اثبات دعوت الهیه حضرت باب از قلم مبارک نازل شده دارای اهمیت و مقام عظیم است .

۱۰ - لوح اول ناپلئون سوم

در گاد پاسزبای ص ۱ باین مضمون بیانی فرموده اند "دیگر لوح اول امپراطور فرانسه ناپلئون سوم است که در آن لوح مبارک اظهارات و بیانات امپراطور را در مقام آزمایش در آورده اند و در صفحه ۱۷۳ باین مضمون

ص ۹۸

میفرماید:

"لوحی مخصوص ناپلئون سوم امپراطور فرانسه در ادرنه از قلم مبارک نازل شده و بواسطه سفیر آن دولت برای ناپلئون ارسال گردید در آن لوح فرموده اند که در محاربه روس ما شنیدیم تو گفته ای که مظلومان را حمایت میکنی و از حقوق بی پناهان دفاع مینمائی لهذا در مقام آزمایش برآمدیم و به او خطاب نمودیم که مظهر حق و اولیای او بانهایت مظلومیت دچار ستمکاران هستند وقت آن است که به قول خود وفا کنی و از این مظلومان دفاع کنی و آنان را از چنگال ظالمین برهانی... انتهی

لوح اول ناپلئون سوم درسال ۱۲۸۳ ق.ه
 مساوی با ۱۸۶۶ میلادی درادرنه نازل شده حضرت
 ولی امرالله درتوقیع منیع روزموعودفرارسید درباره
 ناپلئون سوم والواح منیعه صادره ازقلم اعلی خطاب
 به اویبانی مفصل فرموده اند و دراینجا مجمل و خلاصه ای
 کوتاه ازمضمون فرموده مبارک رانقل میکنیم (ص ۵۴ بیعد)
 درزمانی که حضرت به‌الله درادرنه خطاب به ملوک وسلاطین
 جهان سوره ملوک رانازل و ابلاغ فرمودندازهمه سلاطین
 روی زمین امپراطور فرانسه عظیمتر و مهم‌تر بود ناپلئون
 سوم پسرلویزیناپارت برادرناپلئون اول مهم‌ترین سلاطین

ص ۹۹

غرب محسوب میشد وپایتخت فرانسه مهم‌ترین عواصم اروپا
 شمرده شده و دربارفرانسه درخشانترین و پر ارایشترین
 دربارهای قرن هیجدهم بود وارث تاج و تخت ناپلئون
 کبیرابتدا درتصرف مقام سلطنت دچار شکست شد و
 مجبوربخروج ازفرانسه گردید و به آمریکا سفرکرد و پس
 ازگرفتاری خلاصی یافته به لندن عزیمت نمود تاآنکه
 به سال ۱۸۴۸ وسائ مراجعت اویه فرانسه فراهم آمد
 و بعداز وقایعی خود را بنام ناپلئون سوم امپراطورفرانسه
 خواند... زندانی عکا که بحکم سلطان عبدالعزیزمحبوس
 شده بودازپشت دیوارهای قشله عسکریه که درآن
 محبوس بود صدای خودرابه چنین مردمغروری مانند
 ناپلئون سوم رسانید و به اوخطاب فرموده که قوله تعالی
 "نشهدانه مایقظک النداء" (یعنی فریاد و
 فغان ترکهای که دربحراسود غرق شده بودند) بل
 الهوی لانابلوناک وجدناک فی معزل... ولو کنت صاحب
 الکلمة ما نبذت کتاب الله ورأظهرک (لوح اول ناپلئون
 سوم) اذارسل الیک من لدن عزیزحکیم... بمافعلت

تختلف الامور في مملكتك ويخرج الملك من كنفك جزاً عمك
 (لوح اول ناپلئون كه از قلم جمال قدم خطاب به ناپلئون
 نازل شده بود توسط يكي از وزراي فرنسه به امپراطور

ص ۱۰۰

داده شد حضرت به‌الله در لوح ابن الذئب در اين
 خصوص مي‌فرمايند قوله تعالى :
 "لوحى به او ارسال نموديم جواب نفرمودند (لوح اول)
 و بعد از ورود در سجن اعظم از وزير ايشان نامه و دستخطي
 رسيد اول آن به خط عجمي و آخر آن به خط خودشان
 مرقوم داشته بودند و اظهار عنایت فرموده بودند و مذکور
 داشتند كه نامه را حسب خواهش رساندم والى حين
 جوابي نفرموده اند و لكن به وزير مختار خودمان در عليه
 و قونسولوس آن اراضى سفارش نموديم هر مطلبى باشد
 اظهار فرمائيد اجرا مي‌گردد از اين بيان ايشان معلوم
 شد مقصود اين عبدراصلاح امور ظاهره دانسته اند..."
 حضرت به‌الله در لوح اول به او چنين فرمودند
 قوله تعالى :

"انا سمعنا منك كلمة تكلمت بها ؟؟ سألك ملك الروس
 عما قضى من حكم الغزا (جنگ كيمه)..."
 گویند وقتي كه لوح اول جمال قدم به ناپلئون
 سوم رسيد آن سلطان مغرور لوح الهى را دور انداخت
 و گفت "اگر اين شخص خداست من دو خدا هستم" ترجمه
 لوح ثانی نیز برای او ارسال شد حامل آن لوح در حين
 عبور از درب سجن آن را در كلاه خود پنهان كرد تا از گزند

ص ۱۰۱

سربازان محفوظ ماند و آن رابه قونسول فرانسه كه در
 عكا اقامت داشت تسليم نمود نبيل زرندي در تاريخ خود

میگوید این لوح به لغت فرانسه ترجمه شد و برای امپراتور
 فرستادند قونسول فرانسه در عکاپس از مشاهده ظهور
 اندازات الهیه در آن لوح درباره ناپلئون سوم به امر
 مبارک اقبال نمود آنچه را حضرت به‌الله در لوح دوم
 انداز فرموده بودند همه تحقق یافت و دستگاه امپراتوری
 ناپلئون بهم پیچیده شد در جنگ سدان در سال ۱۸۷۰
 دوره امپراتوری فرانسه خاتمه یافت و پس از انقلاب جمهوری
 اعلان شد ناپلئون سوم محبوس گردید و یگانه پسر
 ناپلئون سوم چند سال بعد در جنگ زولوس به قتل
 رسید... ویلهلم اول پادشاه پروس امپراتور آلمان
 گردید و در همان قصری که نماینده قدرت و یادگار عظمت
 دوران سلطنت لوئی چهاردهم بود تاج گذاری کرد آری
 دوره عظمت فرانسه و ناپلئون سوم خاتمه یافت ...
 در دائرة المعارف بریتانیا میگوید که ناپلئون سوم مسمی
 به چارلس فرزند هورتلس دختر ژوزفین زن مطلقه ناپلئون
 اول و لوئی بناپارت برادر ناپلئون اول بود چارلس به
 ناپلئون سوم مشهور شد مشارالیه ابتدا بریاست جمهور
 فرانسه منصوب شد و در دوم دسامبر ۱۸۵۲ خود را امپراتور

ص ۱۰۲

فرانسه نامید و در سال ۱۸۷۰ با پروس جنگ کرد و اسیر
 بیسمارک گردید و در نزدیک لندن در چیزل هورست
 محبوس شد و عاقبت در ۱۸۷۳ وفات یافت .

۱۱ - لوح سلطان ایران

این لوح در اردنه به سال ۱۲۸۴ ه . ق ۱۸۶۷ میلادی
 نازل شده و مخاطب آن ناصرالدین شاه قاجار است که
 پس از پدرش محمدشاه قاجار که نسبت به هیکل مبارک

حضرت رب اعلیٰ آن ظلم شدید را روا داشت و در سال ۱۲۶۴ ه . ق به مرض نقرس درگذشت بجای پدر به تخت سلطنت نشست و مظالم شدیده نسبت به مظهر امرالله مرتکب شد و بسیاری از احبای الهی را از دم تیغ و شمشیر گذرانید و پس از ۴۹ سال سلطنت در اوقاتی که میخواست جشن پنجاهمین سال پادشاهی خود را منعقد سازد به ضرب گلوله میرزا رضای کرمانی از پیروان سید جمال الدین افغانی درحرم حضرت عبدالعظیم که در ری زیارتگاه مسلمین است از پا درآمد بسال ۱۳۱۳ ه . ق و در همان جا مدفون شده.

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای صفحه ۱۷۳ - ۱۷۴

ص ۱۰۳

در فصل وقایع ادرنه درباره نزول لوح مبارک خطاب به مشارالیه بیانی به این مضمون میفرمایند. از قلم مبارک جمالقدم خطاب به ناصرالدین شاه لوحی نازل شد که از سایر الواح خطاب به سلاطین جهان مفصلتر است در این لوح منیع مصائب و بلیات وارده بر هیکل اطهر را به تفصیل بیان فرموده اند و متذکر شده اند که در حین توجه به عراق پس از خلاصی از حبس طهران بی گاهی وجود مبارک در محضر سلطان ثابت شد و او را سوگند میدهند که نسبت به مردم بعدل و انصاف رفتار کند و میفرمایند که من به اراده الهیه و مشیت ربانیه برای ابلاغ کلمة الله قیام نموده ام و از محبت خالصی که بتو دارم تورا نصیحت میکنم و در این لوح میفرمایند که من به یگانگی خداوند جهان و حقانیت انبیاء و مرسلین اقرار و اعتراف دارم و چند موضع به لسان مناجات درباره شاه دعا کرده اند و حسن رفتار و کردار خود را در عراق به او گوشزد فرموده اند و به

نفوذ و سرعت تقدم امرالله اشاره کرده اند نزاع و جدال و جنگ و ستیز را مذموم شمرده اند و از شاه ایران خواسته اند که برای اتمام حجت علمای عصر را مجتمع سازد تا در محضر آنان اتمام حجت فرمایند بقوله تعالی :

ص ۱۰۴

ایکاش رأی جهان آرای پادشاهی برآن قرار میگرفت که این عبد باعلمای عصرمجمع میشد و در حضور حضرت سلطان اتیان حجت و برهان مینموده. دراین لوح مبارک ذکر فرموده اند که چگونه پیشوایان دین دراین دور مبارک و در زمان ظهور حضرت مسیح و ظهور حضرت خاتم انبیاءچار غفلت شدند و به این بیان مبارک اشاره به مصائب و بلاهای وارده از طرف اعدا و مخالفین میفرمایند قوله تعالی :
 البته این بلایارا رحمت کبری از پس و این شدائد عظمی را رخا عظیم از عقب .
 مصائب وارده بر اهل بیت خود را با بلاهای نازله بر خاندان رسالت مقایسه وتشبیه میفرمایند و به بی وفائی دنیاو شون آن تصریح میکنند شهری را که بالاخره محل نفی وحبس حضرتش خواهد بود (عکا) توصیف میفرمایند و از عاقبت زشت وخرسان علما خبر میدهند و بالاخره تائید سلطان را از خدا مسئلت میکنند و دعا میفرمایند که خدا او را ناصر الامر و ناظرا الی عدله بدارد (ص ۱۷۴ - ۱۸۳)
 و نیز در صفحه ۱۷۲ گاد پاسزبای به این مضمون

بیانی فرموده اند که لوح دیگر خطاب به سلطان ایران

ص ۱۰۵

است که لوح مفصلی است و مخاطب آن ناصرالدین شاه

میباشد . در این لوح مبارک اصول تعالیم امرالله را
 تفصیل داده اند و برای اثبات حقانیت ظهور مبارک
 اقامه براهین و دلایل فرموده اند .
 حامل لوح سلطان ایران جوانی هفده ساله از اهل
 نیشابور خراسان بود که در سال ۱۲۸۶ ه . ق در عکا
 به حضور مبارک مشرف شد و مورد عنایات لاتیفی گردید
 و لوح سلطان را به او مرحمت فرمودند که به طهران
 برود و با دست خود لوح را به ناصرالدین شاه بدهد
 این جوان که در الواح مبارکه به بدیع ملقب شده مأموریت
 خود را به خوبی انجام داد و در همان حال در شکارگاه
 شاه به امر او به مقام شهادت کبری رسید .
 حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای صفحه ۱۹۹
 به این مضمون بیانی فرموده اند :
 از جمله شهیدان معروف امر مبارک آقابرگ خراسانی
 است که جمال قدم او را به لقب بدیع و نقر الشهدا
 سرافراز فرموده اند . نبیل زرنندی این جوان را تبلیغ
 کرد وی در سال دوم سیح (۱۲۸۶ ه . ق در سن
 هفده در قشله عسکریه به حضور جمال قدم مشرف شد بنا
 بآنچه در الواح مبارکه جمال مبارک نازل شده هیکل

ص ۱۰۶

مبارک در بدیع روح قدرت و اطمینان دمید و خلق
 جدید یافت بدیع با کمال انقطاع حامل لوح سلطان شد
 و پیاده و تنهابه طهران شتافت چهارماه در راه بود
 و سه روز در حال صیام و توجه گذرانید تا شاه را در
 شکارگاه از دور دید و عاقبت به حضور سلطان رسید و او را
 به خطاب یا سلطان قد جتک من سبا نبأ عظیم
 مخاطب ساخت شاه فرمان داد لوح را از او گرفتند و
 به علمای طهران دادند تا جوابی به آن بنویسند علماً

در جواب تعلق کردند و بدیع را محکوم به قتل ساختند حسب الامر شاه عوانان بدیع را سه شبانه روز شکنجه و آزار کردند و داغ و درفش نمودند و عاقبت با ضربه قنطاق تفنگ که بر سرش زدند او را به شهادت رسانیدند و بدنش را درگودالی افکنده بسنگ و خاک انباشتند شاه لوح مبارک را نزد سفیر خود به اسلامبول فرستاد تا آنرا برای وزیران خلیفه عثمانی بفرستد و به این وسیله وسائل جدیدی برای تشدید و گرفتاری و حبس جمال قدم فراهم آورد تا سه سال بعد از شهادت بدیع ذکر انقطاع و فداکاری او از قلم مبارک جمال مبارک در الواح مقدسه نازل میشد و هیکل مبارک فرموده اند که ذکر جانبازی و فداکاری بدیع ثمک الواح است. انتهی

ص ۱۰۷

حضرت ولی امرالله درلوح مبارک روزموعود رسید
 شرحی مفصل درباره سقوط قاجاریه و مظالم ناصرالدین شاه و عاقبت حال او بیان فرموده اند که از صفحه ۷۲ تا ۷۸ درلوح مزبور طبع هند میتوان یافت .
 ناصرالدین شاه پسر محمد شاه قاجار (متوفی در ۱۲۶۴ ه . ق) است مادر ناصرالدین شاه خواهر یحیی خان کرد بود تولد ناصرالدین شاه درسال ۱۲۴۵ ه . ق است و از سال ۱۲۶۴ ه . ق تا سال ۱۳۱۳ ه . ق تا سال (۱۸۴۸ - ۱۸۹۶) سلطنت کرد و در هفدهم ذی القعدة ۱۳۱۳ ه . ق در بقعه شاهزاده عبدالعظیم در ری بدست میرزا رضای کرمانی هدف گلوله شد و قبرش در جوار حضرت عبدالعظیم معروف است . در صفحه ۲۲۵ گادپاسزبای راجع به سقوط قاجاریه مفصلاً بیان فرموده اند.

غصن

سوره

-

۱۲

ازلواح صادره در ادرنه است . حضرت ولی امرالله در
گاد پاسربای (کتاب قرن بدیع) درفصل وقایع ادرنه
بیانی به این مضمون میفرمایند. درهمین اوقات بود که

ص ۱۰۸

سوره غصن ازقلم مقدس جمال قدم نازل گردیده جمال
مبارک دراین لوح مقدس مقام حضرت عبدالبهارا مشخص
فرموده اند و از آن وجود مبارک به القاب شامخه غصن
القدس و غصن الامر و ودیعةالله تعبیرنموده اند و میفرمایند
قوله تعالی :

انا قد بعثناه علی هیکل الانسان .. این مقام عظیم
که درباره حضرت عبدالبهارا درسوره غصن نازل شد
بعداً در کتاب اقدس و کتاب عهدی تائید و تأکید
شد (درصفحه ۱۷۷ انگلیسی)

سوره غصن بسیار مفصل است و به اعزاز میرزا
علی رضا مستوفی سبزواری که الواح بسیار به افتخارش
ازقلم جمال مبارک نازل شده است صادر گردیده مشارالیه
مستوفی خراسان در دوره ناصرالدین شاه بود برادرش
میرزا محمد رضای سبزواری وزیرخراسان هم بود و مقام
مهمی داشت و آثارخیریه او هنوز درراه بین سبزواری
و مشهد باقی است این دو برادر توسط جناب باب
الباب درخراسان به امر حضرت رب اعلی مومن و سپس
به ظهور مقدس جمال ابی مومن شدند میرزا محمد
رضا ملقب به مؤتمن السلطنه شباهتی به جمالقدم داشت
و درلوح او به این مطلب اشاره فرموده و او را به خطاب

ص ۱۰۹

مستطاباً یامن تشبه بهیقلی سر افراز داشته اند

میرزا علی رضا درجوار حرم حضرت رضا ع مدفون وقبرش معلوم است . جناب نبیل اکبرآقا محمد قاینی مشنوی مخصوصی خطاب به میرزا محمد رضای وزیر به رشته نظم کشیده است و نسخه آن در نزد اعقاب نبیل اکبر موجود است .

۱۳ - - - - - سورة رئیس

مقصود از رئیس به نص صریح حضرت عبداله‌ا در لوح خطاب به میرزا فضل الله بن بنان الملك شیرازی عالی پاشا صدر اعظم عبدالعزیز خلیفه عثمانی است . حضرت ولی امرالله در گاد پاسربای (کتاب قرن بدیع) صفحه ۱۷۲ بیانی به این مضمون میفرماید: سورة رئیس در قریه کاشانیه در طریق گالی پولی نزولش آغازشد و در گیاورکی اوی خاتمه یافت . آنتهی ونیز در گاد پاسربای میفرماید: درلوح رئیس خطاب به عالی پاشا صدر اعظم عثمانی چنین فرموده اند یارئیس اسمع ندالله الملك المهیمین القیوم انه ینادی بین الارض والسما... ولا یمنعه قباعک

ص ۱۱۰

ولانباح من فی حولک ولا جنود العالمین ... قدارتکتبت ما ینوح به محمد رسول الله فی الجنة العلیا... سوف تجد نفسک فی خسران مبین و اتحدت مع رئیس العجم فی ضری ... هل ظننت انک تقدر ان تطفئ النار التي اوقدهاالله فی الافاق لا و نفسه الحق لوکنت من العارفين بل بما فعلت زاد لهیبا واشتعالها سوف یحیط الارض ومن علیها سوف تبدل ارض السر وما دونها وتخرج من یدالملک وتظهر الزلازل ویرتفع العویل و یظهرالفساد فی الاقطار یا رئیس قد تجلینا

عليك مرة في جبل التيناؤ اخرى في الزيتاؤ في هذه
البقعة المباركة

دراين لوح منيع اشاره به عناد و مخالفت صاحبان اقتدار
دردوره مظاهر الهيه فرموده و رفتارناهنجارشاه ايران
را در دوره ظهور اسلام نسبت به رسول اکرم و رفتار فرعون
را با حضرت موسى و عناد نمروود را با حضرت ابراهيم
ذکر کرده و صريحاً ميفرمايند قد جاء الغلام ليحيى
العالم و يتخذ من على الارض . انتهى (ص ۱۷۴ انگليسي)
و نیز در گاد پاسز باى به اين مضمون بياني
ميفرمايند:

... و در همین هنگام (صدور فرمان نفی هيكل

ص ۱۱۱

مبارک از ادرنه) بعضی از احباب برای تشرف به محضر
مبارک وارد ادرنه شدند از جمله حاجی محمد اسمعيل
کاشانی بود که درلوح رئيس اورا ملقب به انيس فرموده اند
به عزم تشرف وارد ادرنه شد ولی موفق به تشرف نگردید
و ناچار به طرف گالی بولی عزيمت نمود... پس از ابلاغ
فرمان نفی صاحب منصب ترک موسوم به حسن افندی با عده
سرباز به امر حکومت ملتزم موکب مبارک شد و در روز ۲۲
ربيع الثاني ۱۲۸۵ ه . ق مطابق با ۱۲ اوت ۱۸۶۸ م
هيكل مبارک با عائله شريفه به جانب گاليبولی عزيمت
فرمودند چهار روز طول اين مسافرت بود منازل بين راه
اوزون کوپر و کاشانیه بود لوح مبارک رئيس درکاشانیه نازل
شد. انتهى (ص ۱۸۰ انگليسي)

درلوح منيع روز موعود رسيد حضرت ولی امرالله در
باره سقوط خلافت عثمانی و وقایع سفر هيكل مبارک به
مدینه کبیره و ادرنه و الواح مهمه نازله درآن نقاط به
تفصيل بيان فرموده اند و مطالعه آن سبب روح و ريحان

است

(روز موعود رسید چاپ هند)

ص ۱۱۲

سورة العباد

-

۱۴

در ادرنه (سجن بعید) نازل شده خطاب به سید مهدی دهجی که بعد از هجرت جمال قدم جل جلاله به اسلامبول و ادرنه از طرف هیکل مبارک در بغداد ماند و طرف مکاتبه و مخاطبه بود در این لوح آیاتی در باره سفره اسلامبول و توقف چهارماهه در آنجا و سپس سفر به ادرنه را بیان میفرمایند و اسامی عده از اصحاب را که در بغداد بوده اند مانند زین المقربین و آقا عبد الرسول قمی و غیرهما ذکر فرموده اند موضوع نمایندگی سید مهدی در بغداد و طرف مکاتبه بودنش در چند لوح که حین هجرت از بغداد به اسلامبول نازل شده است مذکور گردیده

آغاز سورة العباد این است قوله تعالى :
هذه سورة العباد قد نزلت بالحق من لدی الله العلی العظیم و انه تنزیل من لدن علیم حکیم .
بسم الله الابدع الابدع ... الى قوله تعالى و ظهر امره و علا برهانه و تمت حجته و کلت کلمته الى ان اشهر امرالله بین الخلائق اجمعین الى ان قطعنا الاسیال
و دخلنا المیادین کما انتم ستم من المهاجرین و فی کل

ص ۱۱۳

تلك الاماکن و الايام ما سترنا الامر و ما اجبناه بل
اظهرناه لطلوع الفجر عن افق صبح منیر الى ان وصلنا
الى البحرالذی ذکر اسمه فی الالواح ان انتم من

الشاهدين و ركبنا السفينة باسمنا ثم اجرناه على البحر
 باسمي العزيز المقتدر الجميل و حفظناه بقدرة من
 عندنا و حفظنا الذين ركبوا عليها الى ان وصلوا الى
 ساحله من مدينة التي اشتهر اسمها بينكم ان اتم من
 العالمين و كما فيها اربعة اشهر متواليات بما رقم في
 الواح عز حفيظ و في تلك الشهور ما راودنا احد من
 الذين هم كانوا فيمالا من اعلاهم و لا من اسفلهم و كان
 الله على ذلك شهيدو عليم وما ذهبنا الى احد و ما
 توجهنا الى نفس اظهار السلطنته الله و امره و ابلاغنا
 لقدرة الله و هيمنة الى ان تمت ميقات الوقوف و خرجنا
 عنها و قطعنا السبيل الى ان دخلنا في هذا السجن
 البعيد. (ادرنه) ... الخ
 سورة الذبح ١٥-

قوله تعالى :
 هذه سورة الذبح قد نزل من سما الامر للذي

ص ١١٤

سمينه بالذبح في ملكوت الاسما لعل يخلص وجهه لله
 رب العالمين هو الباقي البديع اقر الله على عرش العظمة
 و الجلال باني انا الله لا اله الا انا المهيمن القيوم .
 مخاطب اين لوح حاجي محمد اسمعيل ذبيح
 كاشاني است . قوله تعالى :
 ان يا ذبيح فارفع رأسك عن النوم ثم افتح اللسان
 بالبيان باسمي المقتدر المنان ... ان يا ذبيح تالله
 الحق ان الغلام قد وقع في جب البغضاً ليت يكون
 من سياره ؟؟ النصر لعل يخرج به الغلام و يستسضي
 وجوه اهل السموات و الارض ... الخ
 مفاد كلمات مباركه جميعا درباره معرضين اهل بيان است

و از قرائن در ادرنه نازل شده زیرا میفرمایند:
قوله تعالى ان ياذيبح قد ذبحت في كل حين في
عشرين من السنين و لا يعلم ذلك الا ربك العزيز المحبوب .
سورة الاحزان - ۱۶

در سبچن ادرنه نازل شده و ظاهراً مقصود از علی مخاطب
در آن میرزا علی سیاح مراغه ای است که خطاب یاسباح
بحرالمعانی و یا سباح الاحديه مخاطب شده ولی سباح

ص ۱۱۵

با یاً موحد است که به معنی شنا کننده است نه آنکه
سیاح با یاً مثناة باشد. در این لوح به تفصیل شرح
عناد یحیی و پیروانش در ادرنه نسبت به حق تعالی ذکر
شده است و این لوح را حق تعالی سورة الاحزان نامیده اند
و در آغاز لوح این بیان مبارک نازل شده. قوله تعالی :
هذه سورة الاحزان قد نزلت من لدى الرحمن
لذی توجه الى شطرالسبحان في هذاالزمان الذى كل
انقضوا عن ظل الله و رحمته و اتخذوا الشيطان لانفسهم
معيناً. انتهى
۱۷- رضوان الاقرار

هذا رضوان الاقرار قد نزل من اللهمالمهيمن القيوم .
بسم الله الاقدس الامنع الابهى اقرالله بذاته لذاته بانه
لا اله الا هو له الحق و الامر و كل له خاضعون ...
از ابتدای لوح در باره عظمت مقام مظهر امرالله
و نصیحت عباد بیانات مفصله فرموده اند.
مخاطب لوح محمد علی است که گاهی هم او را نبیل
خطاب کرده اند و شکایت از مغرضین و مغرضین بیان

و به فروع مانند حرمت شرب دخان و خوردن پياز
پرداخته اند :

ان الذى اعرض عن الله و استكبر بآياته يهين
الناس عن اكل البصل و شرب الدخان قل فانصف يا عبد
ارتكاب هذين اعظم عند الله ام اعراضك عن اله الذى
خلقك بقول من عنده ...

مخاطب لوح را گاهى هم محمد فرموده اند:

ان يا نبيل انا جعلناك نفحه من نفحات الامر ...

ان يا محمد قم على امر الله و دينه .

و در مقامى هم رضى الروح را مخاطب فرموده اند

و به نبيل ميفرمايند:

انك ان رايت رضى الروح ذكره بما ورد على الغلام ...

و بعد خطاب مفصل برضى الروح فرموده اند . و مقصود

از نبيل همان نبيل زرندى است و اين لوح در ادرنه نازل

شده . زيرا ميفرمايند به نبيل به عراق كه رفتى به كلیم

چنين و چنان بگو و جناب كلیم در ايام ادرنه كه مخالفت

يحيى به اعلى درجه رسيد از ادرنه سفر كرد و عاقبت

جمال قدم نبيل زرندى را دنبال او فرستادند و مراجعت

كرد شرح اين داستان را نبيل زرندى در مثنوى وصل

و هجران به رشته نظم آورده . باری ميفرمايند درهمين

لوح مبارك قوله تعالى :

و انك انت يا محمد اذ وردت ارض العراق و حضرت

بين یدی الکلیم فاطهر له قیص الغلام بما ورد علیه

من اخيه (يحيى) ليطلع بما ورد على سلطان القدم

من الذى رفع اسمه بامر من لدنه (يحيى) كذلك نزل

بالحق من جبروت اسم قديم ان يا كلیم قم على الامر

ثم انصر ربك و کن من الناصرين ...الخ
این لوح نسبتاً مفصل است .

ص ۱۱۸

الواح نازله در عکا

حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای انگلیسی صفحه
۲۰۵ میفرمایند :

الواح مبارکه نازله در عکا را با دقت کامل که ملاحظه کنیم میتوان آن را به سه قسمت منقسم نمود . اول الواح مبارکی که شامل تبلیغ امرالله و ابلاغ کلمة الله صادر شده و در حقیقت دنباله و متمم آثار مبارکه نازله در ادرنه است .

دوم الواحی که متضمن احکام و شامل تعالیم مقدسه امر اعظم است که بیشتر آن احکام در کتاب اقدس نازل شده .

سوم متضمن اصول و مبادی امرالله و همچنین تشریح و تبیین همان اصول و مبادی مقدسه را متضمن است .
در این مقاله الواح مهمه مبارکه نازله در عکا که حضرت ولی امرالله فهرست فرموده اند یکایک مورد بحث قرار میگیرد و در اطراف هر یک مسائل مربوطه لازمه را که

ص ۱۱۹

از بیانات مبارکه استخراج شده است مینگارد:

قسمت اول - الواح و ملوک
الواح و نازله مشاهیر
در عکا جهان

حضرت ولی امرالله در لوح منیع گاد پاسز بای صفحه
 ۲۱۶ بیانی به این مضمون میفرمایند :
 بشهادت تاریخ در ازمنه سابقه هیچیک از شارعین
 ادیان این گونه ابلاغ عظیمی و دعوت خطیری از جمیع
 طبقات نموده اند فقط در دوره حضرت رسول نامه ای
 چند به عنوان دعوت به اسلام خطاب به بعضی از سلاطین
 و بزرگان معاصر آن حضرت ارسال شد که میتوان فی الجمله
 آنرا با خطابات مهیمنه عظیمه این ظهور اعظم مشابه
 دانست . جمال مبارک بنفسه المقدس در الواح مبارکه
 به عظمت این ابلاغ عمومی الهی تصریح فرموده اند از جمله
 میفرمایند از اول ابداع تا حال چنین تبلیغی جهره واقع
 نشده . و در لوح دیگری در باره اهمیت الواح ملوک
 که حضرت عبدالبهان را از معجزات و آیات عظیمه این
 ظهور مبارک فرموده اند این بیان مبارک از قلم حضرت
 رحمن نازل شده قوله تعالی :

ص ۱۲۰

مخصوص هرنفسی از رؤسای ارض لوحی مخصوص
 از سمأمشیت نازل وهر کدام به اسمی موسوم الاول بالصبیه
 و الثانی بالقارعه و الثالث بالحاقة و الرابع بالساهره
 و الخامس بالطامه و كذلك بالصاخة و الا زفة و الفزع الاکبر
 و الصور و الناقر و امثالها تا جمیع اهل ارض یقین
 نمایند و به بصر ظاهر و باطن مشاهده کنند که مالک
 اسماً در هر حال غالب بر کل بوده و خواهد بود . انتهى

۱ لوح ملک روس

در گاد پاسز بای صفحه ۲۰۷ به این مضمون
 میفرمایند:

در سجن اعظم از قلم جمالقدم لوحی منیع خطاب به الکساندر دوم امپراطور روسیه نازل شد که بعضی از بیانات الهیه در آن لوح مبارک اینست قوله تعالی :
 قد اتی الاب و الابن فی الوادی المقدس یقول لیبک اللهم لیبک... انی انا المذکور بلسان اشعیاء زین باسمی التورات والانجیل... قم بین الناس بهذا الامر المبرم ثم ادع الامم الی الله العزیز العظیم... ایاک ان - یحببک هویک عن التوجه الی ربک الرحمن الرحیم... قد

ص ۱۲۱

نصرنی احد سفرائک اذ کنت فی سجن الطأ تحت السلاسل و الا غلال بذلک کتب الله لک مقاما لم یحط به علم احد الا هوا یاک ان تبدل هذا المقام العظیم... و در توقع روز موعود فرارسید دربارہ ملک روس و لوحی که در بارہ او نازل شده مفصلا بیان فرموده اند (ص ۶۱ طبع هند) و در صفحه ۲۲۶ گاد پاسز بای نیز به عاقبت حال الکساندر دوم تصریح فرموده اند . الکساندر دوم (۱۸۱۸ - ۱۸۸۱) - مشار الیه بزرگترین فرزند نیکلای اول است درنهم آپریل ۱۸۱۸ - متولد شد و در روز سیزدهم مارچ ۱۸۸۱ بدست یکنفر نهلیست مقتول گشت وقتی که در یکی از خیابانهای بزرگ پترزبورک راه میرفت در نزدیکی قصر زمستانی به وسیله بمب کوچکی که یکی از نهلیست ها باو افکند مجروح شد و پس از چند ساعت وفات کرد . (دائرة المعارف بریتانیای کبیر

۲- لوح ثانی رئیس

در بارہ لوح اول رئیس در ضمن الواح نازله در ادرنه گفتگو کردیم و به شرحی که سابقا داده شد مقصود از رئیس

عالی پاشا صدر اعظم عبد العزیز خلیفه عثمانی است .
 حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بای بیانی به این مضمون
 در فصل وقایع عکا میفرمایند (ص ۲۰۷ انگلیسی) چون
 حضرت به‌الله وارد عکا شدند خطاب به عالی پاشا
 صدر اعظم عثمانی تویع دیگری نازل فرمودند و خبث
 طینت و ظلم و جور او را تشریح فرمودند. بقوله تعالی :
 ...بظلمک سعراسعیر وناح الروح ...لازال هر
 یک از مظاهر رحمانیه و مطالع عزسبحانیه که از عالم باقی
 به عرصه فانی برای احیای اموات قدم گذارده اند و تجلی
 فرموده اند امثال تو آن نفوس مقدسه را که اصلاح عالم
 منوط و مربوط به آن هیاکل احدیه بوده از اهل فساد
 دانسته اند . سپس شرحی در باره مصائب و الام وارده
 بر هیکل اقدس و احبای الهی و اهل بیت مبارک را ذکر
 فرموده و نزول عذاب و جزای اعمال وزراً و صدر اعظم را
 اخبار نموده اند بقوله تعالی :
 سوف یاخذکم بقهرمن عنده و يظهر الفساد بینکم و
 یختلف ممالکم .
 و سپس خطاب به عالی پاشا میفرمایند :
 اگر ملتفت میشدی و بنفحه از نفحات متצועه از شطر قدم
 فائز میگشتی جمیع آنچه در دست داری و به آن مسروری

میگذاشتی و در یکی از غرف مخروبه این سجن اعظم ساکن
 میشدی
 درلوح فؤاد نیز جمال مبارک به مرگ ناگهانی فؤاد پاشا
 وزیر امور خارجه عثمانی اشاره میفرمایند و به عالی پاشا
 نیز وعید میدهند بقوله تعالی . سوف نعزل الذی کان
 مثله (عالی پاشا) و ناخذ امیرهم (سلطان عبدالعزیز)

الذی یحکم علی البلا و انالغزیز الجبار .آنتهی
 در لوح مبارک روز موعود نیز شرح مفصلی درباره
 مظالم عالی وفوآد و عدوان عبدالغزیز و جزای اعمال
 آنان و عاقبت زشتی را که هریک بان مبتلا شدند ذکر فرموده اند
 و قسمت مهمی از لوح اول و ثانی رئیس را هم ذکر فرموده اند
 که برای اطلاع باید به آن لوح مبارک رجوع کرد و نیز به
 صفحه ۲۳۱ گاد پاسز بای مراجعه نمود
 عبدالغزیز خلیفه عثمانی پسر سلطان محمود ثانی
 است که در نهم فوریه ۱۸۳۰ متولد شد و در ۱۸۶۱ بعد
 از برادر خود عبدالمجید به سلطنت رسید و عاقبت در
 سی ام می ۱۸۷۶ معزول و محبوس شد و دو هفته بعد
 او را مرده یافتند.

ص ۱۲۴

۳- لوح پاپ

در صفحه ۲۰۹ گاد پاسز بای شرحی مفصل در باره
 پاپ کاتولیک پی نهم بیانی فرموده اند و قسمتی
 از لوح پاپ راهم که در عکا خطاب به او نازل شده ذکر
 فرموده اند در لوح روز موعود هم شرح حال او را ذکر
 کرده اند و خلاصه آن بیان مبارک را به فارسی در اینجا
 ذکر میکنم (این قسمت را جناب عبدالحسین بشیر الهی
 از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده اند) مضمون بیان مبارک
 در لوح روز موعود اینست :
 پاپ پی نهم نیز به ذلتی دچار گردید که هرچند بظاهر
 چندان نمایان نبود ولی در تاریخ مهمتر از ذلت
 ناپلئون سوم بشمار میرود .
 این پاپ که قبلاً اسمش کونت ماستای فراقی و اسقف
 ایمولا بود دوپست و پنجاه و چهارمین پاپی است که

به جانشینی پطرس انتخاب گردیده و دو سال پس از اعلان امر حضرت باب بر سریر روحانی پاپی جلوس نمود و دوره خلافت وی از تمام اسلافش طولانی تر بوده و همواره بجهت دو منشوری که صادر کرد ذکرش در تاریخ باقی خواهد ماند به این قرار که در سال ۱۸۵۴ اعلان کرد

ص ۱۲۵

کیفیت حامله شدن مریم عذرا یکی از اصول دیانت مسیح است و نیز در سال ۱۸۷۰ عقیده جدیدی طرح و اشاعه داد مشعر بر اینکه پاپها دارای مقام عصمت هستند این پاپ که طبعاً مستبدالرأی و در امور سیاسی مردی بی اطلاع و از سازش و توافق با رأی و نظر دیگران خائف و گریزان بود تصمیم شدید داشت مقام و اقتدار خود را حفظ کند ولی با اینکه توانست با احراز تسلط کامل مقام خویش را تحکیم و اقتدار روحانی خود را تقویت نماید معذک عاقبت الامر نتوانست وفرمانروائی دنیوی را که رؤسای کلیسای کاتولیک سالها در دست داشتند حفظ کند.

قدرت ظاهری پاپ در طی قرون بسیار محدود شده و در سالهای که در شرف زوال بود مشحون از حوادث و انقلابات سخت گردیده بود همچنانکه شمس ظهور حضرت بهاءالله متدرجاً بوسط السماء جلال و عظمت صعود میکرد بهمان قسم سایه های مذلت و زوال وارثین سلطنت پطرس مقدس را فرا میگرفت و لوح مبارک حضرت بهاءالله خطاب به پاپ پی نهم این زوال را تسریع میکرد چندانکه برای ثبوت این مطلب فقط یک نظر اجمالی به جریان اوضاع فلاکت بار آن سنوات کافی است ناپلئون اول پاپ را از املاکش

بیرون کرد و کنگره وینه مجدداً ریاست املاک را به او تفویض نمود که امور آن بدست اسقفها اداره گردد. فساد عمومی و بی نظمی و عجز از تأمین امنیت داخلی و تجدید مظالم تفتیش مذهبی در آن اوقات چنان بود که مورخی را بر آن داشت چنین بنویسد. هیچ گوشه ایتالیا و شاید اروپا به استثنای ترکیه مانند قلمرو پاپ گرفتار هرج و مرج اداری نیست. شهر رم از جهت صوری و معنوی هر دو خراب و ویران بود. بالاخره شورشهایی پیاپی شد که منجر به دخالت دولت اتریش گردید و پنج دولت معظم خواستار اصلاحات وسیعی شدند که پاپ وعده انجام آن را داد ولی از عهده اجرا بر نیامد دولت اتریش دوباره دخالت کرد ولی دولت فرانسه به مخالفت برخاست و آن دو دولت همچنان مراقب قلمرو پاپ بودند تا آنکه در سال ۱۸۳۸ هر دو عقب کشیدند و بار دیگر حکومت استبداد مطلق دربارپاپ تجدید گردید. اکنون کار بجائی رسیده بود که حتی بعضی اتباع خود پاپ با اقتدار ظاهری او مخالف بودند و مقدمات زوال قطعی آن را که بسال ۱۸۷۰ اتفاق افتاد فراهم کردند. اغتشاهای داخلی پاپ را مجبور کرد نیمه شب با لباس مبدل و بصورت یک کشیش فقیر از شهر

رم که در آن اعلان جمهوری شده بود فرار کند و پس از چندی شهر رم بار دیگر به وضع سیاسی سابق خود برگشت تاسیس سلطنت ایتالیا و سیاست بی ثبات ناپلئون سوم و شکست سدان و اعمال بی قاعده حکومت پاپ که در کنگره پاریس در پایان جنگ کریمه از طرف کلارندن به عنوان رسوائی اروپا قلمداد گردید همه اینها باعث شد که

زوال حکومت متزلزل پاپ بصورت قطعی در آید .
 پس از نزول لوح حضرت بهاءالله خطاب به پاپ پی نهم
 درسال ۱۸۷۰ ویکتور امانوئل اول پادشاه ایتالیا با
 حکومت پاپ به جنگ بر خاست و لشکریانش وارد رم شده
 آنرا تصرف کردند درشبی که شهر رم تصرف شد پاپ به
 لاتران رفته با وجود کبر سن و درحالی که اشک ازدیدگانش
 میبارید بازانوهای خمیده از پله مقدس بالارفت . روزبعد
 همین که شلیک توپ شروع شد امرکرد بیرق سفید بر فراز
 گنبد کلیسای سنت پیتر افراخته شود و با وجود آنکه ازهمه
 چیز ساقط شده بود باز ازشناسائی وضع انقلابی امتناع
 جسته مهاجمین به قلمرو و املاک خویش راتکفیر کرد و ویکتور
 امانوئل رابه عنوان پادشاه سارق و غافل از هرگونه
 مبادی دینی و مخالف هرگونه حق و ناقض هرگونه قانون
 طرد نمود. رم شهر جاودانی که بیست و پنج قرن درمجد

ص ۱۲۸

و عظمت زیسته و سلسله پاپها مدت ده قرن با حق بلا
 معارض بر آن حکومت کرده بودند بالاخره پایتخت سلطنت
 جدید مصداق ذلت و حقارتی گردید که حضرت بهاءالله
 پیشگوئی فرموده و زندانی واتیکان آن ذلت را برای خود
 خریده بود.
 وقایع نگاری که شرح حیات این پاپ را نگاشته چنین
 مینویسد :
 سنین اخیر زندگی پاپ کهنسال پر از آلام و محن بود
 علاوه بر ابتلائات جسمی اغلب از دیدن مناظر حزن آور
 بی حرمتی به دیانت در قلب رُم و آزار و شکنجه
 صاحبان مناصب دینی و ممانعت اسقفها و کشیشها از انجام
 وظائف مخصوصه شان رنج و عذاب میکشید هرگونه
 اقدامی که برای اصلاح وضع حاصل در ۱۸۷۰ به عمل

آمد بی نتیجه ماند اسقف پوزن برای جلب وساطت
 بیسمارک به نفع پاپ به ورسای رفت ولی مورد اعتناء قرار
 نگرفت بعداً یک حزب کاتولیک در آلمان تشکیل یافت
 تا به صدر اعظم آلمان فشار سیاسی وارد آورد ولی از
 آن هم نتیجه بدست نیامد و گویا مقدر بود آن قدرت عظیمه ای
 که به آن اشاره رفت سیر خود را به پیماید حتی اکنون
 پس از گذشتن متجاوز از نیم قرن بازگشت به اصلاح

ص ۱۲۹

سلطنت صوری آن سلطان مقتدری که به اسم او سلاطین
 می‌رزیدند و به سلطنت ظاهری و معنوی او سر تعظیم فرود
 می‌آوردند باعث شده که بیچارگی و درماندگی بیشتر
 نمایان گردد و این سلطنت صوری هم که در حقیقت محدود
 به شهر کوچک واتیکان است و حکومت رم را به اختیار یک
 دولت غیر دینی و گذشته بقیمت شناسائی بی قید و شرط
 دولت پادشاهی ایتالیا تمام شده است عهد نامه لاتران
 که ادعا میشود برای همیشه مسئله رم را حل کرده است
 درحقیقت آزادی عملی برای حکومت تامین کرده که جهت
 شهر محصور واتیکان مشحون از ابهام و خطرات است
 چندانکه یک نویسنده کاتولیک در باره آن مینویسد :
 دو قوه روحی شهر جاویدان (رم) فقط به خاطر آن
 از همدیگر جدا شدند که میان آنها مصادمات شدیدتری
 واقع گردد. انتهی

(لوح مبارک روز موعود فرار سیدص (۵۷)

در فصل وقایع عکا و در ضمن شرح عاقبت احوال دشمنان
 امرالله در کتاب قرن بدیع (گاد پاسز بای) حضرت ولی
 امرالله شرحی در باره پاپ پی نهم مرقوم فرموده اند

مراجعة فرمائید (صفحه ۲۰۹ انگلیسی) و نیز در صفحه

۲۳۷ گاد پاسزبای مراجعه فرمائید.
-۴ لوح پاسزبای ویکتوریا

در گاد پاسزبای به این مضمون میفرمایند:
در همان ایام لوحی عظیم به اعزاز ملکه ویکتوریا از قلم
اعلی نازل شده که بعضی از بیانات الهیه مندرجه در
آن لوح منیع اینست قوله تعالی : **يا ايها الملكة في**
لندن اسمعى نداء ربك مالک البریه ...ضعی ما علی
العرض ثم زینی رأس الملک باکلیل ذکر ربک الجلیل انه
قدأتی فی العالم بجده الاعظم و کل ما ذکر فی
الانجیل ...قد بلغنا انک منعت بیع الغلمان و الا ماء...
قد کتب الله لک جزاء ذلک ...ان تتبعی ما ارسل
الیک من لدن علیم خبیر...و سمعنا انک عودعت زمام
المشاورة به ایادی الجمهور نعم مافعلت ...ینبغی
لهم ان یكونوا امناء بین العباد...طوبی لمن یدخل
الجمع لوجه الله ویحکم بین الناس بالعدل الخالص ..

انتهی

و در توقع روز موعود در باره ملکه ویکتوریا شرحی مبسوط
بیان فرموده اند و قسمتی از لوح او را هم نقل کرده اند

از جمله بیانی به این مضمون فرموده اند^۱ روایت کرده اند
که چون ملکه انگلستان لوح مبارک را که به اعزاز او ارسال
شده بود خواند گفت اگر این دعوت از طرف خداست
پیشرفت خواهد کرد و اگر از طرف خدا نیست
بهبیچوجه ضرری وارد نخواهد آورد.
(روز موعود صفحه ۷۲ طبع هند)
ملکه ویکتوریا الکساندرینا (۱۸۱۹) - (۱۹۰۱)

یگانه فرزند ادوارد دوک کیت و چهارمین فرزند جرج سوم مادرش پرنسس ویکتوریاماری لویزاست این ملکه در ۲۴ روز ماه می سال ۱۸۱۹ در قصرکن سیتک تون بدنیا آمد در سال ۱۸۳۰ جورج چهارم وفات کرد و الکساندرینا ویکتوریا وارث تاج و تخت شد پس از مدت‌ها حکمرانی در عصر جمعه هیجدهم جانوری ۱۹۰۱ خبر بیماری او منتشر شد و در روز سه شنبه ۲۲ جانوری وفات یافت . جمیع دنیا از مرگ او متأثر و غمگین شدند. لوحی که به اعزاز او ازقلم جمالقدم نازل شده ضمیمه سوره مبارکه هیکل است. هیکل

سوره - ۵

حضرت ولی امرالله در فصل وقایع عکا بیانی به این مضمون

ص ۱۳۲

میفرماید جمال مبارک امر فرمودند مهمترین الواح نازله خطاب به سلاطین و ملوک به ضمیمه سوره مبارکه هیکل به شکل ستاره‌ای دارای پنج رکن و شبیه به هیکل انسانی است نوشته شود این امر مبارک مجری گردید و دریکی از الواح نازله به اعزاز مسیحیان میفرماید قد اهتزکوم الله من نسمة الوصال انه سمی بکامل ینادی قد اتی بانی الهیکل و مظهرالملل طوبی للزائرین .

(ص ۲۱۲-۲۱۳)

و نیز حضرت ولی امرالله درلوح منیعاً یوم المیعاداً به این مضمون میفرماید حضرت بهاءالله امر فرمودند که مهمترین الواحشان که به هریک از سلاطین منفرداً خطاب گردیده به شکل هیکل که کنایه از هیکل انسانی است نوشته شود و درخانمه کلمات ذیل که اهمیت این رسالات را واضح و ارتباط آنها را بانبوات عهد عتیق بطور مستقیم ثابت میدارد درج گردیده است قوله تعالی :

كذلك عمرنا الهيكل بايادی القدرة و الاقتدار ان كنتم
 تعلمون هذا الهيكل وعدتم به في الكتاب تقربوا الله هذا
 خير لكم ان كنتم تفقهون انصفوا اياماً الارض هذا خير
 امر الهيكل الذي بنى من الطين توجهوا لله كذلك امرتم
 من لدى الله المهيمن القيوم .. انتهى

ص ۱۳۳

بشارت تعمیر هیكل در عهد عتیق در باب سوم کتاب
 ملائکی نبی و نیز در کتاب زکریای نبی مذکور است .
 قسمت دوم - الواح نازله در عکا
 شامل حدود و احکام
 ۶- کتاب اقدس

در الواح جمالقدم از کتاب مستطاب اقدس به ام کتاب
 و فرات الرحمه و القاب منیعه دیگر تعبیر شده است .
 حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای صفحه ۲۱۳ درباره
 کتاب اقدس میفرماید باین مضمون که این لوح منیع
 گنجینه اوامر و حدودیست که اشعیای نبی و یوحنا در
 مکاشفات بشارت آن را داده اند و از آن لوح قویم به
 تعبیرات مختلفه آسمان جدید وزمین جدید وهیکل
 رب و مدینه مبارکه و عروس و اورشلیم جدید که از آسمان
 نازل میشود در کتب خود یاد کرده اند اوامر و احکام
 مندرجه در کتاب اقدس تامدت یک هزار سال باقی و برقرار

ص ۱۳۴

و سلطنت و نفوزش اقطار ارض را احاطه خواهد کرد و
 در این قرن الهی اعلی ثمره امرالله و ام کتاب دوره مقدسه
 الهی و اساس نظم بدیع خداوندی محسوب است
 جمال مبارک وقتی که به بیت عودی نهارتشریف بردند در

عین ابتلای به بلایا و مصائب نازله از اعدای خارج
و مدعیان داخل کتب اقدس از سماء قدرتشان بسال
۱۸۷۳ میلادی و ۱۲۸۷ هـ ق نازل گردیده. کتب
اقدس از حیث متانت و قطعیت و جامعیت نسبت به کتب
آسمانی قبل بی نظیر و عدیل است کتب تورات در ایام
شارع آسمانی آن مدون نگشت و رسائل انجیل نیز توسط
معدودی از پیروان مسیح تألیف شد شامل برخی بیانات
و دستوراتی است که به حضرت مسیح نسبت داده‌اند و در
عصر خود مسیح تنظیم و ترتیب نیافته. قرآن مجید با
آنکه قطعی الصدور از منبع رسالت و آیاتی است که بر
حضرت رسول بوحی الهی رسیده در مسئله مهمه خلافت
بکلی ساکت مانده و چیزی در این خصوص نفرموده است
اما کتب اقدس از اول تا آخر جمیعا از قلم مبارک شارع
مقدس نازل و مدون گشته و به علاوه احکام و حدود
الهیة مبین آیات و مرکز عهدی رانیز تعیین فرموده و تبیین
آیات رابه مرجع منصوص محول نموده اند و برای حفظ

ص ۱۳۵

وحدت و اثبات جامعیت امرالله مؤسسات لازمه را بیان
کرده اند...
حضرت ولی امرالله درباره مندرجات کتب اقدس به
تفصیل در گادپاسزبای ذکر فرموده اند و برای اطلاع
باید به اصل آن لوح منیع صفحه ۲۱۶-۲۱۳ مراجعه
فرمایند و در صفحه ۲۰۶ به این مضمون میفرمایند...
در تاریخ ترین ایام دوره زندان عکا در کتب اقدس
سلاطین و ملوک را مخاطب ساخته میفرمایند یا معشر
الملوک قد نزل الناموس الاکبر فی المنظر الانور... اتم
الممالیک قد ظهر الممالک باحسن الطراز... قوموا
علی خدمة المقصود الذی خلقکم بکلمة من عنده و جعلکم

مظاهر القدرة لما كان و ما يكون ... تالله لا نريد ان
تتصرف في ممالككم بل جئنا لتصرف القلوب ... دعوا
البيوت ثم اقبلوا الى الملكوت ... طوبى لملك قام على
نصرة امرى في مملكتى ... انه بمنزلة البصر للبشر ...
انما ننصحكم لوجه الله و نصبر كما صبرنا بما وردة علينا
منكم يامعشر السلاطين ... و در صفحه ٢٠٧ ميفر مايند
خطاب به ملوك أمريكا و رؤساي جمهور در كتاب اقدس
اين خطاب مبارك نازل ... زينوا هيكل الملك بطراز
العدل و التقى و رأسه باكليل ذكر ربكم فاطر السماء

ص ١٣٦

... قد ظهر الموعود ... اغتنمو يوم الله ... اجبروا
النسير يا ادى العدل و كسروا الصحيح الظالم بسياط
اوامر ربكم الامر الحكيم ... و در صفحه ٢٠٨ ميفر مايند
در كتاب اقدس خطاب به ويلهلم اول پادشاه پروس
و امپراطور ممالك متحده آلمان ميفر مايند ياملك برلين
اسمع النداء من هذا الهيكل المبين انه لا اله الا انا
الباقي الفرد القديم اياك ان يمنعك الغرور عن مطلع
الظهور ... اذ كرم من كان اعظم منك شأنًا و اكبر منك
مقاماً ... اخذته الذلة من كل الجهات الى ان رجع
الى التراب بخسران مبين ... يا شواطى نزالين
قد رأيتك مغطاة بالدماء بما بدل عليك سيف الجزاء ...
و نسمع حنين برلين ولوانها اليوم على عز مبين
درهمين لوح مبارك در صفحه ٢٠٨ مقام ديگر به فرانسوا
ژوزف امپراطور اتریش و وارث امپراطورى مقدس روم خطاب
ميفر مايند بقوله تعالى ياملك النسبة كان مطلع نور
الاحدية في سجن عكاذ قصدتا لمسجد الاقصى وردت
و ماسئت عنه بعد اذ رفع به كل بيت و فتح كل باب
منيف ... كما معك في كل الاحوال و وجدناك متمسكا

بالفرع غافلا عن الاصل ان ربك على ما قول شهيدا قد
اخذتنا الازمان بما رأينا تدور لاسمنا ولا تعرفنا

ص ۱۳۷

امام وجهك افتح البصر... و ترى النور المشرق من
هذا الافق اللميع .صفحة ۲۰۸ و در صفحه ۲۰۹ میفرماید
به این مضمون که جمال قدم خطاب به علماء و پیشوایان
ادیان مختلفه آیاتی نازل فرموده اند که برخی در کتاب
اقدس نازل و بعضی در سایر الواح مبارکه مندرج است
در آن آیات مبارکه خطاب به علمای ادیان امر اعظم
خویش را اظهار فرموده اند و آنان را دعوت کرده اند
و از غفلت و سهل انگاری علماء را تحذیر فرموده و به تقوی الله
نصیحت کرده اند. از جمله میفرماید قوله تعالیَّ یا معشر
العلماء خذوا اعنة الاقلام قدینطق القلم الاعلی بین
الارض والسماء...ضعوا الظنون والاهام متوجهین
الی افق قد اشرق منه نیر الایقان... لا تنزوا کتاب الله
بما عندکم من القواعد والعلوم انه لقسطاس الحق بین
الخلق... تبکی علیکم عین عنایتی لانکم ما عرفتم الذی
دعوتموه فی العشی والاشراق وفی کل اصیل ویکور...
هل یقدر احد منکم ان یستن معی فی میدان المکاشفة
والعرفان او یجول فی مضمار الحکمة والتبیان... انا
ما دخلنا المدارس و ما طالعنا المباحث اسمعوا ما یدعوکم
به هذا الامی الی الله الابدی... انا نخرقنا الازجاب
ایاکم عن تحجبوا الناس بحجاب آخر... ایاکم ان تكونوا

ص ۱۳۸

سبب الاختلاف فی الاطراف کما کنتم علة الاعراض فی
اول الامر... انصفوا بالله ولا تدعوا الحق بما
عندکم اقرئوا ما انزلنا بالحق... (ص ۲۰۹)

بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله درباره کتاب
 اقدس در توقیعات منیعه بسیار است و آنچه نقل شد
 نمونه ای بود که به ذکر آن در این مقاله اکتفا رفت .
 در کتاب اقدس به چند نفر از سلاطین معروف جهان
 مانند ویلهم اول و فرانسوا ژوزف و عبدالعزیز و عبدالحمید
 که از او به (بوم) تعبیر فرموده اند اشاره فرموده اند
 به شرحی که ذکر شد و به چند نفر از علماء معروف شیعه
 هم خصوصاً اشاره فرموده و اعراض و غفلت آنان را ذکر
 کرده اند مانند شیخ محمد حسن صاحب جواهر متوفی
 در ۱۲۸۶ ق.ه و حاج محمد کریم خان کرمانی رئیس
 شیخیه متوفی در ۱۲۸۸ ق.ه و نیزه ملا جعفر
 گندم پاک کن اصفهانی که به حضرت اعلی مؤمن شد
 و در سال ۱۲۶۵ ق.ه در قلعه شیخ طبرسی بشهادت
 رسید اشاره کرده اند از مظالم یحیی مطلع اعراض و سیئات
 سید محمد اصفهانی نیز شمه ای بیان فرموده اند و در آخر
 کتاب اقدس دو علامت بلوغ عالم را اشاره فرموده اند .
 کتاب اقدس بحری است مواج که از قدرت قدیمه جمالقدم

ص ۱۳۹

ظاهر شده است . ۷- الواح مهمه دیگر

پس از ذکر الواح نازله در عکا که حضرت ولی امر الله
آنرا به سه قسم منقسم فرموده بودند و شرح آن
گذشت

هیكل مبارك در گادپاسزبای در فصل وقایع عکا

الواح

مهمه دیگری را هم که در عکا نازل شده نام میبرند
که

به ترتیب در اینجا درباره هر یک بحث میشود.

لوح حکمت

| | | | | | | | | |
|----------|------------|----------|--------|--------|-------|---------|--------|-----------|
| از الواح | مهمه | نازله | از قلم | مقدس | جمال | قدم | است | و |
| حضرت | ولی | امر الله | نام | این | لوح | را | در ضمن | ذکر اسامی |
| وفهرست | آثار منیعه | الهیة | مرقوم | فرموده | اند | (ص ۲۱۹) | | |
| مطالب | مندرجه | در این | لوح | از | امهات | مسائل | عالیه | |

فلسفیه است. در این لوح راجع به کلمه الله که علت اصلیه ایجاد است و درباره آغاز خلقت و معرفت طبیعت و وحدانیت الهیه به تفصیل ذکر فرموده اند و نیز در این لوح بیان شده که جمیع فلاسفه و دانشمندان

ص ۱۴۰

بصیر در قدیم الایام معترف بوجود خالق قدیر و عظمت او بوده اند و در همه حال با حضرت متعال به مناجات و نیایش می پرداختند و شطری از مناجاتهای آنان را هم ذکر فرموده اند و نیز از اسامی چند تن از فلاسفه الهیون قدیم را از قبیل سقراط و افلاطون و ارسطو و مورخس و انباز قلس و غیرهم ذکر فرموده اند و سقراط را سید الفلاسفه لقب داده اند و میفرمایند که سقراط عارف به حقائق مستوره از ارباب بود و رمز اکسیر جسد جوانی را کشف کرده بود و از دنیا به قلیل قانع و در کوهی منزل داشت و خلق را به خداوند دعوت می فرمود از این قبیل مطالب مهمه در این لوح مبارک فراوان میتوان یافت این لوح به اعزاز جناب آقا محمد قاضی که از قلم جمال قدم به لقب نبیل اکبر سرافراز شده بود نازل گردیده و در سال ۱۲۹۰ ق. مطابق با ۱۸۷۴ میلادی که نبیل اکبر در حیفامشرف بود این لوح مبارک به اعزاز او نازل شد و او را در همین لوح به خطاب نبیل مفتخر فرمودند. حضرت عبدالبهاء در تذکره الوفاء شرح حال نبیل اکبر را مفصلاً مرقوم فرموده اند و نبیل زرنندی در شرح حال مشارالیه مثنوی مفصلی به رشته نظم آورده و جزئیات حالات او را ذکر کرده و در اینجا مختصری

ص ۱۴۱

از شرح حال او به اندازه گنجایش این صفحات به عرض

احباء میرسد.

مطابق تصریح نبیل زرنندی جناب آقا محمدقائنی پسر
مرحوم ملا احمدقائنی است. تولد آقا محمد در سال
۱۲۴۴ ه. ق (۱۸۲۸ م) در نوفرست (قاین اتفاق
افتاد و آقا محمد به تحصیل علوم متعارفه عصر خود
مشغول شد و به مقامی عالی رسید و فلسفه را در سبزوار
از مرحوم حکیم سبزواری حاج ملاهادی (۱۲۱۲-۱۲۹۱
ه. ق) که نامش از قلم الهی در لوح بسیط الحقیقه
نازل شده به خوبی فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات
خود به سامرا نزد شیخ مرتضی انصاری که اعلم فقهای
شیعه بود رفت و از شیخ اجازه اجتهاد گرفت و در مراجعت
به ایران آوازه امرالله راشنیدو در بغداد به حضور
جمال قدم مشرف شد مبلغ او اول دفعه در کربلا ملا
حسین رشتی بود پس از تشریف به حضور مبارک در بغداد
ایمانش تکمیل شد و مأمور سفر خراسان شد. حسب الامر
مبارک راه خراسان پیش گرفت و به قائن رفت و مورد
احترام عموم مردم و امیرقائن شد پس از مدتی رازش از
پرده بردافتاد و حاسدین از هرکار به آزارش پرداختند
امیرقائن او را به سختی بیازرد و یک جفت چکمه را پراز

ص ۱۴۲

ریگ کرده به گردن او انداختند و او را سر و پای
برهنه از شهر بیرون کردند و چند فرسخ پیاده او را
بردند و باتازیانه میزدند و عاقبت در نزدیک سیستان
در قلعه ای او را محبوس ساختند پس از چهل روز
امیرقائن به او فرمان داد که به مشهد برود و درقائن
نماند در مشهد تبلیغ میکرد علما به مخالفتش برخاستند
و حکومت مشهد او را بامأمورین به طهران فرستاد و او در
طهران به نشر نفعات رحمن پرداخت و همواره مورد

اذیت و آزار بود تا در سال ۱۲۹۰ ق.ه مطابق
 (۱۸۷۴ م) حسب اجازه هیکل اطهر به عکا مشرف
 شد و مورد عنایت گردید ولوح حکمت یاحکابه اعزاز
 او نازل شد و ملقب به نبیل اکبر گردید امیرقاین و
 معاندین آنچه املاک واثاث درقاین متعلق به نبیل
 اکبر بود همه را مصادره و تصرف کردند و او اعتنائی
 نکرد و پس از چندی حسب الامر مبارک به طهران سفر
 کرد و از سرحد آذربایجان وارد تبریز شد و مدتی
 در این شهر با کلاء (بدون عمامه که مخصوص اهل علم
 بود) به تبلیغ پرداخت و از آنجا به زنجان و قزوین
 و عاقبت به طهران وارد شد و در همه جا با احباء
 ملاقات میفرمود و به تبلیغ طالبین مشغول بود در طهران

ص ۱۴۳

شهرت یافت که فاضل قاینی از عکامراجعت کرده و مردم
 را فریب میدهد علمای سو فیاد وادینا بر آوردند و آن
 حضرت به طرف عشق آباد سفر فرموده و مدتی در آنجا
 تشریف داشت پس از آن عازم بخارا شد و جمعی را
 به زلال معرفت الله هدایت فرمود و عاقبت در روز نهم
 ذی الحجه سال ۱۰۳۹ ه. ق یعنی درست یک ماه
 بعد از صعود جمال قدم در بخارابه ملکوت ابری صعود
 فرمود و در بخارا مدفون گردید.
 آنچه تا اینجامر قوم شد از منوی نبیل زرنندی بود جناب
 میرزا حیدر علی اسکوی مبلغ امرالله علیه رحمت الله نوشته
 است که یک ماه قبل از صعود جمال قدم لوحی از قلم
 مبارک به اعزاز فاضل قاینی نبیل اکبر نازل شد که در آن
 فرموده بودند نبیلی امش علی اثر قدمی نبیل این
 اشاره را دریافت و فرمود صعود مبارک نزدیک است و منم
 بعد از هیکل مبارک صعود خواهم کرد یک ماه بعد در

ذیقعدہ ۱۳۰۹ ہ . ق (۱۸۹۲) جمال قدم صعود
 فرمودند ویک ماہ بعد ہم فاضل صعود فرمود.
 باری چندی از حضرت عبدالہیاء بہ محفل روحانی
 عشق آباد لوحی رسید کہ فوراً اقدام کنند و رسم جناب
 نبیل اکبر را از بخارا بہ گلستان جاوید عشق آباد منتقل

ص ۱۴۴

سازند. محفل روحانی فوراً اقدام کرد و با اجازہ حکومت
 رسم نبیل اکبر را بہ عشق آباد منتقل نمود. طوی
 نکشید کہ حکومت فرمان داد قبرستان بخارا را ویران
 کردند و خیابان آسفالتہ ایجاد نمودند و سرّ امر مرکز
 میثاق دربارہ انتقال رسم نبیل اکبر براہب آشکار
 گردید. از آثار نبیل اکبر چند مثنوی منظوم و اوراق -
 منشور است و از جملہ قصیدہ تائیدہ ایست مفصل کہ بہ سبک
 قصیدہ ابن فارض عارف مصری منظوم کردہ و بہ خط خود
 نبیل موجود است. علیہ رضوان اللہ .
 زیارت نامہ سید الشہدأ -۸

لوح مبارکی است در ذکر مقامات عالیہ و مراتب فاضلہ
 روحانیہ حضرت حسین بن علی بن ابی طالب امام سوم
 شیعیان و شرح مصائب و بیات وفداکاری و شہادت
 آن بزرگوار کہ بہ عنوان زیارت نامہ آن حضرت از قلم
 ابی نازل شدہ. این لوح مبارک را احبای الہی بہ
 دستور مبارک دریوم شہادت حضرت رب اعلی (بیست و
 ہشتم شعبان ۱۲۶۶ ہ . ق) تلاوت مینمایند.
 حضرت ولی امر اللہ این لوح مبارک را در فصل وقایع عکا

ص ۱۴۵

در ضمن الواح نازلہ در عکاسم بردہ اند (ص ۲۱۹)

پس از نزول کتاب اقدس ملا زین العابدین نجف آبادی
 ملقب به زین المقرین درباره برخی احکام کتاب با اجازه
 جمال قدم سؤالاتی عرض نمود و در جواب او بیانات
 مبارکه نازل شد و به رساله سؤال و جواب مشهور گردید.
 حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای در فصل وقایع عکا
 در ضمن ذکر آثار مهمه جمال قدم که در عکانازل شده
 نام این رساله رابه عنوان رساله سؤال و جواب ذکر
 فرموده اند (ص ۲۱۹)
 ۱۰- لوح برهان

این لوح از اهم آثار مبارکه است و به اهمیت آن در صفحه
 ۲۱۹ گادپاسزبای تصریح فرموده اند. لوح برهان
 در عکابه سال ۱۲۹۷ ه . ق بعد از شهادت سلطان
 الشهداء و محبوب الشهداء خطاب به ذئب و رقصانازل
 شد. حضرت ولی امرالله در گادپاسزبای بیانی به

ص ۱۴۶

این مضمون میفرمایند. شیخ محمدباقر که حضرت
 بهاءالله در لوح برهان او را ذئب نامیده اند و نیز او
 رابه جمله مثلک کمثل بقیة الشمس علی رؤس الجبال
 مخاطب داشته اند در نهایت بدبختی و مسکنت و ندامت
 و پشیمانی جان داد. محمدحسین ملقب به رقصاء که
 جمال قدم او را از ظالم ارض طف بی رحم تر و شیرتر
 نامیده اند در همان ایام از اصفهان تبعید و نفی گردید
 و از قریه ای به قریه ای پناه میجست و ناگهان به مرضی
 گرفتار شد که بدنش ؟؟؟ و بی عفتی داشت و
 رائحه کریه اش بدرجه ای بود که زن و دخترش نیز به او

نزدیک نمی شدند با این حال زاربرد و هیچکس از اهل محل جرأت نکرد او را به خاک بسپارد و عاقبت به واسطه چند نفر جمال مدفون گردید. (ص ۲۳۲-۲۳۳)

آیات نازله در لوح برهان همه انداز به عذاب و مشعر برهلاک ابدی و دوزخ هولناک برای ذئب و رقصاء است. و درالواح متعدده نیز مظالم این دونفس خبیث به تفصیل نازل شده است. مرگ رقصاء بسال ۱۲۹۸ ه . ق . دوسال بعد از شهادت نورین نیرین بود و ذئب در عتبات به سال ۱۳۰۱ ه . ق . ۱۸۸۵ م گنم و تیره روز وفات کرد.

ص ۱۴۷ - ۱۱ - لوح کرمل

لوحی است منیع که قریب دوسال قبل از صعود مبارک جمال قدم یعنی به سال ۱۸۹۰ م - ۱۳۰۷ ه . ق . در کوه کرمل که خیام عزت احدیه در آن جبل مقدس برافراشته بود از قلم منیع نازل گردید. حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریک در فصل وقایع عکابه این مضمون بیانی فرموده اند در همان سال (۱۸۹۰ م که ادوارد براون مشرف شد) خیام عز در صفح کوه کرمل کوه الله و کرم الله مقام ایلیانصب شده و خباء مجد در جبل مقدس که حضرت اشعیاء آنرا جبل الرب نام نهاده و اخبار کرده که جمیع امت هابه جانب آن توجه خواهند کرد منصوب شد. شهر حیف چهار دفعه به قدم هیکل مبارک مشرف شد و در دفعه آخری مدت سه ماه توقف فرمودند سر پرده عظمت در جوار دیر منصوب گردید و لوح کرمل که شامل اسرار الهیه و مبشرت‌تأسیسات بدیعه امریه است از لسان اطهر جاری گشت. انتهی (ص ۱۹۴)

در صفحه ۲۱۹ گاد پاسزبای نیز ذکر لوح کرمل را فرموده اند

محمدتقی آقانجفی
 شیخ مشهور به
 ۱۲- لوح اصفهانی

این لوح مبارک نیز از مهمترین آثار مقدسه این ظهور اعظم است و خطاب به شیخ محمدتقی مجتهد اصفهانی پسر شیخ باقر ذئب نازل شده و حجت الهیه بر او بالغ گردیده است. این لوح مبارک را حضرت ولی امر الله به انگلیسی ترجمه فرموده اند و قسمتی از لوح برهان نیز که خطاب به ذئب و رقصاء است در ضمن این لوح مندرج است. لوح ابن الذئب رایکی از احبای اصفهان بطور ناشناس بر سر سجاده شیخ محمدتقی ابن ذئب گذاشت و او بر حقیقت آن لوح مطلع شده. شیخ محمد تقی بقدری خونخوار و لدود در عداوت امر الله بود که در مجلس ظل السلطان حاکم اصفهان پسر ناصر الدین شاه قاجار و در محضر علمای اصفهان آستین های خود را بالا زد و فریاد کشید که من حاضرم با دستهای خود این دو سید بهائی را (سلطان الشهدا و محبوب الشهدا) به قتل برسانم. مراتب تزویر و ریاکاری و خبث طینت او بیرون از حد و حساب است و جمعی از احبای الهی مانند سلطان الشهدا و محبوب الشهدا و میرزا

اشرف آباده ای و ملا کاظم طائخونچه ای و حاجی حیدر و حاجی کلبعلی نجف آبادی و غیرهم به فتوای او و فرمان ظل السلطان به شهادت رسیدند. ابن الذئب در سال ۱۳۳۱ هـ ق مطابق ۱۹۱۵ م در اصفهان مرد و در چارسو مقصود اصفهان دفن شده. نام لوح ابن الذئب و نام شیخ محمدتقی ابن الذئب

را در صفحه ۲۱۹ گاد پاسزبای ذکر فرموده اند.
۱۳- لوح

این لوح مبارک در عکابسال ۱۲۹۰ هـ ق در یوم میلاد حضرت مبشر نوزده سال قبل از صعود مبارک نازل شد. حضرت ولی امر الله در گاد پاسزبای در فصل صعود جمال قدم جل کبریائه بیانی به این مضمون فرموده اند. پس از مصائب و بلائی که سراسر حیات هیکل مبارک را احاطه کرده بود آن روح مقدس از قیود آن شاداند و محن خلاصی یافت و به ممالک الاخری التي ما وقعت علیها عیون اهل الانشاء صعود فرمود و مطلبی را که نوزده سال قبل از صعود در لوح رؤیا فرموده بودند

تحقق یافت. مفاد این لوح در تجلیل و احترام روز تولد

ص ۱۵۰

حضرت نقطه اولی مبشر جمال قدم از قلم مقدس نازل شده بود و از لسان ورقه نوراً ملبس بیثاب بیضا از سما مشیتش نازل گردیده بود (ص ۲۲۱ گاد پاسزبای انگلیسی)
۱۴- کتاب عهدی

حضرت ولی امر الله درباره کتاب عهدی در بیانات مبارکه شرح مفصلی ذکر فرموده اند از جمله در گاد پاسزبای فصل اول قسمت سوم (فصل ۱۴) درباره کتاب عهدی بیانی مفصل فرموده اند که مضمون قسمتی از آن به قرار ذیل است... این میثاق محکم و عهد متین الهی همان است که در کتاب اقدس ذکر فرموده اند و وقتی که در دوران قریب صعود مبارک اهل حرم در آخرین وداع به بالین هیکل مبارک جمع شده بودند جمال قدم بدین عهد و میثاق اشاره فرمودند و نیز آن را در وصیت نامه

خود که به کتاب عهدی مشهور است درج نموده اند و کتاب عهدی رابه حضرت غصن اعظم بزرگترین فرزندان خود سپردند کتاب عهدی راجمال مبارک به خط مقدس خود مرقوم فرموده و به خاتم مبارک مهر کرده اند نه روز بعد از صعود با حضور نه نفر طائفین و منتسبین کتاب

ص ۱۵۱

عهدی مفتوح و قرائت شد و همان روز بعد از ظهر نیز در حضور اغصان وافنان و یاران الهی و زائین و طائفین در جوار روضه مبارکه تلاوت شد و همه بر مندرجات کتاب عهد الهی مطلع شدند کتاب عهدی را جمال قدم به القاب شامخه اکبر الواح و صحیفه حمراء که در لوح ابن ذئب نازل شده تعبیر فرموده اند. عظمت عهد و میثاق الهی به حدی است در هیچ دوری از ادوار شرایع سابقه و مظاهر مقدسه قبل حتی در آثار مبارکه حضرت رب اعلی شبیه و نظیر آن را نمیتوان یافت . حضرت عبدالبهاء درباره عظمت میثاق و عهد الهی میفرماید: از اول ابداع تایومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته نشده . و پس از نقل بیانات مبارکه وارده در الواح حضرت عبدالبهاء راجع به عهد و میثاق الهی درباره خلاصه مندرجات کتاب عهدی بیانی به این مضمون فرموده اند: ... در این لوح مبارک حضرت به الله میراث مرغوب لاعدل لهما که از برای وراثت باقی گذاشته اند تشریح فرموده اند و مقصود اصلی از انزال آیات و اظهار بیانات را بیان کرده اند مردم عالم رابه آنچه سبب ارتفاع مقامات آنهاست رهبری فرموده اند و اعمال گذشته رابه کلمه

مبارکه عفی الله عما سلف بخشوده و مشمول عفو قرارداده اند
 عظمت مقام انسان رایبان کرده اند و مقصود از تشریح
 مذهب الهی و ظهور مظاهر مقدسه را توضیح داده اند
 درباره سلاطین و ملوک روی زمین که از آنان به مظاهر
 قدرت و مطالع عزت و ثروت حق تعبیر فرموده اند دعا
 میفرمایند و حکومت ارض رابه آنان تفویض نموده و قلوب
 رابه خود اختصاص داده اند نزاع وجدال رانهی
 کرده اند و به مساعدت و نصرت مظاهر حکم و مطالع امر
 که به طراز عدل و انصاف مزین باشند تأکید کرده اند.
 اغصان سدره را مخاطب داشته اند بقوله تعالی یا
 اغصانی در وجود قوت عظیمه و قدرت کامله مکنون و مستور
 به او و جهت اتحاد او ناظر باشید اغصان و افنان
 و منتسبین را امر میفرمایند که طرا به غصن اعظم ناظر
 باشند و به صراحت بیان کرده اند که مقصود از من
 اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القدیماً که
 در کتاب اقدس نازل شده حضرت غصن الله الاعظم است
 درباره اغصان میفرمایند ما قدر الله لهم حقانی اموال
 الناس و حرم و آل الله و افنان و منتسبین را میفرمایند
 احترام کنید و جمیع رابه تقوی و معروف امر فرموده اند
 و به آنچه سبب ارتفاع مقام است سفارش فرموده اند و به

مردم خاطر نشان فرموده اند که اسباب نظم را سبب
 پریشانی نمائید و علت اتحاد را علت اختلاف مسازید
 و در پایان کتاب عهد جمیع مومنین را سفارش میکنند
 به اصلاح عالم و خدمت امم قیام کنند انتهی
 () ص ۲۳۸ انگلیسی ()
 قسمت سوم از الواح نازله در عکا

الواحی است که از قلم جمال قدم درباره اصول و مبادی
 روحانیه این امر اعظم نازل شده است. این الواح متعدّد
 و مفصل است و در آثار مبارکه حضرت ولی امر الله شرح
 و بسط آن مندرج در توفیق روز موعود شرحی مبسوط
 فرموده و نصوص مبارکه را ذکر کرده اند و از جمله در توفیق
 مبارک گاد پاسزبای در فصل وقایع عکا در مقامی به این
 مضمون بیان میفرمایند. (ص ۲۱۶) بعد از نزول کتاب
 اقدس که شامل احکام و حدود الهیه است الواح دیگری
 نیز در باره مبادی و اصول متعالیه امر اعظم از قلم جمال
 قدم نازل شده است و تبیین و تشریح برخی از احکام نازله
 از قبل نیز در این الواح ذکر شده در این قسمت از الواح
 اندازات و اشارات جدیدی از قلم اعلی صادر گردیده

ص ۱۵۴

و برخی از احکام هم که متمّم کتاب اقدس است در این
 الواح مندرج شده است. اّنتهی
 در همین گفتار هیکل مبارک بعضی از الواح مبارکه که جزو
 قسمت سوم الواح نازله در عکانام برده اند به قرار ذیل
 و به این مضمون میفرمایند. الواح اشراقات و اشارات
 و طرازات و تجلیات و کلمات فردوسیة ولوح اقدس ولوح
 دنیا و لوح مقصود از آثار مهمه ای است که در اواخر
 از قلم الهی صادر شده... و پس از این شرحی
 مفصل درباره مندرجات کلیه این الواح به طور عموم
 میفرمایند که باید به اصل توفیق مبارک گاد پاسزبای
 مراجعه شود. در اینجا الواح مبارکه مذکوره در بیان
 مبارک را یکایک و بنحواختصار مورد بحث قرار میدهم
 و مجملی درباره مندرجات خاصه هر لوح مینگاریم.
 اشراقات ۱- لوح

این لوح مبارک بسیار مفصل است در آغاز لوح شرحی درباره معنی عصمت کبری و معصوم بودن انبیاء و تجید از امانت و درستی میفرماید. مخاطب این لوح مبارک یکی از احباً موسوم به جلیل است و پس از مطالب مفصله

ص ۱۵۵

مزبوره چنین میفرماید قوله تعالی :

... رجال بیت عدل الهی باید در لیلی و ایام به آنچه از افق سماء قلم اعلی در تربیت عباد و تعمیر بلاد و حفظ نفوس و صیانت ناموس اشراق نموده ناظر باشند اشراق اول ... اهل ثروت و اصحاب عزت و قدرت باید حرمت دین رابه احسن مایمکن فی الابداع ملاحظه نمایند دین نوری است مبین و حصنی است متین ...

اشراق دوم جمیع رابه صلح اکبر که سبب اعظم است از برای حفظ بشر امر نمودیم ... اشراق سوم اجرای حدود است چه که سبب اول است از برای حیات عالم آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر مشورت و شفقت و خیمه نظم عالم به دوستون قائم مجازات و مکافات . اشراق چهارم جنود منصوره در این ظهور اعمال و اخلاق پسندیده است ... اشراق پنجم معرفت دول بر احوال ماء مورین و اعطاء مناسب به اندازه و مقدار ... اشراق ششم اتحاد و اتفاق عباد است ... اشراق هفتم قلم اعلی کل را وصیت میفرماید به تعلیم و تربیت اطفال ... اشراق هشتم امور ملت معلق است به رجال بیت عدل الهی ایشانند امناء الله بین عباد و مطالع الامر فی بلاده ...

ایشان ملهمند به الهامات غیبی الهی بر کل اطاعت

لازم ... اشراق نهم دین الله و مذهب الله محض
 اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قدم نازل
 گشته ... انتهی
 حکم جواز ربح نقود نیز در آخر همین لوح مبارک نازل
 شده است میفرماید قوله تعالی :
 قلم اعلی در تجدید آن توقف نموده حکمة من عنده
 و وسعة لعباده و نوصی اولیاء الله بالعدل و الانصاف ...
 ۲- لوح بشارات

این لوح مبارک شامل پانزده بشارت است در آغاز آن
 میفرماید قوله تعالی :
 هذا نداء الابهی الذی ارتفع من الافق الاعلی فی
 سجن عکاء هو المبین العلیم الخبیر حق شاهد و مظاهر
 اسماء و صفاتش گواه که مقصود از ارتفاع نداء و کلمه علیاء
 آنکه از کوشریان اذان امکان از قصص کاذبه مطهر شود
 و مستعد گردد از برای اصغاء کلمه طیبه مبارکه علیا که
 از خزانه علم فاطر سماء و خالق اسماء ظاهر گشته طوری
 للمنصفین یا اهل ارض بشارت اول که از ام الكتاب در این
 ظهور اعظم به جمیع اهل عالم عنایت شد محو حکم جهاد

است از کتاب ...
 بشارت دوم اذن داده شد احزاب عالم با یکدیگر به روح
 وریحان معاشرت نمایند ...
 بشارت سوم تعلیم السن مختلفه است ...
 بشارت چهارم هریک از حضرات ملوک و ققهم الله بر
 حفظ این حزب مظلوم قیام فرماید و اعانت نماید باید کل
 در محبت و خدمت او از یکدیگر سبقت گیرند ...

بشارت پنجم این حزب در مملکت هردولتی که ساکن شوند باید به امانت و صدق و صفا با آن دولت رفتار نمایند...
 بشارت ششم صلح اکبر است...
 بشارت هفتم زمام البسه و ترتیب لحن و اصلاح آن در قبضه اختیار عباد گذارده شد و لکن ایاکم یا قوم ان تجعلوا انفسکم ملعب الجاهلین...
 بشارت هشتم اعمال حضرات رهبه و خوریهای ملت حضرت مسیح علیه سلام الله و بهائت عندالله مذکور و لکن الیوم باید از انز و قصد فضائمانند...
 بشارت نهم باید عاصی در حالتی که از غیرالله خود را فارغ و آزاد مشاهده نماید طلب مغفرت و آمرزش کند...
 بشارت دهم حکم محو کتب راز زیر و الواح برداشتم بشارت یازدهم تحصیل علوم و فنون از هر قبیل جایز...

ص ۱۵۸

بشارت دوازدهم قد و جب علی کل واحد منکم الاشتغال بامر من الامور من الصنایع والاقتراف و امثالها...
 بشارت سیزدهم امور ملت معلق است به رجال بیت عدل الهی...
 بشارت چهاردهم شد در حال مخصوص زیارت اهل قبور لازم نه...
 بشارت پانزدهم اگرچه جمهوریت نفعش به عموم اهل عالم راجع و لکن شوکت سلطنت آیتی است از آیات الهی دوست نداریم مدن عالم از آن محروم ماند اگر بدترین این دو را جمع نمایند اجرشان عندالله عظیم است... الخ طرازات

۳- لوح مبارک

این لوح مبارک در آغاز با ذکر عظمت امرالله و سپس با مناجاتی ادامه مییابد تا آنکه خطاب حق به این بیان

مبارک متوجه مخاطب لوح میگردد قوله تعالی :
 یاایهاالشارب رحیق بیانی من کأس عرفانی امروز از
 حقیف سدره منتهی که در فردوس اعلی ازید قدرت مالک
 اسماء غرس شده این کلمات عالیات اصغاء گشت طراز اول
 و تجلی اول که از افق سماء ام الکتاب اشراق نموده در

ص ۱۵۹

معرفت انسان است به نفس خود و به آنچه سبب علو
 و دنو و ذلت و عزت و ثروت و فقر است بعد از تحقق
 وجود و بلوغ و ثروت لازم ...
 طراز دوم معاشرت با ادیان است با روح و ریحان ...
 طراز سوم فی الخلق انه احسن طراز الخلق من لدی
 الحق ...
 طراز چهارم فی الامانة انهاباب الاطمینان ...
 طراز پنجم در حفظ وصیانت مقامات عباد الله است ...
 طراز ششم دانائی از نعمت های بزرگ الهی است ...
 پس از این شرحی درباره ظلم و عناد مغرضین بیان
 و مطالب کاذبه ای که درجراید نوشته اند بیان فرموده
 و خطاب به هادی دولت آبادی که خود را وصی یحیی
 ازل میدانست مطالبی ذکر کرده اند و حجت را بر اهل
 بیان از هر جهت اجمال فرموده اند و لوح مبارک خاتمه
 مییابد.
 تجلیات مبارک لوح - ۴

مخاطب این لوح مبارک جناب استاد علی اکبر بنای
 یزدی است که نامش در آغاز لوح از قلم اعلی ذکر شده

ص ۱۶۰

مشاریه در سال ۱۳۲۱ ق.ه در واقعه انقلاب

یزد به فتوای علمای یزد و اقدام جلال الدوله پسر
 ظل السلطان باعده کثیری از احباب الهی بشهادت
 کبری فائز شد اصل این لوح مبارک به خط نزولی امروزه
 در نزد بازماندگان آن شهید مجید موجود است و این
 عبد آنرا در مشهد خراسان در منزل پسر شهید سعید
 زیارت کرد شرح شهادت استاد علی اکبر در تاریخ
 شهادی یزد تالیف حاجی محمد طاهر مالیری یزدی
 مسطور و عبرت آمیز است. ابتدای لوح خطبه ای است
 که در آثار عظیمه ظهور الله است و سپس خطاب به استاد
 میفرمایند: **علی اکبر**
 یا علی قبل اکبر انا سمعنا بذلك مرة بعد مرة... سپس
 اشاره به تشرف او به محضر مبارک فرموده اند بقوله تعالی
 شهد انک اقبلت و قطعت السبیل الی ان وردت و حضرت
 و سمعت نداء المظلوم...
 بعد درباره مفتریات معاندین و آثار عظیمه ظهور الله
 بیانی نازل شده و پس از آن میفرمایند قوله تعالی :
 تجلی اول که از آفتاب حقیقت اشراق نمود معرفت حق
 جل جلاله بوده و معرفت سلطان قدم حاصل نشود مگر
 به معرفت اسم اعظم...

ص ۱۶۱

تجلی دوم استقامت بر امر الله و حبه جل جلاله بوده
 و آن حاصل نشود مگر به معرفت کامل و معرفت کامل
 حاصل نشود مگر به اقرار به کلمه مبارکه **یفعل ما یشاء...**
 تجلی سوم علوم و فنون و صنایع است علم به منزله جناح
 است از برای وجود...
 تجلی چهارم در ذکر الوهیت و ربوبیت و امثال آنست
 اگر صاحب بصر در سدره مبارکه ظاهره و آثارش نظر
 نماید انها تغنیه عن دونها...

پس از آن شرحی درباره مغرضین بیان مییابد. فرموده‌اند لوح ولوح کلمات فردوسیہ - ۵

این لوح به اعزاز جناب میر زاحیدر علی اصفهانی نازل شده و در آغاز لوح خطاب به او فرموده‌اند قوله تعالی : یا حیدر قبل علی علیک ثناء الله و بهائے در ابتدای لوح مطالب مختلفی مانند سبب ارتفاع انسان واجتناب از اوهام و شرایط مبلغین و مناجات و شرح اعمال نالایقه برخی از نفوس و مضرات اختلاف و اوهام متصوفه اسلام و تقدیس ذات حق از این گونه اوهام و اشاره به گفتار حکیم

ص ۱۶۲

سبزواری و اندرز و نصیحت و امثالها ذکر فرموده اند میفرمایند: کلمة الله در ورق اول فردوس اعلی از قلم ابی مذکور و مسطور به راستی میگویم حفظ مبین و حصن متین از برای عموم اهل عالم خشية الله بوده ... کلمة الله در ورق دوم از فردوس اعلی قلم اعلی در این حین مظاهر قدرت و مشارق و اقتدار یعنی ملوک و سلاطین و رؤسا و امراء و علماء و عرفا را نصیحت میفرماید و بدین و بتمسک بان وصیت مینماید... کلمة الله در ورق سوم از فردوس اعلی یابن الانسان لوتکون ناظرا الی الفضل ضع ما ینفعک وخذ ما ینتفع به العباد و ان تکن ناظرا الی العدل اختر لدونک ماتختاره لنفسک ... کلمة الله در ورق چهارم از فردوس اعلی یا خبز الله از حق جل جلاله بطلبید مظاهر سطوت و قوت راز شر نفس وهوی حفظ فرماید...

کلمه الله در ورق پنجم از فردوس اعلی عطیه کبری و نعمت
 عظمی در رتبه اولی خرد بوده و هست ...
 کلمه الله در ورق ششم از فردوس اعلی سراج عباد داد
 است او را به بادهای مخالف؟؟؟ و اعتساف خاموش

ص ۱۶۳

منمائید...
 کلمه الله در ورق هفتم از فردوس اعلی ای دانایان امم از
 بیگانگی چشم بردارید و به یگانگی ناظر باشید...
 کلمه الله در ورق هشتم از فردوس اعلی دارالتعلیم باید
 درابتدا اولاد رابه شرایط دین تعلیم دهند... آنچه
 از حدودات در کتاب برحسب ظاهر نازل نشده باید
 امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پستیدند مجری
 دارند انه یلهمهم مایشاء... تکلم به دولسان مقدر
 شده باید جهد شود تابه یکی منتهی گردد وهمچنین
 خطوط عالم ...
 کلمه الله در ورق نهم از فردوس اعلی براستی میگویم
 هرامری از امور اعتدالش محبوب چون تجاوز نماید سبب
 ضرر گردد در تمدن اهل غرب ملاحظه نمائید که سبب
 اضطراب و وحشت اهل عالم شده و آلت جهنمیه به میان
 آمده ... اسباب عجیبه و غریبه در ارض موجود ولکن
 از افنده و عقول مستور و آن اسبابی است که قادر است
 بر تبدیل هوا ارض کلها و سمیت آن سبب هلاکت سبحان
 الله امر عجیبی مشاهده گشت برق یامثل آن مایع قائد
 است و به امر او حرکت مینماید...
 کلمه الله در ورق دهم از فردوس اعلی یا اهل ارض انزوا

ص ۱۶۴

و ریاضات شاقه بعزقبول فائزانه ...

پس از بیانی درباره انفاق مال بتشرف افنان و
 امین حقوق الله ونبیل ابن نبیل یعنی شیخ محمدعلی
 قزوینی پسر شیخ محمدنبیل قزوینی وتشرف ابن سمندر
 اشاره فرموده اند و سپس درباره اقوال موهومه معرضین
 بیان و اتمام حجت به آنان و ذکر عظمت ظهور موعود بیان
 به تفصیل آیات نازل فرموده اند و بلعن و عناد علماء
 شیعه بر منابر نسبت به امر الله ومتابعت هادی دولت
 آبادی از علمای شیعه وفداکاری وجانبازی جناب
 میرزا اشرف آبا ده ای در اصفهان که به فتوای ابن الذئب
 بشهادت رسید نیز اشاره فرموده اند ولوح مبارک ربا
 خطاب به اهل طار که از قرای نزدیک کاشان است خاتمه
 اند. داده

۶- لوح اقدس

این لوح در عکابه اعزاز قسیس فارس سوری نازل شده
 نبیل زرنندی در مشنوی خاصی شرح مسافرت هیکل اقدس
 ابری ربا عائله مبارکه واصحاب از ادرنه به عکا با
 ماء مورین دولت عثمانی و وقایع و جزئیات امورین راه را در

ص ۱۶۵

آن مشنوی ذکر کرده است مشارالیه در ضمن ایات خود
 فرموده که من از ادرنه به امر جمالقدم بطرف مصر سفر
 کردم و در آنجا به تفتین ومعاندت قونسول ایران گرفتار
 زندان شدم و پس از چندی مرا از مصر به زندان اسکندریه
 منتقل کردند در زندان اسکندریه با قسیس مسیحی که
 مردی عالم و با ذکاوت بود آشنا شدم و با اودر باره
 امر اعظم الهی مذاکره کردم پس از چند روز به امر مبارک
 تصدیق کرد و مملو از عشق وشور گشت در زندان با هم
 درباره امر مبارک وعظمت جمال قدم سخن میگفتم ناگهان

خبردار شدیم که جمال قدم وعائله مبارکه واصحاب
 به امر دولت عثمانی از ادرنه عزیمت فرموده وعنقریب با
 کشتی به اسکندریه خواهند رسید هر دو از شعف و سرور
 سر از پانمیشناختیم و باهم بالای بام زندان میرفتیم
 و بدریانظر میدوختیم شاید از رسیدن کشتی با خبر
 شویم قسیس که سرپاشعف ونشاط بودعریضه ای به عربی
 نوشت من نامه او را خواندم اشعه محبت وشعله های
 ایمان ازخلال کلمات وسطوران تابان بود قسیس نامه
 را توسط جوانی مسیحی که در زندان به دیدن اوآمده
 بود به ساحت اقدس فرستاد من به آن جوان نشانه میرزا
 آقاجان خادم الله را دادم وبه جوان گفتم که نامه را

ص ۱۶۶

بوسیله خادم به حضورمبارک تقدیم کند جوان نامه را
 تقدیم کرد و مورد عنایت واقع شد و جذبه عظمت هیکل
 مبارک تصدیق به امرالله کرد و بعدها مصدر خدمات
 گردید جمالقدم درهمان حین لوحی به اعزازنبیل نازل
 فرمودند و درآن لوح اظهارعنایت به قسیس فرمودند
 و لوح را به وسیله همان جوان ارسال فرمودند قسیس پس
 از خلاصی از زندان به تبلیغ مسیحیان پرداخت و خدمات
 شایانی کرد و جوان هم که نامش قسطنطین وشغلش
 ساعت سازی بود به تبلیغ پرداخت و دقیقه ای آرام نداشت
 ...جمال قدم درضمن لوحی راجع به این موضوع چنین
 میفرماید. قوله
 تعالی :

کظائرا فی هواءالاشتیاق الی ان وردنا فی
 شاطی البحرادن استوی بجزالاعظم علی الفلک وجرت
 علی البحرالابيض وصرنالی ان بلغنامقابل المدینة
 التی سمیت بالاسکندریه قد دخل علینا فتی من اهل الابن
 و حضر تلقاءالوجه بکتاب عربی مبین الذی کتبه احد من

اسقف النصارى وجدنا منه رائحة رحمة ربك العزيز العظيم .
 و در لوح دیگری که به اعزاز افنان یزد نازل شده
 شرح وصول عریضه کشیش مزبور را ذکر فرموده اند. قوله
 تعالی :

ص ۱۶۷

الی ان بلغنا مقابل مدينة من مدن الارض ... اذن
 حضر تلقاء الوجه احد من الذين نسبوا الی ابن بکاب
 ... الخ مبین
 حضرت ولی امر الله در فصل وقایع ادرنه داستان
 حبس نبیل را در مصر ذکر فرموده اند به این مضمون
 که قونسول ایران ... جناب نبیل را که از طرف حضرت
 بهاء الله از ادرنه برای تظلم و داد خواهی نزد خدیو
 مصر عازم آن دیار شده بود به زندان انداخت ...
 صورت عریضه قسیس را جمالقدم به خادم الله امر
 فرمودند که برای احبای ایران بفرستند و امروز متن آن
 عریضه موجود و نسخه آن مشهور است . آغاز لوح مبارک
 اقدس اینست قوله تعالی :

هذا لوح الاقدس نزل من الملكوت المقدس لمن
 اقبل الی قبلة العالم الذی اتی من سماء القدم بمجده
 الاعظم .

در این لوح پیروان مسیح را مخاطب قرار داده اند و
 بشارت ظهور موعود عظیم را به آنها میدهند و تحقق
 نبوات اشعیاء و مسیح و سایر بشارات کتب مقدسه را
 که درباره حضرت موعود است گوشزد میفرمایند و عظمت

امر الله را به الحان مختلفه بیان فرموده اند و قسیسان

ص ۱۶۸

ورهبانان مسیحی را مخاطب قرار داده و به امر الله

دعوت فرموده اند باری به شرحی که نوشتم در کشتی
 دربندراسکندریه پس از وصول عریضه قسیس به حضور
 مبارک در همان وقت لوحی به اعزازنبیل زرنندی نازل
 میشود و در آن نسبت به قسیس اظهار عنایت فرمودند
 و بعداً از عکا به اعزاز او لوح اقدس نازل شد.
 -۷- لوح دنیا

نزول این لوح در سال ۱۳۰۸ ق.ه بوده که به حکم
 دولت جناب ملاعلی اکبرایادی و جناب حاجی ابوالحسن
 اردکانی امین حقوق را در قزوین و بعداً در طهران
 محبوس ساختند و مخصوصاً جناب امین را عوانان برای
 آنکه پولی دریافت کنند خیلی زجر دادند و در عرض
 غذای معمولی برای او چند قطعه نان خشک جوین
 میاوردند و در میان سطلی که پراز آب کثیف ظرف شویی
 بود نانها را میریختند و مقداری هم روغن چراغ (روغن
 پیدانجیر) در آن میریختند و به امین میدادند این
 غذای او بود و هر روز او را کتک میزدند و زنجیر گردن
 او را به قدری کوتاه میکردند که به زنجیر پای او که در کند

ص ۱۶۹

و زنجیر بود می بستند که قامتش همانطور که نشسته بود
 بقدری خم میشد که فوق طاقت بود و او همه این مصائب
 را تحمل میفرمود و شکر جمال قدم را بجا میاورد در آن
 سال که ملاعلی اکبر و امین محبوس شدند این لوح
 مبارک نازل شد و در آغاز آن اشاره به محبوسیت آن دو
 نفر میفرمایند. بقوله تعالی:
 حمد و ثنا سلطان مبین رالایق و سزاست که
 بچنین متین را به حضور حضرت علی قبل اکبر و حضرت
 امین مزین فرمود و به انوار ایقان و استقامت و اطمینان

مزین داشت علیهما بهاء الله وبهاء من فی السموات و الارضین

سپس اظهار عنایت نسبت به ایادی امرالله فرموده واصحاب ایران را مخاطب قرار داده و بعد خطاب به افغان میفرمایند:

یا افغانی... خیمه امرالمهی عظیم است جمع احزاب عالم را فرا گرفته... بعد از آن نصایح و مواعظ فرموده اند و سفارش به حکمت کرده اند و به بشارات نازله در باره طهران ومظالم جلال الدوله حاکم یزد پسر ظل السلطان اشاره فرموده اند و در باره ایران و زمامداران بیانات مفصله فرموده و شطری از تعالیم

ص ۱۷۰

الهیة رایبان کرده اند و پنج امر مهم را که سبب اصلاح عالم است ذکر فرموده اند یعنی درباره بیت العدل اعظم و وحدت لسان ولزوم تمسک به اسباب محبت واتحاد و تأکید در اشتغال نفوس به کسب وصنعت و اهمیت موضوع زراعت بیانات مبارکه نازل شده و بعدا درباره نسخ برخی از احکام بیان اشاره فرموده اند و زمامداران ایران و علماء را به اهمیت مسئله مشورت متوجه ساخته اند و تعالیم لازمه اصلیه را که سبب عماریلاد و آسایش عباد است به تفصیل ذکر فرموده اند و از توجه به نفوس خادعه و فریبنده بر حذر داشته اند و درباره سید جمال الدین افغانی و فتنه و فساد و معاندتش درباره امراء اعظم و تأسیس جریده عروة الوثقی و سایر مطالب آیات مبارکه نازل فرموده اند و پس از مناجاتی که از قلم ابهی صادر شده درباره عظمت امرالله و ولایا و استقامت مظهر امرالله و نصیحت به افراد مؤمنین و تقدیر از مقام علمای راشدین و اظهار عنایت نسبت به اهل بهاء و اصحاب

سفینه حمراء لوح مبارک خاتمه مییابد. جناب حاج امین اردکانی همواره به خدمت امر مشغول و مورد عنایات جمال مبارک و مرکز میثاق و حضرت ولی امرالله بوده تا آنکه پس از کسالتی ممتد و زجر بسیار که از مرض تحمل

ص ۱۷۱

فرموده در سال ۱۳۰۷ ه. ش هفتم خرداد ماه در طهران صعود فرموده و در گلستان جاوید مدفون شد و تلگرافی از ساحت اقدس دربارہ او واصل گردید و جناب ملاعلی اکبرایادی شهمیرزادی هم که معروف به حاجی آخوند است خدمات بسیار کرد والواح بسیار دارد و - بالآخره در روز جمعه یازدهم صفر ۱۳۲۸ ه. ق مطابق ۲۵ فروری ۱۹۱۰ م صعود فرمود مدت حبس آنان دو سال در قزوین و یک سال هم در طهران بود که از قزوین آنان را محبوسا به طهران منتقل و محبوس ساختند. شرح حال مفصل ملاعلی اکبر و حاجی امین در تاریخ امرالله مسطور است

۸- لوح یوسف

لوحی است که به اعزاز سید یوسف اصفهانی نازل شده و این طور آغاز میشود:

ای یوسف حجتم بر کل من فی السموات والارض من قبل ان اعرف نفسی تمام بوده و بالغ شده چه که به ظهوراتی ظاهر و به شئون باهر که احدی را مجال

توقف و اعراض نه تفکر در امم قبل کن... الی قوله تعالی

ص ۱۷۲

ان عمل بما امرت ولا تکن من الصابرين والبهاء علیک و علی من معک ان تستقیم علی هذا الامر الاعظم العظیم .

۹ - لوح هفت پرش

به اعزاز پارسیان است و صورت این لوح مبارک در مجموعه الواح حضرت بهاء الله مطبوع در مصر موجود است و معروف و در دسترس احباست .
 ۱۰- لوح هرتیک

جمال قدم جل جلاله در لوح حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی درباره تحقق وعود قبل میفرماید قوله تعالی :
 در جمیع کتب ذکر ظهور در این ارض موعود است و همچنین در اطراف آن و جمعی هم از مالک اخری آمده و در اطراف این ارض مقدسه مبارکه ساکن شده اند و میگویند ظهور نزدیک است و ما آمده ایم تا به آن فائز شویم و ادراک نمائیم معذک در غفلت عظیم مشاهده میشوند رئیسشان چند سینه قبل اراده نمود به حضور

ص ۱۷۳

فائز شود و در ساحت اقدس این عرض مقبول نیفتاد و لکن لوح امانع اقدس مخصوص اونازل و در آن لوح ثبت شد آنچه که هر منصفی رانجات بخشد و هر قاصدی را به مقصود کشاند. معذک مصداق کلمه لایسه الالمطهرون ظاهر باری به قطره از بحر معانی آن فائز نشدند و هنوز منتظرند کما انتظر قوم قبلهم و معهم ... انتی در بیان مبارک اشاره به پیروان میلراست که از آلان جمعی به اراضی مقدسه رفتند و دیری بنا کردند در جبل کرم و منتظر رجعت و ظهور حضرت مسیح (ع) هستند و لوحی را که میفرماید خطاب به رئیسشان نازل شده همان لوح موسوم به هرتیک باشد که نام آن رئیس بوده

حضرت ولی امرالله جل سلطانه در رساله امر بهائی
در جز و قائمه الواح مهمه جمال قدم جل جلاله لوح هرتیک
را ذکر فرموده اند ولی نگارنده تاکنون این لوح را زیارت
نکرده است .

۱۱ - لوح نصیر

این لوح مبارک در مجموعه الواح حضرت بهاءالله طبع
مصر موجود است .

ص ۱۷۴

۱۲ - لوح مولود

عنوان این لوح مبارک این است :
بسم المولود الذی جعله الله مبشرا... الخ
صورت این لوح در ایام تسعه موجود است .

۱۳ - لوح مریم

از الواح مبارکه است که به اعزاز مریم دختر عمه هیکل
مبارک که در طهران میزیسته و زوجه حاج میرزا رضاقلی
حکیم برادر هیکل مبارک بوده است نازل شده و در ریحق
مختوم و در مائده آسمانی مندرج است .

۱۴ - لوح مانکچی

مانکچی سرپرست زردشتیان در ایران بود که از هند در
دوره ناصرالدین شاه به ایران آمد و در بغداد به
حضور مبارک جمال قدم مشرف شده این لوح به طبع
رسیده و در مجموعه الواح حضرت بهاءالله طبع مصر

مندرج است .

۱۵ - لوح کریم

در صفحه ۳۶۵ کتاب مبین خط زین المقربین از نشریات

لجنه نشر آثار این لوح مندرج است :

بسم الله الاقدس العلی الابهی ان یا کریم ...

ولوحی دیگر بنام کریم این است :

بنام خداوند یکتا

ای کریم انشاء الله به عنایت کریم در ظل سدره رب -

العالمین مستریح باشی وبه فیوضات منزله از سما

فضل فائز ذکرت لدی العرش بوده و خواهد بود ...

الی قوله تعالی :

بگوای احبای من شما طبای معنوی

بوده و هستید باید به حول وقوه الهیه به دریاق اسم

اعظم امراض باطنیه امم و رمد عیون اهل عالم را مداوا

نمائید ...

و پس از بیانات مفصله لوح مبارک این طور ختم میشود:

ای کریم وصایای الهیه را از برای هرنفسی ذکر

نمائید و تلاوت کنید که شاید بمارا الله عامل شوند

و ذکر من قبل من معک من کل اناث و ذکور قل لک

الحمد یا ربی العزیز المحبوب

انتهی

۱۶ - لوح قناع

در جواب شبهه حاجی کریم خان کرمانی است که به کلمه

قناع به یکی از احباء که نامه ای به او نگاشته بود و او را

تبلیغ به امر کرده بود ایراد گرفته بود و لوح مفصلی به

همین مناسبت خطاب به او نازل شده. این لوح از
امهات الواح مبارکه است و در مجموعه الواح حضرت
بهاءالله چاپ مصر مندرج است .
۱۷ - لوح عبدالوهاب

این لوح در عکابه افتخار ملا عبدالوهاب قوچانی نازل
شده و در جواب سؤال او از روح و بقای آن مفصلاً
بیانات فرموده اند. صورت این لوح در مجموعه الواح
حضرت بهاءالله طبع مصر مسطور و مندرج است .
۱۸ - لوح عاشق و معشوق

آغازین لوح مبارک ای بلبان الهی است که در
مجموعه الواح حضرت بهاءالله منطبعه در مصر در صفحه

ص ۱۷۷

۳۴۳ به بعد مندرج است .
حضرت ولی امرالله جل سلطانه در رساله آئین بهائی این
لوح مبارک را به نام مذکور در عنوان در فهرست الواح -
صادره از قلم مبارک جمال قدم جل جلاله ذکر فرموده اند
ولی بنام لوح گلزار الهی در بین احباب معروف است .
۱۹ - لوح طب

در عکا از قلم مبارک به اعزاز میرزا محمد رضای طبیب
یزدی نازل شده و در مجموعه الواح حضرت بهاءالله
طبع مصر به طبع رسیده است .
۲۰ - لوح شیخ فانی

از الواح نازله در عکاست و بسیار مفصل است و قسمتی از
آن را هیکل مبارک حضرت ولی امرالله جل ثنائیه بانگلیسی

ترجمه فرموده اند و آن قسمت به قرار ذیل است قوله
تعالی :

...موحد الیوم نفسی است که حق رامقدس
از اشباح و امثال ملاحظه نماید نه آنکه امثال و اشباح

ص ۱۷۸

را حق دارند مثلاً ملاحظه کن از صنایع صنعی ظاهر
میشود و از نقاش نقشی حال اگر گفته شود این صنعت
و نقش نفس صانع و نقاش است هذا کذب و رب العرش
والثری بلکه مدّند بر ظهور کمالیه صانع و نقاش ای شیخ
فانی معنی فنای از نفس و بقای بالله آن است که هر
نفسی خود را در جنب اراده حق فانی و لاشیئی محض
مشاهده نماید مثلاً اگر حق بفرماید افعّل کذا بتمام
همت و شوق و جذب قیام نماید نه آنکه از خود توهمی
کند و آن راحق بداند در دعای صوم نازل و لو یخرج
من فم ارادتک مخاطباً یا هم یا قوم صوموا حباً لجمالی
ولا تعلقه بالمیقات والحدود فو عزتک هم یصومون
ولایاً کلون الی ان یموتون اینست معنی فنا در این مقام
درست تفکر نمائید تا به سلسبیل حیوان که در کلمات
مالک امکان جاری و ساری است فائز شوید و شهادت
دهید به ابن که حق لم یزل منزّه از خلق بوده و خواهد
بود باید آن جناب بما اراد الله قیام نمایند و ما اراد الله
مانزل فی الالواح است به قسمی که بهیچ وجه از خود
اراده و مشیتی نداشته باشید اینست مقام توحید حقیقی
از خدا بخواهید در این مقام ثابت باشید و ناس را به
سلطان معلوم که به هیکل مخصوص ظاهر و به کلمات

ص ۱۷۹

مخصوصه ناطق است هدایت کنید اینست جوهر ایمان

وایقان نفوسی که به اوهام خود معتکف شده اند واسم
آن راباطن گذاشته فی الحقیقه عبده اصنام اند کذلک
شهد الرحمن فی الالواح انه لهو العلیم الحکیم .

انتهی

۲۱ - لوح اول ولوح دوم سلمان

سلمان لوح متعدّدہ دارد وشرح حالش در محاضرات
جلداول مندرج است . الواحش که به فارسی و عربی
نازل شده به طبع رسیده و در دسترس عموم احباء
است .

۲۲ - لوح السحاب

ازالواح جمال مبارک جل جلاله است و صورت آن در کتاب
مبین نسخه مطبوعه از خط زین المقربین صفحه ۱۴۹ به
بعد مندرج است به این عنوان :
بسم الله العلیم الحکیم هذا کتاب من
لدى الرحمن ...

ص ۱۸۰

۲۳ - لوح زین المقربین

از جمله الواحی که در سجن اعظم به اعزاز زین المقربین
نازل شده این لوح مبارک است که آغازش اینست . قوله
: تعالی

بسم الذى
ياايها الناظرالى وجهى والشارب كءس عنايةى وكوب
رحمتى وافضالى والساكن فى ظل عظمتى ...
این لوح بسیار مفصل است و به طبع نرسیده است
ولى لوح دیگری به افتخار زین المقربین نازل شده که

در صفحه ۳۳۷ مجموعه الواح طبع مصریه عنوان هو
 العزیز الباقی
 مسطور است.
 ۲۴ - لوح رسول

این لوح در کتاب مبین خط زین المقربین صفحه ۱۷۹
 مندرج است باین عنوان .الاقدس الاعلی رسولی
 لاتحزن

لوح مبارک دیگری نیز بنام لوح رسول از قلم مبارک نازل
 شده که آغازش اینست قوله تعالی :

ص ۱۸۱

انا الذی قد کنت مخزونا فی قباب الدنیا ان یا رسول
 اگر از شمس سماء معنی پرسی در کسوت حسد مکسوف
 ومغطوء و اگر از قریقای قدس خبر خواهی در خسوف
 بغضا محسوف و مقنوع و اگر از انجم فلک عمائی اطلاع
 طلبی در افول غل مافول و محبوب یک حسین و صد
 هزار شمراو قائم و یک خلیل و هزاران نمرود بر او
 محیط یک روح پاک و صد هزار قابض و یک حنجر و صد
 هزار خنجر در تمام عمر شبی نیاسودم و در جمیع
 ایام دمی نیارمیدم گاهی سرم را دیار دیداریه هدیه
 فرستادند و گاهی در هوایم بیاویختند وقتی مصاحبم
 سنان بود و وقتی مؤانسم خولی هر صباح که سراز فراش
 بر داشتم بلای جدیدی استقبال نمود و هر شام که در
 محفل وحدت جالس شدم عقوبتی رخ گشود نه در بلا یایم
 تأخیر و نه در عقوبتم تعویقی و معذک قیامم در مقابل
 اعدا چون شمس واضح بود و ظهورم در بین ملکوت و اهل
 آن چون قمر لائح و در آنی به حفظ جان نپرداختم و اقل
 من حین به آسایش روانم دل نبستم جان را انفاق سبیل
 محبوب نمودم و روانم را فدای مقصود...الی قوله

تعالی ... حال سلطان قدم اراده خروج ازین یاجوج نمود ولکن بعد از خروج هم معلوم نیست که از لدغ

ص ۱۸۲

ثعبان این جوهر رحمن محفوظ ماند چنانچه در هجرت اول این مطلب به وضوح آمد... (ازین بیان مبارک واضح است که محل نزول لوح رسول بغداد بوده است) باری این لوح همینطور ادامه دارد تا آنکه میفرمایند: باری این ایام ایامی است که چشم ابداع و بصراخترع شبه آن ندیده جهد نما تا از سبیل وهم و تقلید خارج شوی و به جبروت مشاهده و ملکوت مکاشفه وارد شوی چه که این ایام کل در سر گرفت مدهوشند الا من شأ ربک برخی سراب بقیعة را بحرا غمر دانند و ظلمت دیجور را صبح انور شمرند و بعضی به قطره فانی از کوثر باقی قانع و قناعت نموده اند اینست حال عباد و اطوارشان کذلک خلقنا النفوس اطوارا ای رسول اگر طیران در هوایم را خواهی از ملکوت سماوات و ارض و آنچه در این دو موجود است طیران نما تا در رضوان رضای صبحان وارد شوی فہنیثا للواردین ... ای مظهر جود من قدم استقامت مستقیم کن کہ اریاح نفاق از شرط شقاق در هبوط ... الی ... قولہ تعالی :

و کذلک قدرنا لک من قدرة التي اعطیناک علی ہیکل الکلمات فی هذا الكتاب ان تكون علی امر ربک لمن الراسخین والمستقیمین . انتہی

ص ۱۸۳

حسین لوح - ۲۵

این لوح مبارک باین بیان اقدس آغاز شده قولہ تعالی :

دوست باقی مادونش فانی ای حسین بذکرالله مأنوس
 شو و از مادونش غافل چه که ذکرش انیسی است بی
 نفاق ومونسی است باکمال وفاق ...الی قوله تعالی
 فطوبی له ولکم احباءالله را ازقبل این مظلوم ذکر
 برسانید. انتهی

این لوح را حضرت ولی امرالله جل ثنائه در رساله
 آئین بهائی بهمین نام (لوح حسین) ثبت فرموده اند
 لوح دیگری نیزبنام حسین صادرشده که درصفحه ۳۳۳
 کتاب مبین مطبوع واز روی خط زین المقربین مندرج است
 آغازش این است :
 بسم الله الامنع الاقدس ان یا حسین ...
 ۲۶ - لوح جمال

خطاب به جمال بروجردی در مجموعه معروف به اقتدارات
 و سایرکتب الواح مندرج است . مخفی مباد که جمال
 بروجردی به اعزازش در دوران ثبوتش بر امرالله الواح

ص ۱۸۴

بسیارنازل شده که ازصلوح متجاوزاست و در کتابخانه
 امری مشهد خراسان مجموعه ای است خطی باخطی
 زیبا و نسخ که الواح جمال منحصرآ درآن مندرج است .
 و نیزلوح دیگری از جمال درکتاب مبین مطبوع ازخط
 زین (ص ۲۵۲) باعنوان :
 بسم الله الامنع الاقدس الابهی ج ل اسمع ...
 مندرج است .
 ۲۷ - لوح توحید

این لوح مبارک درمجموعه منطبعه درمصرکه حاوی الواح
 جمال قدم جل جلاله است مندرج ومطبوع است واول آن

اینست
 ...محمد مقدس
 از عرفان
 لوح
 پسر عم
 ۲۸

مقصود جناب محمد حسن فرزند جناب میرزا زین العابدین
 یعنی پسر عم جمال قدم است این لوح در سجن اعظم
 نازل شده و خطاب به او در آغاز لوح میفرماید ای پسر

ص ۱۸۵

عم این لوح به طبع رسیده و در محاضرات جداول
 هم درباره پسر عم مزبور به تفصیل نوشته شده است
 البقاء لوح
 ۲۹

در کتاب مبین مطبوع از روی خط زین المقربین (ص ۲۱۸)
 با عنوان

بسم الله الاقدس الابهی هذا لوح البقاء...
 مندرج است
 لوح بسیط الحقیقة
 ۳۰

در جواب سؤال سائل درباره جمله بسیط الحقیقة کل
 الاشیاء در سجن اعظم نازل شده و در مجموعه اقتدارات
 وسایر مواضع به طبع رسیده است
 بسمله لوح
 ۳۱

لوحی است مصدریه بسمله در بیان مقصود از آفرینش
 که در صفحه ۲۷۶ مجموعه الواح حضرت بهاء الله طبع

ص ۱۸۶

مصر مندرج است

دعای شفای از امراض است و در ادعیه حضرت محبوب
 طبع مصر و کتاب تسبیح و تهلیل با اعراب موجود است .
 ۳۳ - لوح امواج

از الواح مشهوره نازله در عکاست و صورت آن در مجموعه
 الواح طبع مصر مندرج است .

۳۴ - لوح اشرف

لوح مبارکی است که باین عنوان شروع میشود:
 بنام خداوند عالم دانا رشحات الهام از اوراق
 سدره منتهی به اعانت نسیم آزاده مالک اسماء به صورت
 این کلمات ترشیح نمود... الخ
 در این لوح کل را امر به حکمت میفرماید و مقصود
 از اشرف جناب شهید در اصفهان اشرف معروف به

ص ۱۸۷

آباده ای است این نفس زکیه همراه ملا کاظم طالخونچه ای
 در اصفهان به فتوای ابن ذئب قبل از سلطان الشهداء
 و محبوب الشهداء به شهادت رسیده است و شرح
 شهادتش در کتاب مشاهد الفداء مندرج است .
 لوح دیگری نیز بنام اشرف موجود است که در
 مجموعه الواح حضرت بهاء الله جل جلاله طبع مصر به
 طبع رسیده است و در دسترس عموم میباشد .
 ۳۵ - لوح الاحباب
 از الواح جمال قدم است و صورت آن در کتاب مبین
 گراور از خط حضرت زین المقربین (ص ۹۶) به بعد

مندرج است و آغازش این است قوله تعالى :
 بسم الله الاقدس الابهى هذا كتاب من لدنا
 الى الذى اذا سمع النداء... انخ
 ۳۶ - لوح اتحاد

به اعزازيكي ازسادات خمس است . صورت اين لوح
 درادعيه حضرت محبوب طبع مصر مندرج و شرح نزول

ص ۱۸۸

آن در محاضرات جلد اول مسطور است .
 ۳۷ - لوح كتاب الصدق

عنوانش اين است :
 كتاب الصدق نزل بالحق من لدن عالم خير انه
 لرسول الصدق الى البلاد ليدكر الناس الى مقامه
 الرفيع ... و آخرش اين است :
 خافوا الله و لا تكونوا لا تخلصون
 ۳۸ - قداحترق الظالمين

در سين اعظم دردوره استنطاق نازل شده و درادعيه
 محبوب و كتاب تسبيح وتهليل مسطور است .
 ۳۹ - سورة الهجر

قوله تعالى :
 نزلنا بالحق ليظهر بها مظلومين بين الارضين
 والسموات هو الباقي باسمي في ملكوت الاعلى فسبحان

ص ۱۸۹

الذى خرق حجابات الممكنات بسلطانه و خلق السموات

بامرہ
 این لوح مبارک ہم درحین ہجرت و خروج از بغداد
 نازل شدہ و شرح سوز و گداز ہجران در آن ذکر شدہ
 و لهذا سورۃ الہجر نامیدہ شدہ است قولہ تعالیٰ :
 قل انہ یرید ان ینخرج من بینکم وحدہ ولم یکن
 معہ احد الا نفسه کذلک کان من اول الذی لا اول لہ
 الی آخر الذی لن یحصیہ کل من فی السموات والارضین
 قل ان کینونہ القدم یرید ان ینخرج من بین اعدائہ و
 احبائہ وبذلک یسرن المشرکون ویقطع اکباد الذین ہم
 استعرجوا الی مواقع القدس هذا المقام الذی فیہ یتضحی
 منظر اللہ المقدس العزیز المنیع قل انہ ولو ینخرج و؟؟
 و لکن ینکون معہ جنود العزائم اهل جبروت البقاء و ملکوت
 العماء ثم الذین ہم استجاروا خلف خبا القرب مقر
 هذا الاسم المبارک الذی منه افطرت سماء الاعراض وانشقت
 ارض الکفر ثم ارتفعت غمام الفضل ان اتم من الشاہدین
 قل ان معینہ زفراتہ وناصرہ عبراتہ وطعامی قطعات
 کبدی وشرابی رشحات دمی وانیسی اناملی ومصاحبی
 قلبی وظہری التوکل علی اللہ ربی ورب کل شیئی ورب
 العرش العظیم وحبیبی لجناتی ومعاشری نعماتی و مراقی

ص ۱۹۰

جمالی ان اتم من العارفین وبذلک تغلظت قلوب
 الامکان وتغلظت ارکان العرش وبکی تاهور القدس
 من مدامع حمر منیر... الخ
 مخاطب این لوح مبارک حسین است قولہ تعالیٰ :
 وانک انت یا حسین اسمع ندأسمیک (جمال مبارک)
 الذی ابتلی فی الارض بما کتسبت ایدی الظالمین
 من هولاء المغلین
 ۴۰ - سورہ وفا

از الواح مفصل نازل از قلم مبارک جمال قدم جل بهائے
است و قسمتی از آن به قرار ذیل است قوله تعالی :
و اما ماسئلت من العوالم فاعلم بان لله عوالم
لانهايه بما لانهايه بها و ما احاط بها احد الانفسه
العليم الحكيم تفكر في النوم وانه آية الاعظم بين الناس
لو يكون من المتفكرين مثلاً انك ترى في نومك امراً في
ليل تجده بعينه بعد سنة او سنتين او ازيد من ذلك
او اقل ولو يكون العالم الذي انت رايت فيه ماراًيت
هذا العالم الذي تكون فيه فيلزم مارايت في نومك يكون
موجوداً في هذا العالم في حين الذي تراه في النوم

ص ۱۹۱

و تكون من الشاهدين مع انك ترى امراً موجود الم يكن
في العالم ويظهر من بعد اذن حقق بان العالم
الذي انت رايت فيه مارايت يكون عالماً اخبر الذي لاله
اول ولا آخر وانك ان تقول هذا العالم في نفسك
و ينطوى فيها بامر من لدن عزيز قد يرحق ولو تقول
بان الروح لما تجرد عن العلايق في النوم سيره الله
في العالم الذي يكون مستورا في سر هذا العالم لحق
و ان الله عالم بعد عالم و خلق بعد خلق و قدر في
كل عالم ما لا يحصيه احد الا نفسي المحصى العليم
وانك فكر في ما القيناك لتعرف مراد الله ربك و رب
العالمين وفيه كنز اسرار الحكمة و انما فصلناه بحزن
الذي احاطني من الذين خلقوا بقولي ان اتم من
السامعين
انتهى

نداء

لوح

۴۱

مقصود لوح مبارکی است که امروزه نام لوح بشارات

معروف شده و نام دیگرین لوح مبارک لوح نداء و روح حیوان است . جمال . قدم جل جلاله در لوح مرحوم حاجی ابراهیم خلیل قزوینی خطاب به جناب امین اردکانی

ص ۱۹۲

میفرماید
 قوله تعالی :
 ...یا امین چندی قبل لوح امنع اعظم اکبر
 ابی که در مقامی بنده تعبیر شده و در مقامی دیگر
 به روح حیوان ورتبه اخری به بشارات آن لوح ارسال شد
 که آن جناب مع قائم بر خدمت علیه بهائی ملاحظه نمایند...
 حضرت ولی امر الله جل ثنائه در رساله آئین بهائی
 نام این لوح مبارک ک رابهمین اسم لوح نداء ثبت
 فرموده اند.

سورة القلم

۴۲

از الواح مخصوصه ایام رضوان است
 که در رساله تسبیح و تهلیل مندرج شده . در آغازین
 لوح منیع این جمله مسطور و نازل قوله تعالی :
 هذه سورة القلم قد نزلت من سماء القدم للذین
 هم الى شطر العرش ينظرون .

سورة فواد

۴۳

در کتاب مبین به طبع رسیده و در آن شرح هلاکت و وبال

ص ۱۹۳

حال فواد پشای معروف را که سبب حبس مبارک در
 سجن عکابود ذکر فرموده اند این لوح معروف به لوح
 ک . ظ است که به اعزاز شیخ کاظم سمندر قزوینی نازل
 شده است

قد نزلت من جبروت الرحمن بايات مهيمن مبرم قديم
هو الابدع الاقدس الابهى تلك آيات الله قد نزلت
بالحق من جبروت البقاء و جعلها الله حجة من عنده
و برهانا من لدنه على من في السموات والارض من يومئذ
الى يوم الذى فيه تنعدم رايات النفاق و يستضئ نير
الافاق عن مشرق اسمه الرحمن الرحيم... شرحى از
عظمت امر و مخالفت مخالفين بيان و مصائب وارده بر خود
كرده اند قوله تعالى :

قل ان ابن مريم صعد الى جبل الامر و غطاء
غمام القدس اذا شهد رشحات الدم على قيصه تحيرى
نفسه و سئل منه و كان من السافلين فاخبره الغمام

عما يرد على الغلام اذن صاح فى ذاته وانقطع عن العالم

ص ١٩٤

و ما فيه و صعد الى مقر القدس بين يدي الله ربه
و رب كلشئى و رب العالمين .
در ضمن اين لوح چون به مخاطب لوح فرموده اند كه
به احباى سلطان آباد (اراك امروز) پيام مبارك را ابلاغ
كنند اين لوح به لوح السلطان و سورة السلطان معروف
شده است . قوله تعالى :

انك اذا وردت ارضك مدينة التى سميت باسمى
السلطان بشر اهلها من الذين آمنوا بما حرك
عليهم قلم القدس من اصبع الله ليكون من المستبشرين
در ضمن لوح مبارك نام نفوسى را ذكر فرموده اند از قبيل
ان ياروح الاعظم ذكر فى الكتاب . ابالقاسم الذى
سافر الى الله ومسته فى السبيل شدائد الغربه ...
ان يافرج ان لم تمر على ديارك فارسى هذا اللوح

عبادنا المقربین و... و بعد به جناب حاجی ابراهیم
 ملقب به خلیل شیرازی معروف به مبلغ که او را بنام
 منادی الامر خطاب فرموده اند و در اواخر ساکن یزد
 بوده فرموده اند که بسیار مفصل است و میفرمایند:
 لانا جعلناک منادی امرنا فی هناک ... بشر فی
 نفسک بما سمیناک بمنادی الامر ...

و پس از شرحی درباره یحیی ازل و سر شهرت او در امر

ص ۱۹۵

اشاره به تشریف منادی الامر در بغداد بحضور مبارک
 فرموده اند قوله تعالی :
 فهینثالک یا منادی الامر بما حضرت بین یدی -
 العرش حین الذی اشرقت شمس الافاق عن شطر العراق
 وبعد شرحی درباره شیاطین و ناعقین فرموده اند
 و سپس نام حسین را ذکر فرموده و عنایت میفرمایند و
 همچنین عده ای از احبای ایران را ذکر فرموده اند و
 همچنین ذبیح را مخاطب فرموده اند...
 از قرائن این لوح در عکا نازل شده زیرا میفرمایند من در
 سرزمین غریب افتاده ام که کسی رابه آنجراه نیست و
 چون در عکا که تشریف داشتند در اوائل زائرین اجازه
 ورود به شهر و تشریف به حضور مبارک از ناحیه حکومت
 و مخالفین داشتند لهذا میتوان گفت که این لوح در عکا
 نازل شده قوله تعالی :
 مخاطب الذبیح . ان یاعبد فابک علی نفس الله
 و و حدته ثم ابتلائه و غربته فی هذا الارض التي انقطعت
 عن ورودها ارجل القاصدین .
 مسلما مقصود عکا است زیرا ورود به ادرنه ممنوع نبود
 و احباب میرفتند و مشرف میشدند بعد خطباتی به
 یحیی ازل و سایر معرضین فرموده اند که مفصل است

و با اظهار عنایت نسبت به جمعی از احبای دیار
 لوح مبارک مخاطباً بمنادی الامر خاتمه مییابد.
 -سورة الزیارة ۴۵

به افتخار ورقة الفردوس همشیره باب الباب است برای
 زیارت باب الباب و آغازش اینست که هذه سورة الزیارة
 قد نزلت من جبروت الفضل لاسم الله الاول لیزور به
 قانتة الكبرى والذین هم آمنوا بالله و آیاته و كانوا
 من الفائزین .

هو العزيز المقتدر العلی الاعلی هذا کتاب من لدی
 المظلوم الذی سُمی فی ملکوت البقاء بالبهاء و فی جبروت
 العالی بالعلی الاعلی ... الخ

این لوح بسیار مفصل است و در وسط لوح خطاب به
 ورقة الفردوس میفرماید و انک انت یا ورقة الفردوس اذا
 وصل علیک هذا اللوح الدری المنیر قومی عن مقامک
 و خذیه بید الخضوع ثم استشقی منه رائحة الله ربک
 و رب العالمین ... الخ

۴۶ - جواد لوح

لوح مبارکی است از جمال قدم جل جلاله که این طور شروع
 میشود قوله تعالی :

ای جواد سلطان ایجاد میفرماید که سیف لسان
 را از غلاف بیان به قوت رحمانی برآور و به قسمی تبلیغ
 این امر نما که جمیع آفرینش را مجال اعراض نماید چه
 که این احباب را در حین تکلم روح القدس تأیید میفرماید
 ای جواد صبح منیر از نفس رحمانی نفس کشیده و الصبح

اذا تنفس مرة اخرى ظاهر گشته انشاء الله جهد بليغ
 مبذول فرمائید که مبدا ظلمت انفس ظلمانی و هیاکل
 شیطانی به حجاب انفس مشرکه این صبح نورانی راز
 اعین ناس مسطور دارد ای جواد ذنابی چند دراثواب
 اغنام ظاهر شده اند باید در کل وقت پناه به خدا برد
 که از خدع و مکر این خادعین که به ربّ عالمین مکر
 نموده اند محفوظ مانیم ای جواد الیوم اگر کل من فی
 السموات والارض دعوی ربوبیت نماید و به آیات اولین
 و آخرین تغنی نماید من دون ذکر اسم ربک الاعلی فی
 هیكله الاخری علی اسمه الابهی مردود بوده و خواهند
 بود... الخ

ص ۱۹۸

سورة البیان

۴۷

قوله تعالى :
 هذا سورة البیان قد نزلت من جبروت الرحمن الذی
 آمن بالله و کان من المهتدین فی الالواح مکتوبا هو
 العلی الاعلی فی جبروت الابهی ذکر اسم ربک عبده
 اذ دخل بقعة الفردوس مقر الذی استشرق علیه انوار
 الوجه عن مشرق الجمال بایات مبین...
 این لوح مبارک به استناد آیه مبارکه مذکوره در عکا نازل
 شده و سراسر آن مواعظ و نصایح و توجه دادن اهل
 بیان بحث منیع است و قسمتی از این لوح را حضرت
 ولی امر الله جل سلطانہ در گناب گاد پاسزبای به انگلیسی
 ترجمه فرموده اند نام مخاطب این لوح در لوح مبارک
 ذکر نشده و لکن به او میفرمایند که در ارض تاء این لوح
 را به جواد بده بخواند ارض تاء تبریز است و جواد
 قزوینی در اوایل حال مدتی در تبریز بوده است و مورد

هجوم اعداء گردیده و از وجوه حقوق الله که نزدش بوده مبلغی به اشرار میدهد و خود را خلاص میکند و بعداً به ارض اقدس می‌رود و از طائفین حول بوده و از کاتبین آیات بوده و بعد از صعود مبارک نقض عهد میکند و

ص ۱۹۹

بهاالکین می پیوندند و بعد به مخاطب لوح میفرمایند در ارض الزاء (زنجان) احبا را ملاقات کن و پس از آنکه شرحی درباره یحیی و حکمت شهرت او در امر فرموده اند میفرمایند اگر محمد علی را دیدی از طرف ما به او بشارت بده. واذ رأیت محمد قبل علی بشره من لدنا... بعد میفرمایند واذ وردت ارض الباء من الخاء (شاید مقصود بشرویه است) ذکر من لدنا اهلها من القانتین والقانتات و... و بعد اشاره به نزول لوح البهاء میفرمایند و بعد میفرمایند اذکر اسم الله ص... که مقصود اسم الله الاصدق جناب مقدس خراسانی است و بعد میفرمایند ثم توجه الی شطر اسمنا الاعظم بلوح الله و اثره ثم ادخل علیه (مقدس خراسانی) ببشارة عظیم ثم ذکره بما لقی علیه الروح من هذا المنظر الکریم ثم اخبه من قصص الغلام لیطلع بما ورد علینا فی هذا السجن البعید (عکا) لیكون مصائبنا... الخ شریکاً فی

و در آخر لوح میفرمایند واذ رأیت اخیک الذی سمی فی ملکوت الاسماء باحمد ذکره بذکر الله ربه ثم اذکره ماورد علینا فی هذه الارض البعید (عکا) الخ

محل نزول این لوح بدون تردید عکا بوده است ولی

ص ۲۰۰

مقصود از امین که سوره مزبور به اعزاز او نازل شده امین
 افندی بغدادی است که شرح حالش را نبیل زرنندی
 در مثنوی خود به نظم آورده و در آغاز داستان مزبور
 چنین فرموده :
 اندر آن شورش یکی ز ابهائیان
 کز رخس انوار ابهائی عیان
 نام او مانند شخص او امین
 بی شبیه و مثل در آن سرزمین
 در ادرنه زد شهنشاه قدم
 از علو ذکر استعلاش دم
 اشاره به همین سوره الامین است که به اعزاز امین در
 ادرنه نازل شده است .
 الی قوله :
 چند ماهی چون گذشت از آن بیان
 فتنه بغداد آمد در عیان
 اندر آن فتنه امین بیمار بود
 لیک جام عشق اوسرشار بود

باری در این فتنه آشوب امین جانفشانی میکند و استقامت

ص ۲۰۱

مینماید و بقول نبیل :
 شمع حب الله در هر محفلی
 مایل اصحاب انوار روحش هر دلی
 مجلس عجم و واعراب و عجم
 دائم از رویش مزین چون ارم
 در فتنه بغداد امین که خود را بهائی معرفی کرده بود
 به حبس افتاد و در حبس یازده نفر را تبلیغ کرد که ده
 تن مسلمان و یک نفرشان یهودی بودند و حکومت آن جمع

رابه اسلامبول فرستاد عاقبت امين افندى از حبس
 اسلامبول نجات يافت و بيغداد برگشت و تا آخر عمر
 به خدمت امرالله مشغول بود. در لوح مزبور عنایات
 بسيار نسبت به او نازل شده است و اين لوح مبارك در كتاب
 مبین مندرج است .
 سورة المرسل ٤٩ -

در لوح مبارك معروف به سورة المرسل از قلم مبارك جمال
 قدم جل جلاله نازل ،
 قوله تعالى : ... قد تجلى الله في هذا اللوح
 باسمه المرسل على الممكنات لثلاثين احد من بدایع

ص ٢٠٢

ما كنز في هذا الاسم المبارك البديع انا جعلنا هذا
 اللوح مبدء ظهور هذا الاسم في العالمين ومنه بعثنا
 الرسل من قبل الذي لا قبل له وارسلناهم الى العباد
 امر من لدنا وانا كما امرين ونرسلن به الرسل الى
 آخر الذي لا آخره بقدره من لدنا وانا كما قادرين
 ... من الرسل من نبعث بالحق ونرسله الى العباد
 كتاب و حجة مبین ومنهم من انطقناه بفضل من عندنا
 و الهمناه كلمة الامر من لدنا و انا كما على كل شئ
 لمقتدر قدير و منهم منا و حيناليه يرسل من الملائكة
 ومنهم من انطقنا الروح في صدره بربوات قدس بديع
 و منهم من اظهرناه بكل ذلك وجعلناه مظهر كل الاسماء
 بين الارض والسماء و ظهرناه عن دنس المشركين و
 ايدناه بالروح الاعظم وجعلناه مظهر نفسا لمن في
 ملكوت الامر و الخلق و قدرنا له خيرا العالمين كذلك
 فضلنا بعضهم على بعض فضلا منعدي وانا الفضال
 القدير و من دون هو لا تجلينا بهذا الاسم على كل من

في السموات والارضين و جعلنا هذا الاسم شمسا
ليستضي من انوارها كل الوجود من الغيب والشهود
ولا يعرف ذلك الا الذين هم اوتوا بصر الروح من لدن
عليم حكيم ولن يمنع احد من تجلي هذه الشمس الا من

ص ٢٠٣

يجعل حجابا بينه وبين انوارها كذلك نقلني على العباد
ما يقربهم الى كوثر العرفان ويستبين سبل العرفان و؟؟
من رسل تجلي عليهم تجليات هذه الشمس ولكن في
انفسهم لا يكون من الشعاعين مثلان الذين يذهبون
برسائل الملوك الى الاقطار اولئك رسل من عندهم و
تجلى عليهم هذا الاسم على شأنهم وعلى قدر تقابلهم
هذا الشمس المشرق العزيز البديع ومنهم من يحمل
رسالات الله في الواحه ولا يفقه في نفسه ويكون من
الغافلين كما تشهدون ان الذين يسمون عندهم
بالچاپار اولئك في الذهاب والاياب يحملون آيات الله
و كتابه وينشرونها في الديار ولكن في انفسهم يكون من
المحتجبين وكم منهم لويطلعون بذلك لن يقبلوا في
انفسهم ولن يحملوها بل يكون من الجاهدين واشرق
عليهم تجلي هذا الاسم حين غفلتهم عنه كذلك احاط
فضل ربك على العالمين... وانا اللهمنا الملوك
من قبل بان يعينوا عبادا لهذا الامر ليظهر منهم ما اراد
اليه في تلك الايام من انتشار آثاره كذلك نبين لكم
قدره ربكم لتكون في قدرته لمن الموقنين... الخ

ص ٢٠٤

سورة الاعراب

-

٥٠

هذه سورة الاعراب قد نزلت من لدن منزل قديم

هوالمقدس المتعالی العلی الابهی تلک آیات الله قد
 نزلت بالحق من سما عز بدیع ...
 این لوح مبارک خطاب به اعراب مؤمنین ساکن بغداد
 وقرای اطراف آن مانند عواشق و غیره است . قوله
 : تعالی

ان یا احباً الله من الاعراب اسمعوا ندأ الله
 من هذه الشجرة التي ارتفعت بالحق ...
 در این لوح شرحی از مصائب وارده بر هیکل مبارک است
 که بسیار موثر و حزن انگیز است . قوله تعالی :
 ... تالله یا اعرابی لوتنظروننی لن تعرفونی وقد
 ابيض مسک السود (موی های مبارک) من تتابع
 البلايا و ظهرت الف الامر علی هیئة الدال وقامت مبارک
 خم شده) وقد توالی القضايا ثم اصفر هذا الوجه
 المحمر المنیر ...
 بعد شرحی از مصائب وارده و قیام یحیی ازل به مخالفت
 و سایر مطالب است .

این لوح مبارک در سبج نازل شده و در لوح میفرمایند.

ص ۲۰۵

قوله تعالی :
 ثم اذکروا ایام لقای و وصالی ثم هجری و غربتی
 و سبجی ... الخ
 این لوح مبارک بسیار مفصل و دو قسمت است و هر دو
 خطاب به اعرابی است .
 ۵۱ - زیارتنامه مریم

مریم دختر عمه جمال قدم جل جلاله و زوجه برادر طلعت
 مبارک است که نامش حاجی میرزا رضاقلی حکیم بوده است
 شرح موضوع در رحیق مختوم در این خصوص مسطور است

وآغاز زیارت نامه مریم که در عکا از قلم مبارک جاری شده
این است :

قد نزل للتي سميت بمريم انها اشتعلت بنا راحب
رهبها قبل ان تمسها و انا سترنا شأنها في حياتها فلما
ارتفعت الى الرفيق الاعلى كشف الله الحجاب وعرفها
عباده ومن اراد ان يزور الطأ الكبرى التي استشهدت
من قبل فليزرها بهذه الزيارة بسم الله العلي الاعلى
ان يا قلم الاعلى ما اخذك السرور في ايام ربك العلي
الاعلى ...

ص ۲۰۶

این لوح در عکا نازل شده و مقصود از طأ کبری حضرت
طاهره است و این زیارتنامه مال مریم و حضرت طاهره
است .

۵۲ - زیارتنامه بیت

در لوح شیخ محمد عرب دمرچی که در صفحه ۲۲۶ کتاب
مبین طبع سنگی بمبئی مندرج است زیارت نامه بیت مبارک
بغداد موجود است یا محمد اذا خرجت من ساحة
العرش فا قصد زیارة البيت ...

و در صفحه ۳۲۲ مجموعه موسوم به اقتدارات مناجاتی از
لسان بیت مبارک نازل شده ... یا طیب تسمع حنین
... البيت

و در صفحه ۲۰۹ کتاب مبین طبع مزبور نیز خطاب به
مهدی درباره بیت نازل شده است .
۵۳ - زیارتنامه

حضرت ولی امر الله جل ثنائه در گاد پاسزبای فرموده اند
که هیکل مبارک مرکز میثاق نبیل زرنندی رامامور فرمودند که

زیارتنامه جمال قدم اسم اعظم رازالواح مبارکه استخراج
 کند نبیل همین زیارتنامه را که امروز معمول است مرتب
 ساخت ازاول تاجمله علی کل شیئی حفیظ رازلوح
 مرحوم آقابااستخراج کرد واز جمله یا جمالالله
 تالغفورالرحیم ازلوح یکی از احباء که درصورت آن
 در کتاب مبین طبع بمبئی سنگی صفحه ۳۲۷ مندرج
 است استخراج نمود و بقیه راهم ازلوحی که ازقلم
 جمال قدم جل جلاله به اعزازحضرت حرم محترمه نقطه
 اولی جل ذکره سرکارخدیجه بیگم نازل شده بود
 استخراج کرد و امروزهمان زیارتنامه که نبیل زرندی
 جمع آوری کرده زیارتنامه جمال قدم و حضرت نقطه
 اولی اولی جل جلالهمیباشد.

۵۴ - لوح رضوان العدل

قوله تعالی :
 بسم الله العادل الحکیم هذا لوح فیه بعث الله
 اسمه العادل ونفخ فیه روح العدل فی هیاکل
 الخلائق اجمعین

پس از بیان مفصلی خطاب به ساکنین ارض و معروضین

بیان و اشاره به یحیی و اعراض او و ذکر مراتب عدل
 میفرماید عقل انه لمیزان العدل بین السموات
 والارضین وانه لویاتی بامر یفزع من فی السموات والارض
 انه لعدل مبین وان فزع الخلق لم یکن الا کفزع الرضیع
 من الفطام لوانتم الناظرین ...
 بعضی از قسمت های این لوح را حضرت ولی
 امرالله جل سلطانه درلوح گلی نینگز برای احبای غرب

به انگلیسی ترجمه فرموده اند و از جمله این آیه است :

ان ارتقبوا یا قوم ایام العدل و انها قد اتت بالحق
ایا کم ان تحتجبوا منها ویكون من الغافلین .
این لوح مبارک به اعزاز آقا سید محمدرضا شهمیرزادی
بقیة السیف نازل شده و در آن میفرمایند:
ان یاقلم الاعلی فابتعث عبدالذی سمی بالرضا
بعد نبیل من مظاهر العدل فی ملکوت الانشاء...
و در آخر لوح میفرمایند انا خلقنا رضوان العدل
بقوة من عندنا وقدره من لدنا وارسلناه الیک (سید
محمد رضا) بفوا که عز بدیع ...
در آخرین لوح نیز اشاره به شهادت شهدائی که
در همان ایام به آن فیض رسیده اند فرموده اند و خبر از
انقلاب آن ارض داده اند. قوله تعالی :

ص ۲۰۹

والذین هم استشهدوا فی سبیل الله فی هذه الايام
اولئک من اعلی الخلق ...
و محتمل است که لوح در اوائل ورود به عکا نازل شده
و مقصود از شهدای آن ایام جناب بدیع و سید اشرف
زنجانى و ابا بصیر زنجانی و جناب میرزا محمد علی
طیب زنجانی باشند زیرا شهادت شهدای مزبور
در سال ۱۲۸۶ ه . ق بوده که سال اول ورود حق
تعالی به عکا است .
۵۵ - تفسیر سوره والشمس

این لوح مبارک که در اول مجموعه الواح حضرت بهاء الله
جل جلاله به طبع رسیده در عکا در جواب سؤال مفتی
عکا شیخ محمود نازل شده مشارالیه به امر مبارک مومن
شد و احادیث وارده از حضرت رسول ص را در فرضیت

عکا و ارض اقدس در رسالهٔ جمع کرد و شرح آن در گاد پاسزبای مسطوراست
 ۵۶ - الواح لیلۃ القدس

از قلم مبارک در عکانازل شده که در اویش در آن لیلۃ

ص ۲۱۰

جشن بگیرند و آن الواح را بخوانند ولی بعدا جشن لیلۃ القدس موقوف ماند زیرا درویشی در امر مبارک مذموم وهمه احبای الهی موفق به عرفان مظهر امر الله واز درویشی متعارفی و معمولی بیزار و برنگار هستند صورت لوح لیلۃ القدس در کتاب تسبیح وتهلیل مندرج است

۵۷ - اصل کل الخیر

از الواح بسیار معروف است و به انگلیسی هم ترجمه شده است و مکرر به طبع رسیده است
 ۵۸ - قد نزلنا فی - الاقدس کتابی

یا اهل المجالس فی البلدان ان اختاروا لغة من اللغات لتکلم بها من علی الارض و كذلك من الخطوط ان الله بینکم و بینکم ما ینفعکم و ینصیحکم عن دونکم انه لهو العلیم الخبیر

این امر مبرم از جبروت قدم از برای اهل عالم عموما و اهل مجالس خصوصانازل شده چه که اجرای او امر و احکام

ص ۲۱۱

و حدودات منزله در کتاب به رجال بیوت عدلیه الهیه تفویض شده و این حکم سبب اعظم است از برای اتحاد

و علت کبری است از برای مخالطه و وداد من فی
 البلاد. ملاحظه میشود اکثری از ازمم ازتشت لغاة
 اهل عالم از مخالطه و معاشرت و کسب معارف و حکمت
 یکدیگر محروم اند لذا محض فضل و جود کل مأمور
 شده اند به اینکه لغتی از لغات را اختیار نمایند چه
 جدید اختراع کنند و چه از لغات موجوده ارض و کل
 بان متکلم شوند در این صورت جمیع ارض مدینه واحده
 ملاحظه میشود زیرا که کل از لسان یکدیگر مطلع میشوند
 و مقصود یکدیگر را ادراک مینمایند اینست سبب ارتقاء
 عالم و ارتفاع آن و اگر نفسی از وطن خود هجرت نماید
 و به هریک از مدن وارد شود مثل آن است که در محل
 خود وارد شده تمسکوا به یا اهل المجالس و المذن
 اگر نفسی فی الجمله تفکر کند ادراک مینماید که آنچه از
 سماء مشیت الهیه نازل شده محض فضل بوده و خیر آن
 بکل راجع است و لکن بعضی از عباد از ثدی غفلت و جهل
 میاشامند بشائی که آنچه خیر است و رحمان آن عقلا
 و نقلا ظاهر و مشهود است از آن تجاوز مینمایند و به
 مزخرفات نفوس غافله از حکمت الهیه که سبب علت ترقی

ص ۲۱۲

عالم و ارتفاع اهل آن است چشم پوشیده و میپوشند
 الا انهم فی خسران مبین هر طائفه بلسان خود تکلم
 مینمایند مثل ترک به ترکی و اهل ایران به پارسی و عرب
 به عربی و اهل اروپا به السنه مختلفه خود و این السن
 مختلفه مابین احزاب متداول است و مخصوص است به
 طوایف مذکوره و یک لسان دیگر امر شده که اهل عالم
 عموماً به آن تکلم نمایند تا کل از لسان یکدیگر مطلع
 شوند و مراد خود را بیابند اوست باب محبت و وداد
 و الفت و اتحاد و اوست ترجمان اعظم و مفتاح کنز

قدم چه مقدار از نفوس مشاهده شده که تمام اوقات را در تعلیم السن مختلفه صرف نموده بسیار حریف است که انسان عمری را که از اعز اشیاء عالم است صرف اینگونه امور نماید و مقصودشان از این زحمات آنکه لسان مختلفه را بدانند تا مقصود طوایف و ما عندهم را ادراک نمایند حال اگر بآنچه امر شده عامل شوند کل را کفایت مینماید و از این زحمات لاتحصی فارغ میشوند و آنچه لدی - العرش محبوب آن است که جمیع بلغت عربی تکلم نمایند چه که ابسط از کل لغات است اگر کسی بیسط و وسعت این لغت فصیحی مطلع شود البته آنرا اختیار نماید لسان پارسی بسیار ملیح است و لسان الله در این

ص ۲۱۳

ظهور به لسان عربی و فارسی هر دو تکلم نموده و لکن بسط عربی رانداشته و ندارد بلکه جمیع لغات از نسبت باو محدود بوده و خواهد بود و این مقام افضل است که ذکر شد و لکن مقصود آنکه لغتی از لغات را اهل ارض اختیار نمایند و عموم خلق به آن تکلم کنند هداما حکم به الله و هذا ما ینفع به الناس لوهم یعرفون وهم چنین سوای خطوط مخصوصه طوایف مختلفه یک خط اختیار نمایند و خلق عموماً به مشغول شوند تا جمیع خطوط خط واحد و جمیع سبب اتحاد قلوب و نفوس مشاهده شود و این دو سبب اتحاد قلوب و نفوس اهل عالم گردد و علمکن ما هو خیر لکم تمسکوا به انه لهو الواعظ الناصح المبین المدبر المشفق العلیم الحکیم و بالاخره جمیع لسان و خطوط بوحد منتهی گردد و قطعات مختلفه ارض یک قطعه مشاهده شود الا تری فیها عوجاً و لا - لوح مقصود

این لوح مبارک در عکابه سال ۱۲۹۹ ه . ق روز نهم صفر
بشریحی که در نفس لوح مسطور است به اعزاز میرزا مقصود

ص ۲۱۴

که در آن ایام در شام و قدس بسر میبرده نازل شده
است این لوح در جواب دو نامه میرزا مقصود است که
دومی را از قدس تقدیم کرده و اشعاری هم در مدیحه
مظهر امرالله تقدیم کرده که در نفس لوح مذکور است
قسمت اول این لوح حاوی مطالب مهمه و شامل تعالیم
و اصول سامیه امر اعظم است و حضرت ولی امرالله در
گلی نینگ بسیاری از مندرجات آن را برای احبای غرب
به انگلیسی ترجمه فرموده اند و چون گلی نینگ در دسترس
عموم است لهذا در این مقاله از ذکر خلاصه مندرجات
این لوح صرف نظر میشود و طالبین باید به گلی نینگ
مراجعه فرمایند.

چنانچه در مقدمه ذکر شد احصای الواح مبارکه جمالمقدم
از طاق و توان خارج است و برای احتراز از اطناب
بهین مقدار در این مقاله اکتفا نمودیم .

والسلام
علی طهران
من -
اتبع اشراق
الهدی خاوری
۱۳۴۴
تابستان

فهرست
کتاب گنج
مندرجات
شایگان

صفحه

مقدمه

۳

الف - آثار نازله در طهران ۷

ب - الواح نازله در بغداد مدینه الله قبل

از هجرت سلیمانیه ۷

۱- لوح کل الطعام ۸

ج - آثار و الواح نازله در سلیمانیه ۱۰

۱- قصیده عز و رقائیه ۱۰

د الواح نازله در بغداد بعد از مراجعت از

۱۳

سلیمانیه

۱۳

۱- کتاب ایقان

۱۶

۲- کلمات مکنونه (عربی و فارسی)

۱۷

۳- هفت وادی

١٨

٤- چهارواډى

١٩

٥- لوح ملاح القدس

٢٠

٦- لوح حوريه

٢

صفحه

٢١

٧- تفسير حروف مقطعه

٢٢

٨- لوح مدينة التوحيد

٢٤

٩- صحيفه شطيه

٢٥

١٠- مصيبت حروفات عالين

٢٧

١١- جواهر الاسرار

٣١

١٢- لوح شكرشكن

٣٢

١٣- لوح غلام الخلد

٣٣

١٤- لوح هله هله ..

٣٦

١٥- مدينة الرضأ

٣٦

١٦- لوح فتنه

٣٧

١٧- لوح حق

٤٠

١٨- لوح البهاء

٤٢

١٩- لوح بلبل الفراق

٤٥

٢٠- لوح آيه نور

٤٩

٢١- سورة القميص

٥١

٢٢- سورة القدير

٥٥

٢٣- سورة الصبر

٥٩

٢٤- سورة الذكر

٦٠

٢٥- سورة الله

٢٦- لوح سبحان ربى الاعلى - حرف البقاء ٦١

صفحه ۳

- ۶۵ - ۲۷ - ساقی ازغیب بقا
- ۶۵ - ۲۸ - زیارتنامه اولیاء
- ۶۵ - ۲۹ - بازآوبده جامی
- ۶۶ - ۳۰ - لوح مبارک ازباغ الهی
- ۵ - آیاتی که درین راه ازبغداد تا اسلامبول
-

۶۷ نازل شده است

- ۶۷ ۱- لوح هودج
- ۶۹ و الواح نازله در اسلامبول
-

- ۶۹ ۱- لوح عبدالعزیز و وکلاً
- ۷۱ ۲- لوح سبحانک یا هو

۳- مثنوی

۷۱

ز الواح ادرنه

۷۳

| | | | | | |
|---------------------|-------------------------|-------------------------|------------------------------------|-----------|-------------------------|
| قسمت فصل ۱۲۸۰ | اول اکبر از قلم ق | - بعضی الهی مطابق | الواحی نازل ۱۸۶۳-۱۸۶۴ میلادی | که شده | قبل (۱۲۸۱-) از ۷۳ |
|---------------------|-------------------------|-------------------------|------------------------------------|-----------|-------------------------|

| | |
|---------|------------------------------------|
| ۷۳ | ۱- سورة الامر |
| ۷۴ | ۲- لوح احمد عربی |
| ۷۵ | ۳- لوح حبيب |
| ۴ | صفحه |
| ۷۹ | ۴- لوح سياح |
| ۸۱ | ۵- سورة الدم |
| ۸۲ | ۶- سورة الحج |
| ۸۵ | ۷- لوح الروح |
| از حصول | ۸- قسمت دوم - الواحی که پس از حصول |
| (۱۲۸۵-) | فصل اکبر در ادرنه |
| (| ۱۲۸۲ هـ ق مطابق ۱۸۶۴ میلادی شده) |
| ۹۰ | بعضی از آن الواح ذکر میشود: |

| | |
|-----|-------------------------|
| ۹۰ | ۸- سوره ملوک |
| ۹۷ | ۹- کتاب بدیع |
| ۹۷ | ۱۰- لوح اول ناپلئون سوم |
| ۱۰۲ | ۱۱- لوح سلطان ایران |
| ۱۰۷ | ۱۲- سوره غصن |
| ۱۰۹ | ۱۳- سوره رئیس |
| ۱۱۲ | ۱۴- سورة العباد |

| | | |
|-----|----------------------|-----|
| ۱۱۳ | سورة الذبيح | ۱۵- |
| ۱۱۴ | سورة الاحزان | ۱۶- |
| ۱۱۵ | رضوان الاقرار | ۱۷- |
| ۱۱۸ | ح -الواح نازله درعكا | |

| | | | | |
|------------|-------|-------|---|-------------------|
| ۵ | صفحه | | | |
| درعكاالواح | نازله | الواح | - | قسمت اول |
| ۱۱۹ | | | | ملوك ومشاهير جهان |

| | | | | |
|-----|--|--|-----|----------------------|
| ۱۲۰ | | | | ۱- لوح ملك روس |
| ۱۲۱ | | | | ۲- لوح ثانى رئيس |
| ۱۲۴ | | | | ۳- لوح پاپ |
| ۱۳۰ | | | | ۴- لوح ملكه ويكتوريا |
| | | | ۱۳۱ | ۵- سوره هيكل |

| | | | | | |
|-------------|-------|-------|-------|---|----------|
| شامل | درعكا | نازله | الواح | - | قسمت دوم |
| حدود واحكام | | | | | |

| | | | | | |
|-----|----------------|--|------------------|--|-----------------------------|
| ۱۳۳ | | | | | ۶- كتاب اقدس |
| ۱۳۹ | | | | | ۷- الواح مهمه ديگر لوح حكمت |
| ۱۴۴ | | | | | ۸- زيارت نامه سيدالشهداء |
| ۱۴۵ | | | | | ۹- رساله سؤال وجواب |
| ۱۴۵ | | | | | ۱۰- لوح برهان |
| ۱۴۷ | | | | | ۱۱- لوح كرملى |
| ۱۴۸ | مشهور باقانجفى | | محمد تقى اصفهانى | | ۱۲- لوح |
| ۱۴۹ | | | | | ۱۳- لوح روىا |
| ۱۵۰ | | | | | ۱۴- كتاب عهدى |

| | صفحہ |
|-----|----------------------|
| ۶ | |
| ۱۵۴ | ۱- لوح اشراقات |
| ۱۵۶ | ۲- لوح بشارات |
| ۱۵۸ | ۳- لوح مبارک طرازات |
| ۱۵۹ | ۴- لوح مبارک تجلیات |
| ۱۶۱ | ۵- لوح کلمات فردوسیہ |
| ۱۶۴ | ۶- لوح اقدس |
| ۱۶۸ | ۷- لوح دنیا |
| ۱۷۱ | ۸- لوح یوسف |
| ۱۷۲ | ۹- لوح ہفت پریش |
| ۱۷۲ | ۱۰- لوح ہر تیک |
| ۱۷۳ | ۱۱- لوح نصیر |
| ۱۷۴ | ۱۲- لوح مولود |
| ۱۷۴ | ۱۳- لوح مریم |
| ۱۷۴ | ۱۴- لوح مانکچی |
| ۱۷۵ | ۱۵- لوح کریم |
| ۱۷۶ | ۱۶- لوح قناء |
| ۱۷۶ | ۱۷- لوح عبدالوہاب |
| ۱۷۶ | ۱۸- لوح عاشق معشوق |
| ۱۷۷ | ۱۹- لوح طب |
| | ۲۰- لوح شیخ فانی |
| | ۱۷۷ |

| | |
|-----|----------------------------|
| ۱۷۹ | ۲۱- لوح اول ولوح دوم سلمان |
| ۱۷۹ | ۲۲- لوح الحساب |
| ۱۸۰ | ۲۳- لوح زین المقرین |

١٨٠
١٨٣
١٨٣
١٨٤
١٨٤
١٨٥
١٨٥
١٨٥
١٨٦
١٨٦
١٨٦
١٨٧
١٨٧
١٨٨
١٨٨
١٨٨

٢٤- لوح رسول
٢٥- لوح حسين
٢٦- لوح جمال
٢٧- لوح توحيد
٢٨- لوح پسرعم
٢٩- لوح البقاء
٣٠- لوح بسيط الحقيقة
٣١- لوح بسمله
٣٢- لوح انت الكافي
٣٣- لوح امواج
٣٤- لوح اشرف
٣٥- لوح الاحباب
٣٦- لوح اتحاد
٣٧- لوح كتاب الصدق
٣٨- قداحترق المخلصون
٣٩- سورة الهجر

١٩٠

٤٠- سورة وفا

٨

صفحه

١٩١
١٩٢
١٩٢
١٩٣
١٩٦
١٩٧
١٩٨
٢٠٠
٢٠١
٢٠٤

٤١- لوح ندأ
٤٢- سورة القلم
٤٣- سورة فواد
٤٤- سورة السلطان
٤٥- سورة الزياره
٤٦- لوح جواد
٤٧- سورة البيان
٤٨- سورة الامين
٤٩- سورة المرسل
٥٠- سورة الاعراب

۲۰۵
۲۰۶
۲۰۶
۲۰۷
۲۰۹
۲۰۹
۲۱۰
۲۱۰

۵۱- زیارت نامه مریم
۵۲- زیارت نامه بیت
۵۳- زیارت نامه
۵۴- لوح رضوان العدل
۵۵- تفسیر سوره والشمس
۵۶- الواح لیلة القدس
۵۷- اصل کل الخیر
۵۸- قدزلنافی کتابی الاقدس
۲۱۳
۵۹- لوح مقصود

۹
شایگان
(

گنج
تهجی

کتاب
حروف

فهرست
(بترتیب)

صفحه

صفحه

ردیف (الف)

۴۵
۱۸۷
۱۸۷
۷۴
۶۶
۱۵۴
۱۸۶
۲۱۰
۱۳۳
۱۶۴
۱۸۶

۱- آیه نور (لوح)
۲- اتحاد (لوح)
۳- احباب (لوح)
۴- احمد (لوح عربی)
۵- ازباغ الهی (لوح)
۶- اشراقات (لوح)
۷- اشرف (لوح)
۸- اصل کل الخیر
۹- اقدس (کتاب)
۱۰- اقدس (لوح)
۱۱- امواج (لوح)

۱۲- انت الكافی (لوح)

۱۳- ایقان (کتاب)

ردیف (ب)

۶۵

۱۴- بازآوبده جامی

۹۷

۱۵- بدیع (کتاب)

۱۶- برهان (لوح)

صفحه ۱۰

۱۸۵

۱۷- بسمله (لوح)

۱۸۵

۱۸- بسیط الحقیقه (لوح)

۱۵۶

۱۹- بشارات (لوح)

۱۸۵

۲۰- بقاء (لوح)

۴۲

۲۱- بلبل فراق (لوح)

۲۲- بهاء (لوح)

ردیف (پ)

۱۲۴

۲۳- پاپ (لوح)

۱۸۴

۲۴- پسرعم (لوح)

ردیف (ت)

۱۵۹

۲۵- تجلیات (لوح)

۲۱

۲۶- تفسیر حروف مقطعه

۱۸۴

۲۷- توحید (لوح)

ردیف (ج)

۱۸۳

۱۹۷

۲۸- جمال (لوح)

۲۹- جواد (لوح)

۳۰- جواهرالاسرار (لوح)

۲۷

ردیف (چ)

۱۱

صفحه

۱۸

۳۱- چهاروادی

ردیف (ح)

۷۵

۱۸۳

۳۷

۱۳۹

۳۲- حیب (لوح)

۳۳- حسین (لوح)

۳۴- حق (لوح)

۳۵- حکمت (لوح)

۳۶- حوریه (لوح)

۲۰

ردیف (د)

۱۶۸

۳۷- دنیا (لوح)

ردیف (ر)

۱۲۱

۱۸۰

۳۸- رئیس (لوح)

۳۹- رسول (لوح)

| | |
|-----|---------------------------|
| ٢٠٧ | ٤٠- رضوان العدل (لوح) |
| ١١٥ | ٤١- رضوان الاقرار (لوح) |
| ٨٥ | ٤٢- روح (لوح) |
| | ٤٣- رويًا (لوح) |
| | ١٤٩ |

رديف (ز)

| | |
|---------|--------------------------|
| ٢٠٦ | ٤٤- زيارتنامه |
| صفحه ١٢ | |
| ٦٥ | ٤٥- زيارتنامه اولياء |
| ٢٠٦ | ٤٦- زيارتنامه بيت |
| ١٤٤ | ٤٧- زيارتنامه سيدالشهدا |
| ٢٠٥ | ٤٨- زيارتنامه مريم |
| | ٤٩- زين المقربين (لوح) |
| | ١٨٠ |

رديف (س)

| | |
|-----|------------------------------|
| ٦٥ | ٥٠- ساقى ازغيب بقا |
| ٦١ | ٥١- سبحان ربى الاعلى (لوح) |
| ٧١ | ٥٢- سبحانك ياهو (لوح) |
| ١٧٩ | ٥٣- سحاب (لوح) |
| ١٠٢ | ٥٤- سلطان ايران (لوح) |
| ١٧٩ | ٥٥- سلهان (لوح اول وثانى) |
| ١٤٥ | ٥٦- سؤال وجواب (رساله) |
| ٦٠ | ٥٧- سورة الله |
| ١١٤ | ٥٨- سورة الاحزان |
| ٢٠٤ | ٥٩- سورة الاعراب |
| ٧٣ | ٦٠- سورة الامر |

٦١- سورة الامين

٦٢- سورة البيان

صفحة

٦٣- سورة الحج

٦٤- سورة الدم

٦٥- سورة الذبح

٦٦- سورة الذكر

٦٧- سوره رئيس

٦٨- سورة الزياره

٦٩- سورة السلطان

٧٠- سورة الصبر

٧١- سورة العباد

٧٢- سوره غصن

٧٣- سوره فواد

٧٤- سورة القدير

٧٥- سورة القلم

٧٦- سورة القميص

٧٧- سورة المرسل

٧٨- سورة الملوك

٧٩- سوره والشمس (تفسير)

٨٠- سوره وفا

٨١- سورة الهجر

٨٢- سوره هيكل

٨٣- سياه (لوح)

ردیف (ش)

۳۱

۱۷۷

۸۴- شکرشکن (لوح)

۸۵- شیخ فانی (لوح)

۱۴۸

۸۶- شیخ نجفی (لوح)

ردیف (ص)

۲۴

۸۷- صحیفه شطیه

ردیف (ط)

۱۷۷

۱۵۸

۸۸- طب (لوح)

۸۹- طرازات (لوح)

ردیف (ع)

۱۷۶

۶۹

۹۰- عاشق و معشوق (لوح)

۹۱- عبدالعزیزو وکلاً

۱۷۶

۹۲- عبدالوهاب (لوح)

ردیف (غ)

۳۲

۹۳- غلام الخلد (لوح)

ردیف (ف)

۱۵

صفحه

۳۶

۹۴- فتنه (لوح)

ردیف (ق)

۱۸۸

۹۵- قداحترق المخلصون

۲۱۰

۹۶- قدنزلفانی کتّابی الاقدس

۱۰

۹۷- قصیده عزورقائیه

۱۷۶

۹۸- قناع (لوح)

ردیف (ک)

۱۸۸

۹۹- کتّاب الصدق (لوح)

۱۵۰

۱۰۰- کتّاب عهدی

۱۴۷

۱۰۱- کرمل (لوح)

۱۷۵

۱۰۲- کریم (لوح)

۸

۱۰۳- کل الطعام (لوح)

۱۶۱

۱۰۴- کلّیات فردوسیّه

۱۶

۱۰۵- کلّیات مکنونه (فارسی و عربی)

ردیف (ل)

۲۰۹

۱۰۶- لیلۃ القدس (الواح)

ردیف (م)

| | |
|-----|-------------------------------|
| ۱۷۴ | ۱۰۷- مانکجی (لوح) |
| ۷۱ | ۱۰۸- مثنوی |
| | ۲۲ ۱۰۹- مدینة التوحید (لوح) |
| ۱۶ | صفحه |
| ۳۶ | ۱۱۰- مدینة الرضاء |
| ۱۷۴ | ۱۱۱- مریم (لوح) |
| ۲۵ | ۱۱۲- مصیبت حروفات عالین |
| ۲۱۳ | ۱۱۳- مقصود (لوح) |
| ۱۹ | ۱۱۴- ملاح القدس (لوح) |
| ۱۲۰ | ۱۱۵- ملک روس (لوح) |
| ۱۳۱ | ۱۱۶- ملکہ ویکتوریا (لوح) |
| | ۱۷۴ ۱۱۷- مولود (لوح) |

ردیف (ن)

| | |
|-----|------------------------------|
| ۹۷ | ۱۱۸- ناپلئون سوم (لوح اول) |
| ۱۹۱ | ۱۱۹- ندأ (لوح) |
| | ۱۷۳ ۱۲۰- نصیر (لوح) |

ردیف (ه)

| | |
|-----|-----------------------|
| ۱۷۲ | ۱۲۱- هرتیک (لوح) |
| ۱۷۲ | ۱۲۲- هفت پرسش (لوح) |
| | ۱۷ ۱۲۳- هفت وادی |

۱۲۴- هله هله ... (لوح)

۶۷

۱۲۵- هودج (لوح)

ردیف (ی)

۱۷۱

۱۲۶- یوسف (لوح)

! پایان کتاب